



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیة معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف یازدهم

پی افگندم از نظم کاخ بلند
که از بادوباران نیابد گزند



سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ. ش

دری صنف یازدهم

کتاب های درسی متعلق به وزارت معارف بوده خرید و فروش آن جدا ممنوع است. با متخلفین برخورد قانونی صورت می گیرد.

E-mail: moe.curriculum@gmail.com



سرود ملی

دا عزت د هر افغان دی
هر بچی یې قهرمان دی
د بلوڅو د ازبکو
د ترکمنو د تاجکو
پامیریان، نورستانیان
هم ایماق، هم پشه پان
لکه لمر پر شنه آسمان
لکه زړه وي جاویدان
وایو الله اکبر وایو الله اکبر

دا وطن افغانستان دی
کور د سولې کور د تورې
دا وطن د ټولو کور دی
د پښتون او هزاره وو
ورسره عرب، گوجر دي
براهوي دي، قزلباش دي
دا هیواد به تل ځلېږي
په سینه کې د آسیا به
نوم د حق مودی رهبر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



وزارت معارف

معینیت انکشاف نصاب تعلیمی و تربیة معلم
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی
و تألیف کتب درسی

زبان و ادبیات دری

صنف یازدهم

سال چاپ: ۱۳۹۶ هـ. ش.



مؤلفان

- احمد ياسين فرخاری
- مؤلف غلام سرور بغلانی

ایدیت علمی و مسلکی

- پوهندوی عبدالرازق اسمر
- فرزانه شریف

ایدیت زبانی

- مؤلف الحاج سید محمود پایمناری

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی

- مولوی عبدالوکیل عضو علمی و مسلکی دیپارتمنت تعلیمات اسلامی.
- حبیب الله راحل مشاور وزارت معارف در ریاست انکشاف نصاب تعلیمی.

کمیته نظارت

- دکتور اسدالله محقق معین انکشاف نصاب تعلیمی و تربیه معلم
- دکتور شیرعلی ظریفی مسؤول پروژه انکشاف نصاب تعلیمی
- سرمؤلف عبدالظاهر گلستانی رئیس عمومی انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی

طرح و دیزاین: عنایت الله غفاری و محمد اشرف امین

تنظیم امور چاپ: محمد کبیر حقمل رئیس نشرات و اطلاعات وزارت معارف.

بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

سپاس بیکران آفریدگاری را که انسان را در احسن تقویم آفرید و او را قدرت بیان بخشید و به زیور علم و اندیشه آراست و درود بی‌پایان بر پیامبر مکرم اسلام حضرت محمد مصطفی - صلی الله علیه وسلم - که معلم بزرگ انسانیت است و پیام آور رحمت و هدایت و روشنایی.

تعلیم و تربیت نقطه آغاز هر تحول و سنگ بنای توسعه در هر جامعه است. هدف اصلی تعلیم و تربیت به فعلیت رساندن نیروهای بالقوه انسان و شگوف کردن استعدادهای درونی وی است.

کتاب درسی یکی از ارکان مهم در فرایند تعلیم و تربیت محسوب می‌شود که همگام با تحولات و پیشرفت‌های علمی نوین و مطابق با نیازمندی‌های جامعه تهیه و تألیف می‌گردد و باید دارای ظرفیت و ظرافتی باشد که بتواند آموزه‌های دینی و اخلاقی را توأم با فرآورده‌های علوم جدید با میتوذهای نوین به شاگردان منتقل کند.

کتابی که اکنون در اختیار شما قرار دارد، بر اساس همین ویژه‌گی‌ها تهیه و تألیف شده است. سعی وزارت معارف همواره براین بوده که نصاب تعلیمی و کتب درسی معارف کشور، متکی بر مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و حفظ هویت ملی، مطابق با معیارهای علمی و روش‌های تربیتی نوین بوده، استعدادهای دانش آموزان را در همه زمینه‌های اخلاقی و علمی شگوفا گرداند و قدرت تفکر، ابتکار و حس جستجوگری را در آن‌ها تقویت بخشد. ترویج فرهنگ گفتگو و رواداری، تقویت حس وطن‌دوستی، مهربانی، گذشت و همبستگی از خواست‌های دیگر وزارت معارف است که باید در کتب درسی متبلور باشد.

کتاب‌های درسی بدون داشتن معلم خوب و مسلکی نمی‌تواند اهداف مورد نظر را بر آورده سازد. معلم یکی از ارکان مهم تعلیم و تربیت و مجری برنامه‌های آموزشی و تربیتی است. از معلمان و آموزگاران خوب، متعهد و دلسوز کشورم که ستیزه با سیاهی و نادانی را پیشه خود ساخته اند، صمیمانه آرزو مندم که با تطبیق دقیق و مخلصانه نصاب تعلیمی، کودکان و جوانان میهن را بسوی فتح قله‌های رفیع دانش، اخلاق و معنویت رهنمون گردند.

کامیابی نظام آموزشی کشور بدون همکاری جدی مردم غیر ممکن است. ازین رو از همه اقشار و افراد ملت شریف افغانستان، بخصوص از خانواده‌ها و اولیای محترم شاگردان خواهشمندم که از هیچگونه همکاری در جهت تحقق اهداف معارف دریغ نورزند. همچنان از همه نویسندگان، دانشمندان، متخصصان تعلیم و تربیت و اولیای محترم شاگردان تقاضا می‌شود که با ارائه نظریات و پیشنهادات سالم و نقدهای سازنده خود وزارت معارف را در بهبود هر چه بیشتر کتاب‌های درسی همکاری نمایند. لازم می‌دانم از تمام مؤلفان دانشمند و کارمندان اداری و فنی وزارت معارف که در تهیه، تألیف،

طبع و توزیع این کتاب زحمت کشیده اند و از همه نهادهای ملی و بین‌المللی که در زمینه چاپ و توزیع کتب درسی همکاری نموده اند، قدردانی و تشکر نمایم.

در اخیر از خداوند منان استدعا دارم که به لطف بی‌پایان خود، ما را در تحقق آرمان‌های مقدس معارف یاری رساند. إنه سمیع قریب مجیب.

دکتور اسدالله حنیف بلخی

وزیر معارف

فهرست

شماره درس	عناوین	صفحه
درس یکم	حمد	۱
درس دوم	سالار پیغمبران ﷺ	۵
درس سوم	زبان و ادبیات چیست؟	۹
درس چهارم	فولکلور و ادبیات	۱۵
درس پنجم	بهار	۲۱
درس ششم	فیض محمد کاتب هزاره	۲۵
درس هفتم	شعر و اقسام محتوایی آن	۳۱
هشتم	علم بیان	۳۷
درس نهم	انجمن‌های ادبی افغانستان	۴۳

شماره درس	عناوین	صفحه
درس دهم	نکوهش ظلم	۴۷
درس یازدهم	درخت بی بر	۵۳
درس دوازدهم	فارسی یا دری	۵۷
درس سیزدهم	نقش زنان در ادبیات معاصر دری	۶۵
درس چهاردهم	عَلامه صلاح الدین سلجوقی	۷۱
درس پانزدهم	نقش مسلمانان در تکامل علوم	۷۷
درس شانزدهم	روابط اجتماعی	۸۳
درس هفدهم	علم و عقل	۸۹
درس هژدهم	اندرزهای اخلاقی	۹۳
درس نوزدهم	حکایت	۹۹
درس بیستم	نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان عامه	۱۰۵
درس بیست و یکم	ادبیات دری در قرون ۱۱ و ۱۲	۱۱۱
درس بیست و دوم	تولستوی	۱۱۷
درس بیست و سوم	چرس و اضرار آن	۱۲۳
درس بیست و چهارم	واژه‌یابی در فرهنگ‌های زبان	۱۲۷
درس بیست و پنجم	تأثیرات روانی ماین‌ها	۱۳۳
درس بیست و ششم	مولاناخسته و تذکره‌نگاری	۱۳۷
درس بیست و هفتم	مردان پارو پامیزاد	۱۴۳
درس بیست و هشتم	سیاستنامه	۱۴۹
	واژه‌نامه (لغت‌نامه)	۱۵۵
	فهرست منابع	۱۷۱

شاگردان عزیز، سال نو تعلیمی را با نام و یاد خداوند بزرگ آغاز می‌نماییم، که نام او شایسته‌ترین عنوان‌هاست و یاد او بایسته‌ترین پیمان‌ها. از او امید می‌بریم و هم بیم داریم. او را ستایش می‌کنیم و نیایش خویش را به بارگاهش پیشکش می‌داریم. باشد که به رحمت بی‌پایان و مهربانی بیکران خویش، پرده‌های اسرار را برگشاید و گنج‌های حکمت و دانش را در تار و پود روح و روان ما جاری سازد؛ تا بنده‌یی باشیم شایسته و در خدمت دیگران بایسته، پس بدین امید و باور، نخستین درس سال روان را آغاز می‌کنیم.

حمد

ز نام خدا سازد آن را کلید
همان ناخردمند را چاره ساز
نگارنده نقش این کارگاه
بزرگی و دانایش دلپذیر
نه از آب و آتش نه از باد و خاک
به بود کس او نیست نسبت پذیر
خردمند ازین حکمت آگاه نیست
سر از خط فرمان نباید کشید
چو در بسته باشد گشاینده اوست
گر آن چیز جنبنده یا ساکنست

خرد هر کجا گنجی آرد پدید
خدای خرد بخش بخرد نواز
برازنده سقف این بارگاه
ز دانستنش عقل را ناگزیر
یکی کز دویی حضرتش هست پاک
همه بود را هست از او ناگزیر
بدو هیچ پوینده را راه نیست
به هرچ آرد از زیر و بالا پدید
چو ره یاوه گردد نماینده اوست
تواناست بر هر چه او ممکن است

خدایا! توای بنده را دستگیر
ترا خواهیم از هر مرادی که هست
نه من چاره خویش دانم نه کس
نبینم من آن زهره در خویشتن
تو مستغنی از هرچه در راه توست
به چشم من از خود فروغی رسان
مبین گرچه خردم من زیر دست
بود بنده را از خدا ناگزیر؟
که آید به تو هر مرادی به دست
تو دانی چنان کن که دانی وبس
که گویم ترا این و آن ده به من
نیاز همه سوی درگاه توست
که یابم فراغی ز چشم کسان
بزرگم کن آخر بزرگیت هست

من آن ذره خوردم از دیده دور
که نیروی تو بر من افکنده نور

نظامی گنجوی



حکیم الیاس بن یوسف بن زکی بن موید ملقب به جمال الدین و معروف به حکیم نظامی گنجوی از اعظم شعرای دری زبان است. گرچه سال تولدش به صورت دقیق معلوم نیست؛ اما داکتر صفا سال ۵۳۰ هـ.ق. را تاریخ ولادت نظامی گنجوی می‌داند. گنجوی همه عمر خود را در گنجه به زهد و عزلت به سر برد، تنها سفر کوتاه مدت به دعوت سلطان قزل ارسلان به سی فرسنگی گنجه کرد و از این پادشاه عزت و حرمت دید. از شاعران همزمان خود با خاقانی ارتباط داشته، در مرگ او رئایی گفته، گنجوی در سال ۶۱۴ هـ.ق. چشم از جهان پوشید و مدفن او در گنجه است، آثار او عبارت‌اند از: دیوان قصاید، مثنوی مخزن الاسرار، مثنوی خسرو شیرین، مثنوی لیلی و مجنون، مثنوی هفت پیکر و مثنوی سکندرنامه.

بخوانیم و بدانیم

۱. خردمند هر گنجینه علمی و ادبی را که به میان می آورد با نام خداوند جل جلاله آن را آغاز می کند.
۲. خداوند جل جلاله یکی هست و مثل و مانند ندارد. ذات او نه از آب و آتش و نه از خاک و باد است.
۳. خداوند جل جلاله بر همه چیز قادر است، اگر آن چیز متحرک، جنبه و یا ساکن هم باشد.
۴. از هر کسی اگر ضرورت خود را بجویم سر انجام می دانم که بخشنده تو هستی نه کس دیگری.
- ۵- خدایا! من این طاقت و توان را در خود نمی بینم که بگویم که این یا آن را به من بده.



نامه چیست: نامه پیامی است که بنا به ضرورتی برای کسی یا مؤسسه‌یی و یا مرجعی فرستاده می شود. از این رو نامه برآورنده نیازهایی است که در روابط اجتماعی افراد وجود دارد. از سوی دیگر اگر در نوشتن نامه دقت به خرج رود، افکار، احساسات و عواطف نویسنده در آن به خوبی منعکس شود، جنبه ادبی نیز به خود می گیرد؛ چنانکه بسیاری از نامه‌هایی که هنرمندان و نویسندگان و بزرگان تاریخ نوشته اند، امروز جزء آثار ادبی به شمار می رود. نامه‌یی که نوشته می شود، می تواند بیانگر شخصیت، فرهنگ، ادب، اندیشه، ذوق و سلیقه نویسنده باشد. اثری که نامه در مخاطب می گذارد، در بسیاری از موارد، تأثیر آن از نفوذ کلام قویتر است؛ در حالی که گفتار به دلیل شرم حضور، یا آماده گی نداشتن گوینده برای رویارویی و گفتگو با اشخاص، ممکن است تأثیر لازم را در شنونده و مخاطب نداشته باشد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در سه گروه در مورد درس جدید باهم صحبت کنند و از هر گروه یک شاگرد نتیجه صحبت خود را به دیگران بگوید.

املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. به این تصویر دقت کنید و در مورد قدسیت و علو مقام آن یک متن هفت سطری بنویسید.



۱. حمد در وصف کی سروده می‌شود؟
۲. «بدو هیچ پوینده را راه نیست» چه مفهوم دارد؟
۳. شاعر این سروده از کجا بود و چه نام دارد؟
۴. نامه چیست؟
۵. چرا اهمیت نامه بیشتر از گفتار است؟

کارخانه‌گی



۱. در مورد این بیت یک متن پنج سطری بنویسید:
 خرد هر کجا گنجی آرد پدید
 ز نام خدا سازد آن را کلید
- ۲- این بیت را به حافظه بسپارید:
 نخست موعظه‌ای پیر می‌فروش اینست
 که از مصاحب ناجنس احتراز کنید
 حافظا
۳. متن کامل درس دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. سالار پیام‌آوران کیست و به چه دلیل؟

۲. در این شعر «به رخت نشد که قدم زنم» چه معنی دارد؟
در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

سالار پیغمبران ﷺ

شفق صلابت نام تو دل شب دریده محمدا
به شب زمانه پیام تو سحر آفریده محمدا
به رخت نشد که قدم زنم به چه آبرو ز تو دم زنم
به کدام خامه رقم زنم به تو این قصیده محمدا
تو گلاب گلشن انبیا تو حبیب حضرت کبریا
تو چراغ سینه اولیا تو فروغ دیده محمدا
به کرامت و به کمال تو به وجاهت و به جمال تو
بشر و ملک به مثال تو دگری ندیده محمدا
چوشکسته شاخه در این چمن عدم است ساز بساط من
همه برگ‌های نشاط من ز تنم تکیده محمدا
مکنم رها تو برای کس که مرا نمانده هوای کس
به کجا روم که صدای کس نشود شنیده محمدا
رمقی نمانده به پای ما نشود بلند صدای ما
آسفا که ناله به نای ما دگری دمیده محمدا
چه بلا خزیده به خون ما که شرر جهد ز درون ما
تو ببین که کارجنون ما به کجا کشیده محمدا
سحری تو ای شهْ مُحْتَشَم ز حرم بنه به برون قدم
گل سرخ شعر درِ دلم به رهْ تو چیده محمدا

«عبدالرازق فانی»



«سالار پیغمبران» از سروده‌های شاعر فقید کشور ما «عبدالرازق فانی» است. عبدالرازق فانی در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی در شهر کابل به دنیا آمد. تحصیلات عالی‌اش را در سال ۱۳۵۶ هـ. ش. با به‌دست آوردن درجهٔ ماستری در رشتهٔ اقتصاد سیاسی از بلغاریا به اتمام رسانید. او سرودن شعر را از سال ۱۳۴۰ هـ. ش. آغاز کرد و در عرصهٔ نشرات و کارکردهای فرهنگی دست به فعالیت‌های ارزشمندی زد.

او در سال ۱۳۶۷ هـ. ش. همراه با خانواده‌اش راه مهاجرت در پیش گرفت و راهی شهر سان‌دیوگو ایالت کالیفورنیای ایالات متحدهٔ آمریکا شد. بالاخره او در بهار سال ۱۳۸۶ هـ. ش. به روز دوشنبه سوم ثور داعی اجل را لبیک گفت و در همان سرزمین غربت به خاک سپرده شد. از وی چند مجموعهٔ شعر به نام‌های: ارمغان جوانی، بارانه، ابر و آفتاب، شکست شب، دشت آیین و تصویر به جا مانده است، که از جمله ابر و آفتاب، شکست شب، دشت آیین و تصویر در کالیفورنیا و بقیه در کابل به چاپ رسیده است؛ همچنان مجموعهٔ طنزهای او زیرعنوان «امر بی‌صلاحیت» چاپ کابل در دسترس می‌باشد.

بخوانیم و بدانیم

۱. با میلاد حضرت محمد ﷺ، کاخ‌های ظلم، استبداد، فرو ریخت.
۲. او یگانه پیغمبری است که بزرگی و علو مرتبت او را همهٔ انسان‌ها و تمام ملایک نه قبل از ان دیده بودند و نه پس از این می‌بینند.
۳. او مقرب‌ترین بنده نزد خداوند ﷻ عزیزترین شخص نزد همهٔ پیغمبران است.
۴. ارشادات و رهنمایی‌های او قرن‌هاست که موجب هدایت جوامع بشری گردیده و تا قیامت نیز چنین می‌باشد.
۵. دستورات او نه تنها موجب هدایت جوامع اسلامی گردیده؛ بلکه بسیاری از جوامع غیر اسلامی نیز قواعد، قوانین و نظم عامهٔ خود را از هدایات او الهام گرفته‌اند.
۶. برماست که به عنوان افراد مسلمان همیشه او را به خاطر داشته و هدیاتش را در زنده‌گانی خویش با دل و جان عملی سازیم.

ضرورت نامه نگاری: معمولاً همه ما گاهی نیاز پیدا می کنیم پیامی را از طریق نامه برای یکی از دوستان یا خویشاوندان یا مؤسسه‌یی رسمی و اداری و یا... بفرستیم. نامه، چه به صورت نوشتار روی کاغذ و چه به صورت پست برقی (ایمیل) باشد، یکی از آسانترین و ارزانه‌ترین راه‌های ارتباط است به همین دلیل، آشنایی با اصول آن ضروری است.

هیچ شخص باسوادی نیست که در زنده‌گانی خود به نامه نوشتن نیاز نداشته باشد. در واقع نامه وسیله‌یی است که به کمک آن می‌توانیم با هر کس که بخواهیم بدون روبه رو شدن؛ بلکه از فاصله دور گفتگو کنیم؛ مخصوصاً در کارهای رسمی و اداری، نامه گره‌گشای دشواری‌ها است؛ زیرا نامه وسیله برقراری ارتباط در هر زمینه است. اگر تقاضایی داشته باشیم یا بخواهیم پاسخی بدهیم؛ گزارشی تهیه کنیم؛ چیزی بخواهیم و خلاصه درهرمورد، نامه زبان گویای ما به شمار می‌رود، علاوه بر آن در ارتباط‌های خانوادگی و دوستانه نیز نامه، بهترین وسیله است.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد ابیات زیر باهم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفرشان با ارائه مثال‌های گوناگون به دیگران بگوید:

رمقی نمانده به پای ما نشود بلند صدای ما

اَسفا که ناله به نای ما دگری دمیده محمدا

چه بلا خزیده به خون ما که شرر جهد ز درون ما

تو بین که کار جنون ما به کجا کشیده محمدا

۲. دوتن از شاگردان در برابر صنف قرار گرفته، یکی از آن‌ها بعضی کارهایی را برشمارد که پیغمبر ما دستور اجرای آن را داده است؛ اما در جامعه ما بعضی از مردم آن را عملی نمی‌کنند. و شاگرد دیگر عواقب و سرانجام عملی نکردن آن کارها را با ارائه مثال‌ها به دیگران شرح دهد.

املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های‌تان به صورت املا بنویسید.
۲. تصویر مقابل را با موضوع «معماری‌های اسلامی» ارتباط داده در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.

خود آزمایی



۱. درباره حضرت محمد ﷺ و مقام او در میان دیگر پیغمبران چه می‌دانید؟
۲. از نظر شما پیوند ما با پیغمبر ما چگونه باید باشد؟ بیان کنید.
۳. «به شب زمانه پیام تو سحر آفریده محمدا» چه مفهوم دارد؟
۴. در مورد ضرورت نامه‌نگاری چه می‌دانید؟
۵. عبدالرازق فانی کی بود؟ چه کارهایی را انجام داد و در کجا وفات یافت؟
۶. آثار فانی را نام ببرید.

کارخانه‌گی



۱. خلاصه مفهوم و معنای شعر متن درس را در کتابچه‌های‌تان بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
«بیدل» کسی به عرش حقیقت نمی‌رسد
تا خاک راه احمد مرسل نمی‌شود
۳. متن کامل درس سوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس سوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. زبان چیست و در زنده‌گی انسان‌ها چه اهمیت دارد؟

۲. اهمیت و نقشهای زبان را صرف‌نام ببرید.

۳. ادبیات چیست و در قلمرو آن چه چیزهایی یافت می‌شود؟

۴. زبان و ادبیات از یکدیگر چه تفاوت دارند؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

زبان و ادبیات چیست؟

بشر از دیرباز به صورت اجتماعی می‌زیسته و یکی از مهمترین نیازهای آدمی در زنده‌گی اجتماعی برقراری ارتباط با هم‌نوعان و ایجاد تفهیم و تفاهم بوده است. بشر همواره برای برقراری ارتباط در جوامع خود از وسایل مختلفی سود می‌جسته که در این میان «زبان» مهمترین وسیله او به شمار می‌آید، پس زبان، وسیله عمده بشر برای برقراری ارتباط با یکدیگر می‌باشد.

تعریف زبان: زبان مجموعه‌یی از علایم صوتی، اکتسابی و قرار دادی است که افراد یک جامعه به منظور افهام و تفهیم آنرا به کار می‌گیرند. گاهی زبان به هر نوع ارتباط میان موجودات زنده گفته می‌شود. چه این ارتباط کلامی باشد و چه غیر کلامی. بر اساس این تعریف همه حالات و حرکاتی که در انسان‌ها برای تفاهم با یکدیگر انجام می‌شود، از تغییرات و رنگ چهره گرفته تا رمزها و اشارات میان افراد بشر و گفتگوهای معمولی میان انسان‌ها و همه مهارت‌های گفتن، نوشتن، شناخت علایم و کاربرد آن‌ها، زبان نامیده می‌شود.

اهمیت زبان: زبان و رشد سریع آن در انسان، موهبت بسیار با ارزش خداوند جل جلاله است که در سیر کلی رشد و به ویژه رشد اجتماعی او نقش اساسی دارد. با شروع تکلم، کودک وارد دنیایی جدید می‌شود و به تدریج از حالت خود محوری، که ویژه‌گی دوران کودکی

است، رو به اجتماعی شدن می‌گذارد. بالاخره زبان مهارتی است که انسان با آن، آنچه را در ضمیر دارد ابراز می‌دارد و خاطرات قلبی و افکارش را بیان می‌کند و به کمک زبان آنچه را که دیگران در باطن دارند، درمی‌یابد و اگر زبان نبود انسان چون حیوانی گنگ بود که نه دیگران را از خود آگاه می‌ساخت و نه از دیگران مطلبی در می‌یافت.

زبان و هویت: زبان جزیی از هویت فرهنگی انسان است؛ یعنی بیان‌کننده شخصیت فرهنگی و هویت تاریخ فرهنگی است و این هویت تا جایی جزیی از نوامیس فرهنگی اوست؛ بنابراین توجه به نگهداری و حفظ این اصالت، به صورت طبیعی و معمول، از اعتقاد ژرف انسان به حفظ هویت فرهنگی و شخصیت فردی او سرچشمه می‌گیرد.

ادبیات چیست؟

از همان ابتدای زنده‌گی انسان و پیدایش زبان و خط، ادبیات به عنوان وسیله‌ی برای ابراز احساسات و عواطف باطنی بشر به وجود آمد؛ حتی نقاشی‌هایی که بر دیوار مغاره‌ها وجود دارد، بیانگر نوعی علاقه‌انسان به روایت رویدادها، بیان احساسات و به تصویر کشیدن تصورات ذهنی اوست که می‌تواند به عنوان بخشی از ادبیات تلقی گردد.

در تعریف ادبیات گفته‌اند: ادبیات مجموعه آثار هنری، لسانی، مکتوب و نا مکتوب، منظوم و منثور یک جامعه است. نوع ویژه‌ی از کلام است که در پی ایجاد زیبایی بوده و با آفرینشی نو، نظر مخاطبان را جلب کند و در این راستا برخلاف «زبان» که هدفش منتقل کردن مفهوم در کمترین زمان است، می‌خواهد خود را در پیچش هنری و بیان شاعرانه بپیچاند تا در ذهن‌ها تخیل ایجاد نماید و دنیای پر رمز و راز را پیش چشم خواننده‌گان بگشاید. در این نمایش هنری شاعر از قراردادهای متعارف زبانی، پیروی نمی‌کند. از این روی به طور کلی سخن ادبی و به طور اخص شعر، کشف نکته یا راز بیان حالتی از جهان هستی انسان و دیگر موجودات و روابط آن‌ها با یکدیگر و تبلور جلوه‌های گوناگون عواطف

و احساسات انسانی است؛ پس گفته می‌توانیم که ادبیات در پی تصحیح زبان و تأثیرگذاری پیام بر مخاطب و خواننده است؛ بنابراین تخیل، بیان احساسات و عواطف باطنی و هنری بودن از شروط اساسی و اهداف بلند آن به حساب می‌آیند.

ادبیات قلمرو بس وسیع دارد که قسمت عمده‌یی از احوال، آثار و اجتماع انسان را در بر می‌گیرد؛ چنانچه از حوادث و وقایع شگفت انگیز زنده‌گی قهرمانان گرفته تا اندیشه‌های ذوقی مشایخ صوفیه، همه در این قلمرو وسیع ادبیات جای دارند.

اگر به دو ویژه‌گی دیگر آثار ادبی یعنی گسترده‌گی و مقبولیت نیز بنگریم، به این نتیجه می‌رسیم که به‌طور کلی اگر مبتکر ادبی به اصل و هدف ادبیات متوجه باشد، می‌تواند اثری بیافریند که سه ویژه‌گی: ماندگاری، گسترده‌گی و مقبولیت را داشته باشد که این سه ویژه‌گی، سه عنصر اساسی ادبیات به شمار می‌روند. همین امور سبب می‌شود که آثار ادبی از غیر ادبی تفکیک گردد.

ادبیات را از دیدگاه شیوه‌های بیان و شکل ظاهری آن می‌توان به دو دسته کلی نظم و نثر تقسیم کرد، که هر کدام شامل بخش‌های کوچکتری هستند. نظم و شعر از نظر ظاهری به وسیله قالب‌های شعری: غزل، قصیده، مثنوی، قطعه، شعر نو... شناخته می‌شود؛ اما نثر را به انواع ساده، مسجع، متکلف و... دسته‌بندی کرده‌اند. همچنان ادبیات را از دیدگاه مفهوم و محتوا به چهار دسته کلی: حماسی، غنایی، نمایشی و تعلیمی تقسیم می‌کنند، که هر اثر ادبی (چه نظم و چه نثر) را می‌توان در یکی از این دسته‌ها قرار داد.



پیشینیان ادب را دانشی شامل ۹ علم: لغت، صرف، نحو، معانی، بیان، عروض، قافیه، قوانین خط و قوانین قرائت دانسته‌اند و بعضی اشتقاق، قرض‌الشعر، انشا و تاریخ را هم به آن افزوده‌اند. نزد قدما علم ادب عبارت بوده است از معرفت به احوال نظم و نثر از حیث درستی و نادرستی و مراتب آن.

بخوانیم و بدانیم

۱. زبان مجموعه‌یی از علایم صوتی، رمزی، اکتسابی، اجتماعی و قرار دادی است که انسان برای بیان احساسات و اندیشه‌های خود و برقراری ارتباط سازگاری با محیط به کار می‌گیرد.
۲. زبان جزیی از هویت فرهنگی انسان و بیان‌کننده شخصیت فرهنگی او است.
۳. ادبیات مجموعه‌یی از آثار هنری، لسانی، مکتوب، نامکتوب، منظوم و منثور یک جامعه است.
۴. ادبیات قلمرو بس وسیع دارد که قسمت عمده‌یی از احوال و آثار فردی و اجتماعی انسان را در بر می‌گیرد.



برای نوشتن نامه اصول زیر را باید در نظر داشت:

۱. آنچه را که می‌خواهیم بنویسیم، طرحش را در ذهن خود آماده سازیم، کم و زیادش کنیم، وقتی که برای ما کاملاً روشن شد، قلم و کاغذ بگیریم و مسوده آن را تهیه کنیم.
۲. هر واژه‌یی را که می‌خواهیم به کار ببریم، باید معنایش را خودمان کاملاً بدانیم. این کار باعث می‌شود که از به کار بردن واژه‌های نا آشنا دوری کنیم؛ اگر گاهی مجبور می‌شویم واژه‌یی را به کار ببریم که معنایش برای ما روشن نیست، به فرهنگ لغات مراجعه کنیم.
۳. جمله‌ها را هرچه ممکن است کوتاه بنویسیم؛ زیرا جمله کوتاه باعث می‌شود که در نخست رشته نوشتن از دست ما نرود و از سوی دیگر خواندن و فهمیدن آن برای خواننده آسان باشد.
۴. قواعد دستور زبان، املا و نشانه‌های نوشتاری را به کار ببریم.



۵. هنگامی که مسوده نامه تمام شد، یک بار آن را بخوانیم و اصلاحش کنیم.

ع: برای پاک‌نویس کردن نامه، باید به این نکات توجه کنیم:

الف: طرف سمت راست و چپ کاغذ، به اندازه دو سانتی متر، حتماً باید حاشیه بگذاریم.
ب: نوشتن اولین قسمت را که می‌خواهیم شروع کنیم، حتماً باید از حاشیه هم اندکی به طرف داخل صفحه برویم؛ یعنی اگر مثلاً دو سانتی متر حاشیه گذاشته‌ایم، اولین قسمت را از چهار سانتی متر شروع کنیم. این نکته را باید برای هر پاراگراف رعایت کنیم و یا میان پاراگرافها، به اندازه یک سطر را سفید بگذاریم.

ج: باید خوانا بنویسیم؛ یعنی دندانه‌ها و نقطه‌های حرف‌ها را به اندازه و در جایش بگذاریم و بین کلمه‌ها به اندازه کافی فاصله را رعایت نماییم.

د: پاک‌نویس که تمام شد، یک بار دیگر آن را بخوانیم.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اول در مورد «اهمیت زبان و ادبیات» و گروه دوم درباره «تفاوت زبان و ادبیات» باهم گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را از هر گروه یک نفر به دیگران بگوید.

۲. چند تن از شاگردان در مورد «اصول و مراحل نامه‌نگاری» سخنرانی کنند.

املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان

املا بنویسید.



۲. تصویر را با موضوع «بهار در ادبیات» ارتباط داده در

مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



خود آزمایی

۱. زبان را چگونه تعریف کرده اند؟
۲. اهمیت زبان را بیان کنید؟
۳. چه چیزهایی در نامه نگاری ضروری است؟
۴. ادبیات چیست و به چند دسته تقسیم می شود؟
۵. کدام مسایل شامل قلمرو ادبیات می گردد؟



کارخانه گی

۱. متنی در مورد اهمیت زبان در اجتماع بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید.
می شود اسرار دل روشن ز تحریک زبان می دهد این برگ بوی غنچه اندیشه را
بیدل
۳. متن کامل درس چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. فولکلور چیست؟ ۲. فولکلور چه اهمیت دارد؟

۳. نخستین بار واژه فولکلور را چه کس و در کجا به کار برد؟

۴. فولکلور با ادبیات چه پیوند دارد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

فولکلور و ادبیات

فولکلور از دو واژه آلمانی folk (مردم) و lore (دانش) تشکیل شده و به معنای دانش عوام، فرهنگ عامه یا فرهنگ مردم است. فولکلور مجموعه‌ای از دانستنی‌ها و دست آوردهای مادی و معنوی بشری را شامل می‌شود، که ادبیات عامیانه را نیز احتوا می‌کند. در فولکلور تخیل، احساس، آرزو و اندیشه‌های گوناگون مردمی متبلور است، که از نسلی به نسلی انتقال یافته و نشان دهنده معیارهای زیبایی‌شناسی و اخلاقی هر دوره از زنده‌گی مردم می‌باشد. پس فولکلور یا فرهنگ مردم در حکم زنده‌گی‌نامه و شرح احوال و تصویری از آداب، رسوم و عادات و روشنگر سوابق تاریخی و نشان دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم یک کشور است.

فولکلورشناسی، تا سال ۱۸۴۸ میلادی چندان معمول نبود و هیچ اثری از آن دیده نمی‌شد، جز آنچه که جسته - جسته در خلال کتاب‌های ادبی و تاریخی به صورت غیرمستقیم به ملاحظه می‌رسید. در قرن نوزدهم بود که دو برادر آلمانی به نام‌های «یاکوب» و «گرم» کارهایی را در این زمینه آغاز نموده و نتیجه کارشان را به عنوان یک وظیفه مهم به جامعه تقدیم کردند. مساعی پیگیر این دو دانشمند باعث شد تا دانشمندان کشورهای دیگر در جمع‌آوری چنین آثار همت گمارند و آن را انکشاف دهند. بر همین اساس بود که بیشترین مطالعات آنان را موضوعاتی از قبیل اشعار، حکایات و عادات مردم تشکیل داده و آنان را معتقد ساخت که این نوع جستجو در ساحة آثار مردمی، می‌تواند از روحیه واقعی یک ملت نماینده‌گی بهتر کند؛ اما تا آن زمان هم این دانش، نام فولکلور را به خود نگرفته بود. در

اواخر نیمه اول قرن نهم بود که برای نخستین بار «ویلیام جی تامس» با امضای مستعار «آمبرویز مرتن» در یک مجله انگلیسی، واژه فولکلور را به کار برد.

فولکلور میراث معنوی نسل‌های گذشته است که به‌طور شفاهی در قالب آثار ذوقی پدید آمده و به گونه‌های مختلف آن؛ یعنی: ادبیات داستانی، غیرداستانی و نمایشی به آینده‌گان رسیده است. مهمترین بخش‌های آثار داستانی: قصه‌ها، افسانه‌های تاریخی، قهرمانی، عاشقانه، اخلاقی، پندآموز، رمزی و تمثیلی، طنزآمیز و تخیلی است؛ اما آثار غیرداستانی مانند، ضرب‌المثل‌ها، چیستان‌ها، لطیفه‌ها، شوخی‌ها، هزل و بذل، بدیهه و حاضر جوابی در هر دو نوع نظم و نثر به میان آمده است.

فولکلور به دو بخش تقسیم می‌شود: ۱. ادبیات شفاهی؛ ۲. فرهنگ مردم ادبیات شفاهی متشکل است از: ضرب‌المثل‌ها، دوبیتی‌ها، سرودها و ترانه‌ها، حکایات، قصه‌ها، روایت‌ها، افسانه‌ها، لغز، معما، چیستان، فکاهی، لطیفه، مطایبه، هزل، بذل و بدیهه. فرهنگ مردم متشکل است از: انواع بازی‌ها، دوخت‌ها، بافت‌ها، رسوم، آداب و سنن (برفی، سوگواری، عروسی، نذرها، (و سایر عنعنات).
با مراجعه به آثار فولکلوری نه تنها با تاریخ زنده‌گی مردم و کار و فعالیت آنان آشنا می‌شویم؛ بلکه درباره خصلت‌های ملی آن‌ها نیز تصویری برای ما حاصل می‌شود. در فولکلور عقاید انسان‌دوستی، عدالت‌پروری، وفاداری، دوستی و برادری، علاقه به کار، دلاوری و غیره افاده شده است، که این‌ها برای تربیت جوانان با روحیه عالی انسانی از اهمیت خاصی برخوردار می‌باشد و به مطالعه و تحقیق جریان انکشاف ادبیات و خصوصیات آثار شاعران و نویسندگان کمک می‌کند.

پیوند فولکلور با ادبیات

آثار شفاهی مردم در شکل و انکشاف ادبیات بکر و جدید نقش بارز و ارزنده‌یی داشته و در میان‌شان پیوند ناگسستنی ایجاد می‌کند. این پیوند از زمانه‌های دوری بدینسو با تأثیرپذیری متقابل و غناپذیری آثار همه‌گانی ادامه دارد. بهترین آثار ادبیات قدیم دری در موجودیت مواد فولکلوری به وجود آمده است. از جمله شاهنامه ابوالقاسم فردوسی بر بنیاد و

الهام مواد اساطیری و روایات فولکلوری مردم آریایی نژاد ایجاد شده است. داستان‌های لیلی و مجنون، ویس و رامین، خسرو و شیرین، سلامان و ابسال، طالب و مطلوب و امثال آن با ارتباط به تصویرها، سیمها و سوژه‌های فولکلوری مشرق زمین ایجاد شده اند.

در آثار ابوعبدالله رودکی، ناصر خسرو، نظامی گنجوی، مولانا جلال‌الدین بلخی، حافظ شیرازی، سعدی، کمال، عبید زاکانی، مولانا جامی، واصفی، هلالی، بیدل، نسفی، شاهین و دیگران، تأثیر فولکلور و استفاده از آن به طور واضح نمودار است. اینان از سوژه‌ها، سیمها، اهداف و انواع فولکلور مبتکرانه استفاده جسته اند و هم از لحاظ ارزشمندی‌های ادبی و قومتمندی مضمون، آثار بسیار عالی به وجود آورده و آن‌ها را با شرایط جدید تاریخی جامعه خویش وفق داده اند.

توجه به فرهنگ شفاهی ما نه تنها به باروری و غنای مکتوبات در عرصه فرهنگ یاری می‌رساند؛ بلکه موجب استحکام وضع فرهنگ جاری جامعه نیز می‌شود. ادب فولکلور تنها یک ادبیات نیست؛ بلکه فرهنگ ملتی است که از فراز و نشیب تاریخ و ذهن مردان و زنان این سرزمین گذشته است، سپس وظیفه شما شاگردان عزیز هم است که در حفظ آثار فولکلوری و انتقال آن به نسل‌های بعدی نقش ارزنده تان را ایفا نمایید.



ادبیات فولکلوری ما قدامت طولانی دارد. یعنی از زمانی در برخی از متون اوستایی سخن از حماسه‌ها و پهلوانان گفته شده، حماسه در سرزمین ما بخش اعظمی از همین ادبیات بوده که بخشی از آن در شاهنامه فردوسی منعکس است.

بخوانیم و بدانیم

۱. فولکلور هر ملتی در حکم زنده‌گی‌نامه و شرح احوال آن ملت، عامل اصلی انتقال خصلت‌ها و تصویری از آداب، رسوم و عادات آن قوم و روشن‌گر سوابق تاریخی و نشان دهنده تحول فکری و تکامل اجتماعی مردم آن کشور است.
۲. در قرن نهم بود که دو برادر آلمانی به نام‌های «یاکوب» و «گرم» کارهایی را در زمینه فولکلور آغاز نموده و نتیجه کارشان را به عنوان یک وظیفه ملی و حیاتی به جامعه تقدیم کردند.
۳. فولکلور میراث معنوی نسل‌های گذشته است که به‌طور شفاهی در قالب آثار ذوقی پدید آمده و به گونه‌های مختلف ادبیات داستانی، غیر داستانی و نمایشی به آینده‌گان رسیده است.
۴. فولکلور به دو بخش تقسیم می‌شود: (۱) ادبیات شفاهی؛ (۲) فرهنگ مردم
۵. بهترین آثار ادبیات قدیم دری در موجودیت مواد فولکلوری به وجود آمده است.
۶. توجه به فرهنگ شفاهی ما نه تنها به باروری و غنای ادبیات در عرصه فرهنگ یاری می‌رساند؛ بلکه موجب استحکام وضع فرهنگ جاری جامعه نیز می‌شود.



آداب نامه نگاری

۱. در نامه‌های دری، نوشتن مطالب از سمت راست است. عنوان در سمت راست و امضا باید در سمت چپ باشد.
۲. عموماً تاریخ و شماره نامه در سمت چپ قرار دارد. در نامه‌های شخصی نیازی به ذکر آدرس در متن نامه نیست؛ ولی در ادارات، نامه‌ها در ورق‌های رسمی (نشاندار) نوشته می‌شوند که آدرس اداره در پایین صفحه ذکر شده است.
۳. به یاد داشته باشید که در نامه‌های انگلیسی آدرس گیرنده را سمت راست، بالای صفحه بنویسید و زیر آن تاریخ بزنید. عنوان باید در سمت چپ و امضاء در سمت راست باشد.

۴. نامه‌های خود را تایپ نکنید، مگر این که خط تان خیلی بد باشد.
۵. نوع قلم نامه‌نگاری نشان‌دهنده میزان احترام شما به دریافت کننده نامه است. هرگز با پنسل نامه ننویسید. بهترین قلم خود رنگ است. در مکاتباتی که چندان رسمی نیستند می‌توانید از خودکار استفاده نمایید.
۶. دقت کنید که از کلمات مناسب استفاده کنید. ایجاز و اختصار بهترین روش نامه‌نگاری است؛ البته مختصرگویی نباید منجر به نارسایی شود.
۷. به یاد داشته باشید که نامه‌ها معرف شخصیت شما استند و بعضی از نامه‌ها سال‌ها نگهداری می‌شوند.
۸. اگر در آدرس نامه، عنوان خاصی برای شخص به کار رفته، مثلاً «جناب آقای دکتر احمدی» در سرنامه هم باید همان عنوان را استفاده کرد. هرگز هنگام امضای نامه برای خود عنوان (آقا / خانم) را به کار نبرید.

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد «نقش فولکلور در بیداری اذهان عامه» باهم مباحثه کنند و نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگویند.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، هر گروه با نظر داشت قواعد خوانده شده، یک دعوت‌نامه بنویسند. سپس از هر گروه یک نفر آن نامه را در برابر صنف بخواند و گروه مقابل آن را تعدیل و اصلاح کند.

املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند، در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با «میله فولکلوری نوروز» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



۱. نخستین بار در کدام زمان و چه کسانی در زمینه فولکلور کارهایی را انجام دادند؟
۲. فولکلور به چند بخش تقسیم و هریک شامل کدام موارد می‌شود؟
۳. چرا فولکلور یا فرهنگ مردم، دارای اهمیت است؟ با ارائه دلایل واضح سازید.
۴. فولکلور با ادبیات چه پیوند دارد؟
۵. فولکلور در بیداری اذهان عامه چه نقشی را بازی می‌کند؟
۶. مهمترین نکات قابل رعایت در آداب نامه‌نگاری از نظر شما چیست؟

کارخانه‌گی



۱. در مورد «نقش فولکلور در تعلیم و تربیه» یک متن بنویسید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
 خزینہ‌یی است دل مردمان با تدبیر
 ز فکر پیران، مویین زره اگر بافند
 که کس نیارد قفلش شکست با سندان
 درید نتوان با تیغ پهلوان جوان
 ادیب الممالک فراهانی
۳. متن کامل درس پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس پنجم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. «یزک تابش خورشید به یغما برخاست» چه مفهوم دارد؟
 ۲. بهار چه ارمغان به انسان‌ها و سایر موجودات دارد؟
 ۳. درباره‌ی شاعر شعر بهار به صورت مختصر معلومات بدهید؟
 ۴. چند مرجع املائی، انشایی و دستوری را نام بگیرید.
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

بهار

لشکر زحمت سرما ز سر ما برخاست
یزک تابش خورشید به یغماً برخاست
که به غواصی ابر از دل دریا برخاست
وین چه بادبست که از جانب صحرا برخاست
چه زمینی است که چرخش به تولا برخاست
بسکه از طرف چمن لاله حمرا برخاست
بلبلان را ز چمن ناله و غوغا برخاست
شور دیوانه‌گی از سینه دانا برخاست
وز ثری ناله مستان به ثریا برخاست
الغیاث از چمن و گلبن حمرا برخاست
که دل زاهد از اندیشه فردا برخاست
عاشق سوخته خرمن چو زلیخا برخاست
نه که این ولوله از بلبل تنها برخاست
با قدش سرو ندانم به چه یارا برخاست
که ز خواب سحر این نرگس شهلا برخاست
که قلم را به سر از دست تو سوداء برخاست
سعدی

عالم دولت نوروز به صحرا برخاست
تا رباید کله قاقم برف از سر کوه
بر عروسان چمن بست صبا هر گهری
این چه بویست که از جانب خلج بدمید
چه هوایی است که خلدش به تحیر بنشست
طارم اخضر از عکس چمن حمرا گشت
موسم نغمه چنگ است که در بزم صبح
بوی آلوده‌گی از خرقة صوفی آید
از زمین ناله عشاق به گردون برسید
بسکه خوبان به تفرج سوی صحرا رفتند
عاشق امروز به ذوقی بر شاهد بنشست
هر کجا سرو قدی چهره چو یوسف بنمود
هر کسی را هوس روی گلی در سر شد
با رخس لاله ندانم به چه رونق بشگفت
سر به بالین عدم باز نه ای نرگس مست
سعدیا، نامه سیاه کردن و سودا تاکی

عروسان چمن: گل‌های رنگارنگ، زیبا، میان قد و قد بلند.
 طارم اخضر ز عکس چمن حمرا گشت: آسمان سبز از افتیدن عکس چمن سرخ شد.
 سعدی: شرف‌الدین مصلح بن عبدالله شیرازی نویسنده و شاعر بزرگ قرن هفتم هجری قمری.
 اجداد او عالم دینی بودند، سعدی در شیراز به کسب علوم پرداخت و بعد به بغداد شتافت و در مدرسه نظامیه به تحصیل مشغول شد.
 در سال ۶۵۶ هـ. ق. گلستان را تألیف کرد، مهارت او در شعر، در غزل عاشقانه و عارفانه است. شعر و نثر سعدی از زمان او تا حال مورد تتبع بزرگان دری زبان قرار گرفته است.

بخوانیم و بدانیم

۱. اشعه خورشید برف‌ها را نابود می‌کنند.
۲. بهار زمان به وجود آمدن زیبایی‌هاست.
۳. هوای خوشگوار بهار دشواری‌های فصل خنک و سرما را به دور می‌افکند.
۴. در بهار انسان به شور و شوق و طرب می‌آید.
۵. در این موسم ابر غواصی می‌کند و بادهای عطرآگین از هر سو می‌وزد.
۶. سعدی شیرازی نویسنده و شاعر بزرگ قرن ۷ هـ. ق. است.

• مآخذ و مراجع املائی، انشایی و دستوری

همان گونه که پیش از این یادآوری شد، نگارش نامه‌یی درست، افزون بر آگاهی به ساختار و شکل ظاهری آن، مستلزم دانستن نکات و قواعد نگارشی درست زبان دری در این زمینه‌ها است. دانستن نشانه‌گذاری، دستور زبان و املائی درست واژه‌ها، به کاربردن واژه‌های مناسب و آشنایی نسبت به ساختار زبان دری و پرهیز از نارسایی‌ها و اشتباهات مختلفی که امروز در برخی از نوشته‌ها به دلیل غفلت و نا آگاهی و کم‌توجهی، فراوان مشاهده می‌شود. به همین منظور لازم است، حد اقل با برخی از کتاب‌های مربوط آشنا باشید، تا بتوانید مشکلات احتمالی خود را با مراجعه به این کتاب‌ها برطرف کنید. از این رو در زیر نام چند کتاب مربوط به این فن را می‌آوریم؛ تا در صورت نیاز به این کتاب‌ها مراجعه کنید.

۱. دستور معاصر زبان دری، نوشته پوهاند دکتور محمد حسین یمین
۲. غلط نویسیم (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)، نوشته ابوالحسن نجفی
۳. درست بنویسیم (فرهنگ املائی زبان دری) نوشته احمد یاسین فرخاری
۴. روش املائی زبان دری، پذیرفته اتحادیه نویسندگان (به کوشش پویا فاریابی)
- ۵- دستور زبان معاصر دری نوشته محمد نسیم نگهت سعیدی

کارگروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده در مورد بهار باهم صحبت کنند، سپس از هر گروه یک نفر نتیجه را به دیگران بگوید.
۲. چند تن از شاگردان به نوبت در مورد اصول و مراحل نامه نگاری سخنرانی کنند.

املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های خویش به صورت املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «بهار» ارتباط داده، در مورد آن یک متن پنج سطر بنویسید.



خود آزمایی



۱. «لشکر زحمت سرما ز سر ما برخاست» چه مفهوم را افاده می‌کند؟
۲. بهار بالای انسان‌ها، زمین، درختان چه تأثیر می‌آورد؟
۳. کی می‌تواند معانی کلمه‌های سرما، یغما، قاقم، حمرا و یارا را بگوید؟
۴. در نامه‌های خصوصی رعایت کدام نکات ضروری است؟

کارخانه‌گی



۱. متنی در مورد بهار و اهمیت آن در زنده‌گی انسان‌ها بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. متن کامل درس ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. فیض محمد کاتب هزاره کی بود؟ ۲. او در کدام زمان می‌زیست؟
 ۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟ ۴. او چه کارهایی را انجام داد؟
 ۵. چرا او را «بیله‌قی ثانی» می‌گویند؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

فیض محمد کاتب هزاره



ملا فیض محمد کاتب مشهور به «هزاره» در سال ۱۲۳۹ هجری شمسی در دهکده «زردسنگ» واقع قره باغ غزنی، چشم به جهان گشود. نام پدرش سعید محمد و نام پدرکلانش خداداد فرزند الله داد است که در منطقه ناهور غزنی زنده‌گی میکردند.

کاتب آموزش را پس از نوجوانی آغاز کرد. او برای فراگرفتن دانش، به شهرها و کشورهای مختلفی سفر کرد و با اندوخته‌های فراوانی برگشت. فیض محمد به ولایت قندهار رفت و نزد «ملا محمد سرور اسحاق‌زی»، عالم دین و شخصیت سیاسی آن خطه، به شاگردی نشست. بعد از مدتی، برای کسب آموزش بیشتر روانه

لاهور شد و به آموزش ادامه داد. پس از آن به ایران رفت و در حوزه علمیه قم مصروف تحصیل گردید. آخرین مرجع تحصیل او حوزه علمیه نجف اشرف در عراق بود.

تحصیلات کاتب، مسلسل و روی یک رشته خاص تحت نظر استادان مشخص صورت نگرفته است؛ بنابراین چنین به نظر می‌رسد که کاتب از استعداد سرشار برخوردار بوده و آنچه را آموخته از تلاش، جدیت و مطالعه مداوم شخصی خودش بوده است؛ یعنی در فراگیری دانش و آگاهی پیرامون وقایع جهان و روزگار، حس کنجکاوی ویژه‌ای داشته و همین کنجکاوی باعث شده که او به تاریخ‌نگاری و ثبت وقایع بپردازد. کاتب هزاره علاوه بر مراتب علم و دانش در هنر خطاطی و خوشنویسی نیز صلاحیت استادی داشت. نسخه‌های متعددی از قرآن کریم را با خط زیبای خویش نوشته و چند جلد کتاب از تألیفات علمای گذشته را نیز با خط نستعلیق نوشته که تعدادی از آن کتاب‌ها تا اکنون در دسترس هست. بنابراین یکی از

دلایلی که کاتب به دربار راه می‌یابد و عضویت دارالانشا را حاصل می‌کند، درایت و استعداد خاص او در نویسنده‌گی و خوشنویسی است.

وظایف رسمی فیض محمد کاتب: آغاز وظایف رسمی ملافیض محمد کاتب، با پایان دوره تحصیل و آموزش او گره می‌خورد. زمانی که او عراق و حوزه علمیه نجف را ترک نمود، از طریق هندوستان وارد جلال آباد شد. وقتی کاتب به جلال آباد رسید، این مصادف بود با زمانی که سردارنصرالله خان برادر امیرحبیب الله خان با ختم سفر زمستانی خود، جلال آباد را به قصد کابل ترک می‌کرد. فیض محمد دریافت که استاد سابق او، مولوی محمد سرور اسحاقزی، به حیث مشاور همراه با سردار نصرالله خان است. پس او خود را به استادش رسانید و با توجه او، همراه با آن کاروان به کابل آمد. در ضمن با سردارنصرالله خان معرفی گردید و در دربار امیر به حیث عضو دارالانشا و مجلس تألیف گماشته شد. پس از مرگ حبیب الله خان به وظیفه او در دارالانشا و مجلس تألیف خاتمه داده شد و به دارالتألیف منتقل گردید که آنجا در تهیه و تنظیم کتاب‌های درسی سعی لازم و ارزشمندی به خرج داد و خود نیز به نوشتن کتاب و مقالات پرداخت، چنانکه کتاب «تاریخ متقدمین» را در جریان کار در همین اداره تألیف و چاپ کرد.

کاتب در تاریخ‌نگاری خویش از نوع واقع‌نگاری استفاده کرده است. او رویدادها را از سال ۱۱۶۰ تا ۱۳۴۸ هـ.ق. که نزدیک به دوصد سال می‌شود، به صورت بسیار واقع‌بینانه و دور از مبالغه و گرایش‌ها با اتکا به مدارک مؤثق و دست اول منعکس ساخته است.

فیض محمد کاتب، هم در عرصه سیاسی کشور، عملاً فعال بود و هم در زمینه‌های تاریخ و فرهنگ و بیداری اجتماعی، خردمندانه و با تدبیر تلاش می‌کرد. به عبارت دیگر آن گونه که آثارش نشان می‌دهد، او پنج هزار صفحه در تاریخ، فرهنگ و سیاست افغانستان نگاشته و هیچ‌گاه برای آسایش خودش، دور از درد و رنج مردم به سر نبرده است. تاریخ‌نویسان او را «بی‌هقی ثانی» لقب داده اند؛ زیرا او شاگرد راستین و ادامه دهنده راه ابوالفضل بی‌هقی است. بدان‌سان که ابوالفضل بی‌هقی، دانش، آزاده‌گی و فضیلت را بنده درهم و دینار نساخت و جوهر حقیقت را گاهی به آشکارا نویسی و صراحت‌گرایی و گاهی به نیروی ابهام و الهام، طنز و کنایات در رگ‌های تاریخ جاری ساخت. فیض محمدکاتب، نیز آگاهانه مسیر بی‌هقی را پیمود و توانست با بهره‌برداری از قریحه توانایش هدف اساسی خویش را که همانا ثبت واقعیت‌های تاریخی است، استادانه برآورده سازد.

بالاخره کاتب در ۱۶ جدی سال ۱۳۰۹ هـ.ش. به سن هفتاد ساله‌گی در حالی که پنجاه سال آن را در خدمت فرهنگ و ادب به سر برده بود، وفات کرد و در بالاجوی چنداول به خاک سپرده شد.

- آثار کاتب:** از ملافیض محمد کاتب آثار فراوانی برجا مانده است که همه مآخذ پژوهشگران است. نه تنها محققان داخلی که تاریخ‌نگاران خارجی نیز به گفته‌های او استناد می‌ورزند. مهمترین آثار او قرار ذیل اند:
۱. تحفة‌الحبيب: جلد اول شامل وقایع و حوادث دوران سدوزایی و جلد دوم شامل وقایع دوران محمد زایی‌ها است.
 ۲. سراج‌التواریخ: (پنج جلد) که امروز تنها سه جلد آن در دسترس است.
 ۳. فیضی از فیوضات: که مهمترین و با ارزش‌ترین اثر قلمی کاتب بوده است.
 ۴. تاریخ عصر امانیه: بنابه فرمان تاریخی ۱۳۹۹/۲/۱۶ امان‌الله‌خان نگاشته شده که در آرشیف ملی افغانستان موجود است.
 ۵. وقایع افغانستان
 ۶. استقلال افغانستان
 ۷. تاریخ حکمای متقدمین (کتاب‌درسی)
- و بیشتر از بیست جلد کتاب، رساله و نوشته‌های دیگر.



واقعہ‌نویسی: در زمان ملافیض محمد کاتب هزاره، تاریخ‌نگاری در افغانستان؛ مانند کشورهای دیگر اسلامی تابع روشی بود که از ظهور اسلام به بعد در مراکز مهم فرهنگی اسلامی آن روزگار مثل بغداد، کوفه و شهرهای دیگر- آنچه در آن هنگام، اراضی خلافت شرقیه نامیده می‌شد - مرسوم بود، که آن مشتمل بر دو نوع اصلی و انواع فرعی دیگر می‌باشد: ۱. نوع خبر؛ ۲. نوع واقعہ‌نگاری و یا تاریخ‌نویسی.

کاتب در تاریخ‌نگاری‌اش از نوع دوم که واقعہ‌نگاری است، استفاده کرده است؛ زیرا واقعہ نگاری به تفصیل در مورد قضایای تاریخی می‌پردازد. از قرن چهاردهم به بعد، مؤرخان روش واقعہ نگاری را به کاربرده و به قید سال، ماه و روز هم پرداخته اند.

فیض محمد کاتب در آثار خویش، آنچه در باره تاریخ افغانستان نوشته، در آن روش واقعہ‌نگاری و تاریخچه‌نگاری را برگزیده و وقایع تاریخی را به قید سال بیان کرده و مانند مؤرخان قرن چهاردهم و پانزدهم تاریخ ماه و روز را نیز بر آن افزوده است.

بخوانیم و بدانیم

۱. ملا فیض محمد کاتب مشهور به «هزاره» در سال ۱۲۳۹ هـ.ش. در دهکده «زردسنگ» واقع قره باغ غزنی، چشم به جهان گشود.
۲. کاتب آموزش را پس از نوجوانی آغاز کرد. او برای فراگرفتن علوم، به شهرها و کشورهای مختلفی سفر کرد، و با اندوخته‌های فراوانی برگشت.
۳. کاتب در تاریخ‌نویسی خویش از نوع واقعه‌نویسی استفاده کرده است.
۴. فیض محمد کاتب، هم در عرصه سیاسی کشور، و هم در زمینه‌های تاریخ، فرهنگ و بیداری اجتماعی، خردمندانه و با تدبیر فعالیت می‌کرد.
۵. او پنج هزار صفحه در تاریخ، فرهنگ و سیاست افغانستان نگاشته است.
۶. تاریخ‌نویسان او را «بیهقی ثانی» لقب داده اند.
۷. کاتب در ۱۶ جدی سال ۱۳۰۹ هـ.ش. به سن هفتاد ساله‌گی وفات یافت و در بالاجوی چن‌داول به خاک سپرده شد.
۸. مجموعه آثار کاتب به بیشتر از بیست اثر می‌رسد که مشهورترین آن: تحفة الحبيب، سراج التواریخ، فیضی از فیوضات، تاریخ عصر امانیه، وقایع افغانستان، استقلال افغانستان و تاریخ حکمای متقدمین می‌باشد.



• **انواع نامه ها:** نامه‌ها را نظر به مضمون، محتوا، پیام و سایر مشخصات آن به چند دسته تقسیم کرده اند، که در زیر از هر یک نام می‌بریم:

۱. نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)
 ۲. نامه‌های دوستانه
 ۳. نامه‌های عاطفی
 ۴. نامه‌های اشخاص به دفاتر رسمی
 ۵. نامه‌های دفاتر رسمی به اشخاص (مکتوب‌ها)
 ۶. نامه‌های آگاهی بخش و غیره
- با نظر داشت همه موارد یادشده، در مجموع نامه‌ها به دو دسته عمومی تقسیم می‌شوند:
- ۱ - نامه‌های خصوصی
 - ۲ - نامه‌های اداری (مکتوب‌ها)

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به گروه‌ها تقسیم شده در مورد این که خواندن علم تاریخ چه فایده دارد، باهم گفتگو کنند و فواید آن را فهرست نمایند، سپس نتیجه را یک نفر از هرگروه به دیگران بگوید.

۲. دو تن از شاگردان به اساس نوبت در برابر صنف حاضر شده چند نوع نامه‌ها را نام ببرند و هر یک شان یک نوع نامه را به برداشت شخصی خود تعریف نموده و نمونه بیاورند.

املا و نگارش

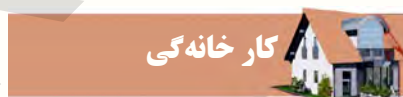
۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسند.

۲. این تصویر را با موضوع «استقلال» ارتباط داده، در مورد آن یک نامه هفت سطری به یکی از دوستان خود بنویسند.





۱. ملافیض محمد کاتب هزاره در کجا به دنیا آمد و در کجا وفات یافت؟
۲. او چگونه به دربار راه یافت و به چه کاری مکلف شد؟
۳. تعداد مجموعی آثار کاتب چند است؟ از جمله پنج اثر مشهور او را نام ببرید.
۴. چرا تاریخ‌نویسان او را «بیهقی ثانی» لقب داده‌اند؟
۵. کاتب آموزش را در چه موقعی آغاز کرد و برای فراگرفتن دانش به کدام شهرها و کشورها سفر کرد؟
۶. واقعه‌نگاری به چه چیزی گفته می‌شود؟
۷. از مجموع انواع نامه‌ها چند نوع آن را یاد دارید؟
۸. در مجموع نامه‌ها به چند دسته عمومی تقسیم می‌شوند؟ هریک را نام ببرید.



۱. در مورد شخصیت و کارنامه‌های ملافیض محمد کاتب هزاره یک مقاله بنویسید.
۲. بیت زیر را حفظ کنید:
شبان وادی ایمن گهی رسد به مراد
که چند سال به جان خدمت شعیب کرد
حافظ
۳. متن کامل درس هفتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. مهمترین ارکان در ساختار شعر کدام‌هاست؟
 ۲. شعر چیست؟
 ۳. ارسطو در مورد «وزن» چه گفته است؟ ۴. خیال‌انگیزی چیست؟
 ۵. اشعار حماسی و غنایی از هم چه فرق دارند؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

شعر و اقسام محتوایی آن

کلمه «شعر» برگرفته از کلمه «شعور» عربیست. معنای لغوی این واژه، قوه ادراک یا احساس است. از آنجایی که این نوع سخن، با قوه ادراک و احساس و تخیل انسان سروکار دارد؛ پس آن را «شعر» نامیده‌اند؛ چون شعر برانگیزنده تخیل و شعور انسان است.

در تعریف اصطلاحی «شعر» نیز سخن بسیار رفته است. در قدیم‌ترین اثری که پیرامون این نکته سخن به میان آمده، رساله «ایون» اثر افلاطون، فیلسوف مشهور یونان باستان، است که وی مایه و انگیزه سرودن شعر را الهام می‌داند و به نقل از سقراط می‌گوید: «شاعران در حالت بیخودی شعر می‌سرایند و آهنگ و وزن شعر آن‌ها را مسحور می‌کند.»

ارسطو نیز این بحث را همچنان دنبال می‌کند و در رساله‌یی که در باب شعر نوشته، شعر را سخن موزون می‌داند و ابراز نظر می‌کند که وزن ملازم دایمی شعر است و هیچ‌گاه شعر از وزن جدایی ندارد؛ همچنان وی معتقد بوده است که گرایش به توازن و هماهنگی، خود در نهاد فطری و غریزی انسان نهفته است، که این دو، دست به دست هم داده و باعث پیدایش شعر و ادبیات شده است؛ پس از آن در دوره‌های اسلامی نیز دانشمندان این عرصه بر وجود «وزن» در شعر تأکید فراوان داشته‌اند؛ چنانچه شیخ الرئیس ابوعلی بن سینای بلخی، در تعریف شعر «وزن» را یک رکن اساسی شعر می‌داند و پذیرش هرگونه اثری زیرنام شعر را منوط به موزون بودن آن می‌داند. وی در تعریف شعر می‌گوید: «شعر سخنی است رسا و خیال‌انگیز که از اقوالی موزون و متساوی ساخته شده باشد.» ابن خلدون نیز در تعریف شعر می‌گوید: «شعر سخن است مرکب از پارچه‌های نوشتاری گسسته، که همه پارچه‌ها از وزنی واحد پیروی نموده و حرف آخرشان با هم یکسان باشد. هر دو پارچه از این نوع سخن را «بیت» می‌نامند و کلمات و حروف آخرین هر یک از این دو را بالترتیب به نام‌های «قافیه»

و «رَوی» یاد می‌کنند. هر بیتی خود بیانگر معنایی مستقل است، که از نظر القای معنایی، نسبت به بیت قبلی و بعدی استقلال کامل دارد. چنانچه اگر بیتی را خارج از دایره بیان کلی یک شعر مطالعه کنیم، خود به تنهایی بیانگر معنایی مستقل باشد.»

شمس قیس رازی در کتاب «المعجم فی معاییر أشعارالعجم» و خواجه نصیرالدین طوسی در کتاب «معیارالشعار»، بر علاوه عناصر ترکیبی دیگر شعر، بر دو عنصر «خیال‌انگیزی» و «وزن» تأکید بیشتر دارند.

دیده می‌شود که یکی از پایه‌های اساسی در ساختار «شعر»، همان عنصر «خیال‌انگیزی» بودن آن است، که نه تنها دانشمندان قدیم بر وجود آن تأکید فراوان داشته اند؛ بلکه دانشمندان معاصر نیز «خیال‌انگیزی» بودن آن را یکی از ارکان اساسی شعر می‌دانند. از این گفته بر می‌آید که هر سخن منظوم و موزونی که فاقد عنصر «خیال‌انگیزی» باشد، نمی‌تواند نام شعر بر خود گیرد.

دانشمندان غربی نیز در تعریف شعر نمونه‌هایی ارائه داده اند، که تعریف‌های آنان به جای خود خالی از ایراد نیست و هیچ یک از آن‌ها نمی‌تواند تصویری کامل از شناخت شعر در ذهن مجسم سازد. «گوته» و «لاندرو» شعر را نوعی از هنرهای بیانی می‌دانند، که تعریف آن وابسته است به قوت تصویر پردازی هنری آن در ذهن. برخی دیگر از دانشمندان غربی تعریفاتی را درمورد شعر ارائه داده اند که هر دو بخش شکلی و محتوایی شعر را دربر می‌گیرد. یکی از آن جمله «ستدمان» است که در این مورد می‌گوید: «شعر زبان موزون تخیل و انعکاس دهنده معانی نو، اندیشه، عاطفه، و اسرار روح بشری است.»

با نظرداشت سخنان بالا، می‌توان شعر را چنین تعریف کرد: شعر سخنی است موزون یا آهنگین که تصویرپردازی هنری آن موجب خیال‌انگیزی در ذهن شود.

اقسام محتوایی شعر

اگر از عناصر فنی و ظاهری شعر بگذریم، زمینه معنوی شعر، حاصل تجربه عاطفی یا اندیشه و خیالی است که شاعر در آفرینش شعر خود به کار گرفته است. مجموع این زمینه‌های معنوی شعر را، که محتویات اشعار را تشکیل می‌دهند، دانشمندان عرصه ادبیات، به اقسام زیر دسته بندی کرده اند:

۱. **حماسی:** حماسه که در لغت به معنای دلاوری و شجاعت است، از قدیمی‌ترین و مهیج‌ترین انواع ادبی است. حماسه از زمانی که ملتی در راه حصول عظمت و تمدن گام نهاده است، سخن می‌گوید. در آن سخن از جنگ‌هایی است که برای استقلال و بیرون راندن یا شکست دشمن یا کسب نام و به دست آوردن ثروت و رفاه صورت گرفته است، از این رو حماسه هر ملتی، بیان کننده آرمان‌های آن ملت است و مجاهدت آن ملت را در راه

سربلندی و استقلال برای نسل‌های بعدی روایت می‌کند.

۲. غنایی: اشعار غنایی، آن‌است که احساسات و عواطف شخصی را به صورت کوتاه مطرح کند. اصولاً در اکثر نقاط جهان اشعار عاطفی و عاشقانه و سوزناک، با موسیقی همراه بوده است. عرب‌ها نیز اشعار عاشقانه و عاطفی را به نام «الشعرالغنایی» یاد می‌کنند و شاید همین علت بوده که این‌گونه اشعار را در زبان ما، به تبعیت از عربی، به اشعار غنایی، ترجمه کرده اند. به هر حال، معادل قدیم آن غزل است. در شعر دری، ادب غنایی به صورت داستان، مرثیه، مناجات، گلایه و تغزل در قالب‌های غزل، رباعی، مثنوی و حتی قصیده مطرح می‌شود.

۳. مدحی و هجوی: مدح مضمون اصلی قصیده است و مقدار زیادی از اشعار شاعران ما، در مدح پادشاهان و بزرگان است. در مدح باید شخص را بیش از آن که هست بنمایانند و به اصطلاح چهره‌یی را اسطوره کنند. در هجو، که صورت منظوم دارد، شاعر همهٔ کوشش خود را به کار می‌برد؛ تا طرف را هجو کند و در این زمینه کار را به غلو و گاهی به زشت‌نگاری میرساند.

۴. تعلیمی: به سروده‌هایی گفته می‌شود که علمی را برای خواننده تشریح کند و یا مسایل دینی، اخلاقی، مذهبی و فلسفی را در قالب‌های شعری عرضه دارد. در ادبیات ما هرچند نمونه‌ها بیشتر مربوط به علوم نظری است؛ اما در علوم عملی هم نظم‌هایی سروده شده است؛ مانند: نورالانوار از بحرالاسرار مظفر علیشاه کرمانی در علم کیمیا.

۵. مرثیه: مرثیه از نظر ماهیت جزء ادب غنایی است. مرثیه در ادب دری سابقهٔ کهن دارد و در نخستین دیوان شعر دری؛ یعنی «دیوان رودکی» دیده می‌شود. مرثیه‌ها اغلب دربارهٔ مرگ پادشاهان و صاحبان قدرت و مقام یا بزرگان علم و ادب سروده شده است. بعضی مرثیه‌ها هم دربارهٔ فوت یکی از خویشان است، مانند مرثیۀ فردوسی، خاقانی و حافظ دربارهٔ مرگ فرزندان‌شان.

گاهی مرثیه در سوگ کسی سروده نشده است؛ بلکه دربارهٔ از بین رفتن ارزش‌ها و گذشت ایام جوانی و شادکامی یا از بین رفتن عظمت یک تمدن است. مرثیه ممکن است در هر قالبی باشد: قصیده و قطعه، ترجیع‌بند و ترکیب‌بند و گاهی هم غزل و رباعی و مثنوی.

۶. طنزی: طنز از اقسام هجو است؛ اما فرق آن با هجو این است که تند و تیزی و صراحت هجو در طنز نیست. در طنز معمولاً مقاصد اصلاح‌طلبانه و اجتماعی مطرح است. طنز کاستن از مقام و کیفیت کسی یا چیزی است، به نحوی که باعث خنده و سرگرمی شود و گاهی در آن تحقیری باشد. هزل و مطایبه هم عناصر و عواملی هستند که در ادبیات از آن‌ها برای ایجاد نشاط و خنده در خواننده استفاده می‌شود.

۷. مناظره: مناظره نیز از نظر ساختمان، جزء ادبیات حماسی است؛ زیرا در آن بین دو چیز

بر سر برتری و فضیلت بر دیگری نزاع و اختلاف در می‌گیرد و هر یک با استدلال‌هایی خود را بر دیگری ترجیح می‌دهد و سرانجام یکی مغلوب یا مجاب می‌شود. ظاهراً اولین شاعری که به نوع ادبی مناظره پرداخته است اسدی (صاحب گرشاسبنامه) است. از او مناظراتی به نام‌های مناظره آسمان و زمین، مغ و مسلمان، نیزه و کمان، شب و روز، عرب و پارسی به جامانده است. قالب شعری مناظره قصیده یا قطعه است.

۸. حبسیه: بیشتر از موضوعات شعری است تا از انواع ادبی. حبسیه از فروع ادب غنایی شمرده می‌شود و در آن شاعر اندوه و رنج خود را در زندان توصیف می‌کند. نخستین و بیشترین حبسیه‌ها در دیوان مسعود سعد سلمان دیده می‌شود و بعد از او نیز شاعرانی که به زندان رفته‌اند، حبسیه سروده‌اند. چنان که خاقانی چند حبسیه دارد.

غیر از آنچه برشمردیم، محتویات دیگری؛ مانند: دینی، انتقادی، وصفی، قصصی، مناجات و... نیز در اشعار زبان دری موجود است.



شعر به مفهوم عام خود نه در تعریف می‌گنجد و نه در قالب، ولی شاعران و مخاطبان، به مرور زمان به تفاهم رسیده و شکل‌های خاصی را در مصراع‌بندی و قافیه‌آرایی شعر به رسمیت شناخته‌اند، که شاعران ما کمتر از محدوده این قالب‌ها خارج شده‌اند. قالب‌های معروف شعر در زبان دری عبارتند از: قصیده، مثنوی، غزل، قطعه، ترجیع‌بند، ترکیب‌بند، مسمط، مستزاد، رباعی و دو بیتی.

بخوانیم و بدانیم

۱. کلمه «شعر» برگرفته از کلمه «شعور» عربیست. چون این نوع سخن، با قوه ادراک و احساس و تخیل انسان سروکار دارد؛ پس آن را «شعر» نامیده‌اند.
۲. یکی از پایه‌های اساسی در ساختار «شعر»، عنصر «خیال‌انگیز» بودن آن است. دانشمندان قدیم و معاصر «خیال‌انگیز» بودن آن را یکی از ارکان‌های اساسی شعر می‌دانند.
۳. شعر سخنی است موزون یا آهنگ‌دار که تصویر پردازی هنری آن موجب خیال‌انگیزی در ذهن شود.
۴. محتویات شعر دری را مسایل حماسی، غنایی، مدحی و هجوی، تعلیمی، دینی، انتقادی، وصفی، قصصی، مرثیه، طنز، مناظره، حبسیه و مناجات تشکیل می‌دهند.

• نامه های خصوصی

چنان که از نامش پیداست، به نامه هایی گفته می شود که میان دوستان، نزدیکان و خویشاوندان رد و بدل می شود. نامه خصوصی باید خشک و رسمی گونه نباشد و از هرگونه تعارف و تکلف و خودنمایی به دور بوده، مظهر صفا و صداقت و صراحت باشد؛ تا بر مهر و محبت بیفزاید، نه این که از آن کدورتی به میان آید. نامه هایی که به بزرگترها می نویسیم، باید حاوی احترام توأم با محبت باشد؛ نامه هایی که به کوچکترها می نویسیم باید از عطف و مهربانی حکایت کند و بالاخره نامه همسالان و همپایه گان، باید آیینۀ اخلاص و صمیمیت باشد.

رعایت ادب و حرمت در همه انواع نامه ها ضروری است. هریک از نامه های تسلیت و تبریک و دعوت و جز آن، باید به مقتضای حال، نمایشگر همدردی یا خوشحالی نویسنده و شرکت وی در غم و شادی مخاطب باشد. در نامه باید از مقدمۀ طولانی و پرگویی و بحث های بیمورد پرهیز نمود و نباید وقت خواننده را تلف کرد و نیز نباید نامه را چنان مختصر و تلگرافی نوشت که خواننده از فهم منظور عاجز بماند و یا دلالت بر سردی، کم مهری و بی اعتنائی نویسنده کند؛ همچنان از شکوه و شکایت و شرح ناکامی ها و ناسازگاری های روزگار و گرفتاری های شخصی حتی الامکان باید احتراز نمود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان با هم صحبت نموده و پارچه شعری را انتخاب کنند که از نظر وزن، آهنگ، محتوا، قالب و عنصر خیال انگیزی برجسته باشد؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگویند و دلایل برازنده گی آن شعر را شرح دهد.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند و با نظرداشت قواعدی که خوانند، گروه اولی یک تبریک نامه و گروه دومی یک تسلیت نامه بنویسند؛ بعد نماینده هر دو گروه آن را برتخته صنف بنویسند و گروه مقابل آن را اصلاح کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «تنهایی» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



۱. در نامه‌های خصوصی، رعایت کدام نکات ضروری است؟
۲. اشعار دری دارای چه نوع محتویاتی است؟
۳. به نظر شما یک شعر خوب باید دارای چه اوصافی باشد؟
۴. کدام عناصر در شعر از اهمیت ویژه‌ی برخوردار اند؟

کارخانه‌گی



۱. جواب پرسش زیر را طی ده سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.
- شعر باید مطابق فهم مردم عام باشد و یا این که جامعه فرهنگی سطح فهم مردم را بالا برد تا مفاهیم شعر را همه مردم درک کنند نظر شما چیست؟ با دلایل واضح سازید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

شاعر اندر سینه ملت چو دل ملت بی‌شاعری انبار گل

علامه اقبال

۳. متن کامل درس هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس هشتم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. علم بیان چیست و از چه بحث می‌کند؟

۲. تشبیه چیست و چند رکن دارد؟

۳. فرق مشبه و مشبه به در چیست؟

۴. رابطه‌های مجاز کدام است؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

علم بیان

بیان به معنای پیدا و آشکار شدن است و در اصطلاح ادبیات عبارت است از مجموع قواعد و قوانینی که به وسیله آن‌ها یک معنی به راه‌های گوناگون نشان داده می‌شود. شیوه‌های بیان اندیشه را در دانش بیان، در چهار زمینه گنجانیده اند، که ما در این بخش به بررسی هریک از آن‌ها می‌پردازیم. این چهار زمینه که مباحث علم بیان است، عبارت است از:

۱. تشبیه؛ ۲. استعاره؛ ۳. مجاز؛ ۴. کنایه

۱- تشبیه

تشبیه پیوند برقرار کردن میان دو چیز و همانند کردن آن‌هاست با واژه‌ها یا عباراتی ویژه؛ مانند: «علم در هدایت انسان، چون نور است.» در این مثال چهار پایه یا رکن وجود دارد، که ارکان تشبیه نامیده می‌شود.

(۱) مُشَبَّه: چیزی که آن را به چیز دیگری مانند کرده‌ایم. (یعنی علم)

(۲) مُشَبَّه به: چیز دوم که مُشَبَّه، به آن مانند شده است. (یعنی نور)

(۳) ادات تشبیه: واژه‌هایی که میان مشبه و مشبه به، پیوند برقرار می‌کنند. و آن‌ها عبارتند از: چون، چو، همچون، مانند، به سان، مثل، پنداری، گویی و...

(۴) وجه شبه: صفت مشترک میان مشبه و مشبه به است (یعنی هدایت)

تشبیه انواعی دارد، به شرح زیر:

- تشبیه مؤکد: گاهی ممکن است ادات تشبیه حذف شود؛ مانند: روی او ماه است، اگر بر ماه مشک افشان شود. (که در اصل: روی او چون ماه است، بوده است)

- تشبیه مجمل: حذف وجه شبه موجب می‌گردد؛ تا ذهن خواننده خود تلاش کند که دلیل همانندی را بیابد؛ مانند: تنم چون سایه موی است و دل چون دیده موران. (وجه شبه در این جا باریکی {مو} و تنگی {دیده} است که حذف شده است)
- تشبیه تسویه: هنگامی است که چند مشبه را به یک مشبه به تشبیه کنند؛ مانند: نقش خورنق است همه باغ و بوستان / فرش ستبرق است همه دشت و کوهسار
- تشبیه جمع: گاه یک مشبه را به چند مشبه به تشبیه می‌کنند؛ مانند: من همچو خار و خاکم و تو آفتاب و ابر.
- تشبیه بلیغ: در تشبیه بلیغ ادات تشبیه و وجه شبه هردو حذف می‌شود؛ مانند: عمر برف است.

در زبان ادبی، گاه مشبه و مشبه به، با کسر به هم می‌پیوندند و به صورت اضافه تشبیهی بیان می‌شود؛ مانند: برفِ عمر. بنابراین اضافه تشبیهی، گونه‌یی از تشبیه بلیغ است. چند نمونه:

قد سرو، تیر مژگان، شبنم عشق، باران رحمت، خوان نعمت، کلاه شگوفه، مهد زمین، دایه ابر بهاری، نوردانش، چراغ علم، تخم محبت، نسیم رحمت، سحاب رحمت، سیلاب اشک.

۲- استعاره

هرگاه واژه‌یی به دلیل شباهتش با واژه دیگری به جای آن به کار رود، استعاره پدید می‌آید. به گفته دیگر، استعاره تشبیهی است که یکی از طرفین تشبیه ذکر نشود. استعاره از لحاظ ذکر یا حذف مشبه یا مشبه به، دو نوع است:

- استعاره مَصْرَحَه:

هنگامی است که مشبه را حذف کنیم و تنها مشبه به را ذکر نماییم؛ مانند: یکی درخت گل اندر میان خانه ماست / که سروهای چمن پیش قامتش پستند «سعدی»
 که بیت بالا استعاره از جوانی بلند بالا و خوش اندام است.
 ستاره‌یی بدرخشید و ماه مجلس شد. «حافظ» (استعاره از یار زیبا روی)
 فراش باد صبا را گفته تا فرش زمردین بگسترده. «سعدی» (استعاره از چمن و سبزه)
 همی زور کرد این بر آن / نجیبید یک شیر بر پشت زین «فردوسی» (استعاره از پهلوان)
 • استعاره مَكْنِیه:

این استعاره صورت معکوس استعاره مصرحه است؛ یعنی، در آن مشبه به را حذف کرده و مشبه را ذکر می‌کنند. ولیکن «مشبه به» جای خود را به یکی یا چند اوصاف خود می‌دهد؛ مثلاً وقتی می‌گوییم: کام ظلم، ظلم را به حیوانی تشبیه کرده‌ایم، که کام و دهان برای بلعیدن دارد و مظلوم را در کام خود فرو می‌برد.

نمونه‌های دیگر:

یکی از صاحب‌دلان سر به جیب مراقبت فرو برده بود.
دستِ روزگار، رخسار صبح، چنگالِ مرگ، آستینِ عقل، دستِ طرب، چشمِ بخت.

۳ - مجاز

مجاز به کاربردن واژه در معنای غیرحقیقی است، به شرط آن که میان معنای حقیقی و معنای غیرحقیقی پیوندی برقرار باشد؛ مثلاً هنگامی که می‌گوییم: «جهان انجمن شد بر تختِ اوی» مراد از جهان، مردم جهان است.

معمولاً رابطه‌های زیر باعث می‌شود که واژه‌یی در معنای مجازی به کار رود:

- رابطهٔ حال با جا: سراسر همه دشت بریان شدند. (دشت به جای مردم دشت آمده است)
 - رابطهٔ کل با جزء: افغانستان در مسابقات فوتبال قهرمان شد. (که افغانستان به جای تیم فوتبال افغانستان آمده است)
 - رابطهٔ جزء با کل: به کشتن دهند سر به یکباره‌گی (سر به جای تمام وجود آمده است)
 - رابطهٔ لازم با ملزوم: فلان را در دوستی پای نیست. (پای به جای پایداری آمده است)
- در اصطلاح علم بیان این رابطه‌ها را علاقه نیز می‌نامند.

۴ - کنایه

کنایه به معنای سخن پوشیده گفتن است؛ اما در علم بیان، عبارت است از گفتن لفظی در معنای غیرحقیقی (معنای نزدیک)، آن گونه که بتوان معنای حقیقی (معنی دور) آن را نیز اراده کرد.

به عنوان مثال در جمله‌های:

- «پرسیدم: پس چه خاکی بر سر بریزم.»
- «بقیه را فعلاً خط بکش.»

عبارت‌های مشخص شده دارای دو معنای نزدیک و دور است؛ اما معنای دور آن‌ها مورد نظر است. «چه خاکی بر سر بریزم» در معنای حقیقی، یعنی «چه کار باید بکنم» و عبارت «خط بکش» یعنی «نادیده بگیر».

این نوع کاربرد را کنایه می‌گویند.

چند نمونه:

- در خانهٔ او به روی همه باز است.
- معنای نزدیک: همه می‌توانند وارد خانهٔ او شوند.
- معنای دور: مهمان‌نواز است.
- چشم به راه بودن

معنای نزدیک: یکسره و بدون توقف به راه دیدن

معنای دور: انتظار کشیدن

• کمر بستن

معنای نزدیک: کمر بند را به کمر بستن

معنای دور: همت کردن

تفاوت کنایه با مجاز و استعاره در این است که در کنایه به هر دو معنی می‌توان دست یافت و هر دو معنی می‌تواند درست باشد (ولی گوینده معنای حقیقی را می‌خواهد).



علم بیان که به یاری آن حالات گوناگون سخن را در هماهنگی با حال شنونده و خواننده تعیین می‌کنند، به سه نوع ایجاز، اطناب و مساوات نیز تقسیم می‌شود: ایجاز: عبارت است از بیان مقصود و معنی در کوتاه‌ترین لفظ و کمترین عبارت، مشروط بر آن که رساننده مقصود باشد. اطناب: درازگویی و آوردن واژه‌ها و عبارات زاید و بسیار در سخن را گویند، که معنای آن‌ها کم و اندک باشد. مساوات: یعنی آوردن لفظ به اندازه معنی، که برای رسانیدن مقصود گوینده مناسب است.

بخوانیم و بدانیم

۱. بیان به معنای پیدا و آشکار شدن است و در اصطلاح ادبیات عبارت است از مجموع قواعد و قوانینی که به وسیله آن‌ها یک معنی به گونه‌های مختلف نشان داده می‌شود.
۲. شیوه‌های بیان اندیشه را در دانش بیان، در چهار زمینه گنجانیده اند، که عبارتند از: (۱) تشبیه؛ (۲) استعاره؛ (۳) مجاز؛ (۴) کنایه
۳. علم بیان از نظر سنجش حالات سخن به سه بخش ایجاز، اطناب و مساوات تقسیم می‌شود.
۴. تشبیه اقسام زیادی دارد. مهمترین آن تشبیه مؤکد، مجمل، تسویه، جمع و بلیغ نام دارد.
۵. تشبیه چهار رکن دارد: مشبه، مشبه به، ادات تشبیه و وجه شبه.

۶. کنایه، سخن پوشیده گفتن است؛ اما در علم بیان، عبارت است از گفتن لفظی در معنای غیرحقیقی (معنای نزدیک)، طوری که بتوان معنای حقیقی (معنی دور) آن را نیز اراده کرد.



• بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی

معمولاً نامه‌های خصوصی دارای بخش‌هایی اند که ترتیب آن به صورت زیر است:

۱. آدرس گیرنده (آدرس مرسل الیه)

۲. تاریخ

۳. عنوان که در خطاب به گیرنده نامه نوشته می‌شود.

۴. آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)

۵. متن نامه

۶. پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)

۷. نام و نام خانوادگی نویسنده و ذکر مشخصات او

۸. آدرس فرستنده (آدرس مرسل)

۹. امضا (در صورت لزوم)

معمولاً بخش‌هایی از آنچه گفتیم، فقط روی پاکت نوشته می‌شود؛ مانند: آدرس فرستنده و گیرنده و بخش‌هایی هم روی پاکت و هم روی نامه نوشته می‌شود؛ مانند: مشخصات نویسنده نامه، تاریخ و عنوان گیرنده.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چهار گروه تقسیم شوند و هر گروه درباره یکی از اجزای علم بیان (تشبیه، استعاره، مجاز و کنایه) باهم گفتگو کنند و یک-یک جمله به حیث مثال بسازند؛ سپس از هر گروه یک تن شان در برابر صنف آمده آن جمله‌ها را تشریح و توضیح نمایند.

۲. بازهم شاگردان باهم گفتگو کنند و با نظر داشت قواعد بالا، یک نامه خصوصی کامل بنویسند؛ سپس یک تن شان در برابر صنف آمده، آن نامه را بخواند و قسمت‌های مختلف نامه را برای دیگران واضح سازد.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «مهر مادر» ارتباط داده در مورد آن یک نامه به مادر تان بنویسید.



۱. تشبیه را تعریف نموده و اقسام آن را نام ببرید.
۲. تشبیه چند رکن دارد؟ همه را نام گرفته و تعریف کنید.
۳. نامه‌های خصوصی از چند بخش تشکیل می‌شود؟ هریک را نام ببرید.
۴. استعاره مکنیه و استعاره مصرحه از هم چه فرق دارند؟ با مثال واضح سازید.

کارخانه‌گی



۱. در مورد هرآنچه می‌خواهید، یک متن بنویسید، که در آن تشبیه و استعاره، به کار رفته باشد. سپس هریک آن‌ها را مشخص کنید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

در صدفِ سینه و دریای دل علم بیان دُر سخن پرورد
بیخبر از جان و ز جانانه کیست پُرخور و خوابست که تن پرورد

«حاجب شیرازی»

۳. متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. انجمن چیست؟

۲. اهداف انجمن ادبی کابل چه بود؟

۳. نخستین بار انجمن ادبی در کدام شهر افغانستان تشکیل شد؟
در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

انجمن‌های ادبی افغانستان

انجمن جایی است که گروهی به طور مؤقت یا دایم برای مشوره در امری گرد هم بیایند و انجمن ادبی، گردهمایی ادیبان، شاعران و نویسندگان، به منظور کار بر روی مسایل ادبی، در زیر چتر یک سازمان یا بنیاد را نامند.

انجمن‌های ادبی در کشور ما سابقه طولانی دارد. در زمانه‌های قدیم رسم چنان بوده که نشست‌های کوچکی تشکیل می‌شد و در آن نشست‌ها، شاعران و نویسندگان آثار خود را خوانده و در مورد آن آثار به بحث می‌پرداختند؛ اما هیچ‌گاه صورت رسمی و تشکیلی گسترده نداشته و تنها در سطحی دوستانه و کوچک برگزار می‌شد. شکل رسمی انجمن ادبی در افغانستان، با تشکیل «انجمن ادبی کابل» در پانزدهم ماه جوزای سال (۱۳۱۰ ه.ش.) آغاز شد.

۱. انجمن ادبی کابل

این انجمن که در آغاز به مدیریت محمد انور خان بسمل به میان آمد، مرامنامه‌یی در ۱۴ ماده تدوین کرد و در آن هدف اصلی خود را همسان کردن اصول نگارش و ایجاد سبک معین نظم و نثر، تربیت روحیه ادبی و تکامل آن و تحقیق در تاریخ افغانستان خواند. این انجمن به نشر «مجله کابل» پرداخت که تا ۱۲ شماره انتشار یافت؛ همچنان سالنامه‌یی به نام «سالنامه مجله کابل» از سوی این انجمن نشر می‌شد و شعبه‌های تاریخ، تألیف، ترجمه، لغت، ادب عامه و ادبیات جزء تشکیل انجمن ادبی کابل بود.

نخستین اعضای آن ملک الشعرا قاری عبدالله، استاد بیتاب، عبدالعلی مستغنی، میر غلام محمد غبار، غلام سرور جویا، محمد سرور جویا و تنی چند از نویسندگان دیگر بودند.

انجمن ادبی کابل، که حدود هفت سال فعالیت داشت، کارهای مهمی در زمینه تاریخ سیاسی و ادبی افغانستان انجام داد و سبب مطرح شدن تعداد قابل توجهی از شعراء، نویسندگان، تذکره‌نویسان



و شناساندن بعضی رجال ادبی، و علمی به جامعه شد. انجمن کتابخانه کوچکی با کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبی و لغت به زبان‌های دری، پشتو، عربی، انگلیسی، ترکی و فرانسوی تأسیس نمود و تألیف، ترجمه و تصحیح کتاب‌های متعدد از دیگر فعالیت‌های مهم انجمن ادبی کابل به شمار می‌رفت. از نخستین کتاب‌هایی که انجمن تألیف نمود اخلاق عسکری، قرائت فارسی برای صنوف چهارم و پنجم، تاریخ افغانستان، تاریخ ادبیات افغانستان و تذکره مشاهیر افغانستان را می‌توان نام برد. یکی دیگر از کارهای بزرگ انجمن ادبی کابل تدوین دایرة المعارف آریانا بود که نخستین شماره آن در سال (۱۳۲۷هـ.ش.) به زبان‌های دری و پشتو منتشر شد.

۲. انجمن ادبی هرات

این انجمن در سال ۱۳۰۹هـ.ش. به ریاست قاضی محمد صدیق خان تشکیل شد و پس از انجمن ادبی کابل رسمیت یافت. انجمن مذکور ماهنامه‌یی را به نام «مجله هرات» در موضوعات ادبی، تاریخی، هنری و اجتماعی به چاپ می‌رساند. نخستین شماره این ماهنامه در ۱۵ حوت ۱۳۱۰هـ.ش. منتشر شد و انتشار آن تا سال ۱۳۴۸هـ.ش. ادامه داشت. از اعضای انجمن می‌توان از منشی عبدالکریم احرار، محمد سرور جویا نام برد. این کانون ادبی، مرکز شایسته‌یی برای تلاش‌های فرهنگی و محیط سودمندی برای رشد استعداد‌های ادبی به شمار می‌رفت. کنفرانس‌های آموزنده و بزم‌های ادبی آگاهی دهنده و چاپ آثار قلمزنان هرات در نامه انجمن از دستاوردهای این نهاد است.

انجمن ادبی هرات مدت یازده سال از ۱۳۱۱ تا ۱۳۲۲ ش. کانون گرم دوستداران فرهنگ و ادبیات در هرات بود و با انتشار ۱۴۴ شماره مجله ادبی هرات خدمات پر ارجی را انجام داد.

۳. انجمن ادبی قندهار

انجمن دیگری که به موازات انجمن ادبی هرات و تقریباً همزمان با آن از سال ۱۳۱۱هـ.ش. شروع به فعالیت کرد، انجمن ادبی قندهار بود. این انجمن «مجله قندهار» را به زبان پشتو به نشر می‌رساند. سر انجام این انجمن در اثر ایجاد موانع و مشکلات از فعالیت بازماند و مسدود گردید.



انجمن ادبی کابل کتابخانه کوچکی با کتاب‌های علمی، تاریخی، ادبی و لغت به زبان‌های دری، پشتو، عربی، انگلیسی، ترکی و فرانسوی تأسیس نموده بود که بسیاری از کتاب‌های این انجمن از کتاب‌فروشی‌های کشورهای مختلف خریداری شده بود.

بخوانیم و بدانیم

۱. انجمن ادبی، گردهمایی ادیبان، شاعران و نویسندگان، به منظور کار بر روی مسایل ادبی، در زیر چتر یک سازمان یا بنیاد را گویند.
۲. شکل رسمی انجمن ادبی در افغانستان، با تشکیل «انجمن ادبی کابل» در پانزدهم ماه جوزای سال (۱۳۱۰ ه.ش.) آغاز شد.
۳. هدف اصلی انجمن ادبی کابل همسو کردن اصول نگارش و ایجاد سبک معین نظم و نثر، تربیت روحیه ادبی و تکامل آن و تحقیق در تاریخ افغانستان بود.
۴. انجمن ادبی هرات در سال ۱۳۱۱ ه.ش. به ریاست قاضی محمد صدیق تشکیل شد و ماهنامه‌یی به نام «مجله هرات» در موضوع‌های ادبی، تاریخی، هنری و اجتماعی به چاپ می‌رساند.



• بخش‌های اصلی نامه شخص به دفتر رسمی

این نوع دیگری از نامه‌هاست، که ما آن را به نام عریضه و درخواست می‌شناسیم. این گونه نامه‌ها چه در بیان تقاضا و طلب باشد و چه در بیان آگاهی و یا پرسش، دارای بخش‌هایی است همانند بخش‌های اصلی نامه‌های خصوصی؛ با اندکی تفاوت، که در زیر به شرح آن می‌پردازیم:

۱. نشانی کامل فرستنده (کنار راست در بالای صفحه)
۲. نشانی کامل گیرنده (کنار چپ در بالای صفحه)
۳. تاریخ (کنار چپ صفحه در زیر نشانی گیرنده)
۴. موضوع (کنار چپ صفحه در زیر تاریخ)
۵. عنوان که در خطاب به گیرنده نامه نوشته می‌شود.
۶. آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی آغازی)
۷. متن نامه
۸. پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
۹. نام و نام خانوادگی نویسنده و ذکر مشخصات او (کنار چپ صفحه)
۱۰. امضا (حتمی است)
۱۱. ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن (کنار راست صفحه، سه سانتی پایین تر از امضا)
۱۲. گذاشتن حد اقل پنج سانتی متر فاصله سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه،

یادداشت و....

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان باهم گفتگو کنند و فهرستی از کارهایی که یک انجمن ادبی باید آن را انجام دهد، تهیه نمایند؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگوید.
۲. چندتن از شاگردان در مورد نقش انجمن‌های ادبی در جامعه سخنرانی کنند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. یک تن از شاگردان یک نامه شخصی به دفتر رسمی بر روی تخته بنویسد و دیگران آن را اصلاح کنند.
۳. این تصویر را با موضوع «سکوت و اندیشه» ارتباط داده، در مورد آن متنی بنویسید که کمتر از هفت سطر نباشد.



۱. انجمن چیست و انجمن ادبی به چه چیزی گفته می‌شود؟
۲. شکل رسمی انجمن ادبی در افغانستان، چه زمان و به چه شکل آغاز شد؟
۳. هدف اصلی انجمن ادبی کابل چه بود؟
۴. نامه شخص به دفتر رسمی را تعریف کنید.
۵. در نامه شخص به دفتر رسمی، ذکر ضمیمه‌ها در کدام قسمت نوشته می‌شود و آیا گذاشتن فاصله سفید در پایین صفحه ضروری است؟

کارخانه‌گی



۱. در مورد وظایف انجمن‌های ادبی و نقش آن‌ها در ارتقای سطح ادبیات در جامعه مقاله‌یی بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
تا طبایع نیست مألوف انجمن ویرانه است
ناقص افتد خوشه چون بی‌ربط بالذانه‌ها «بیدل»
۳. متن کامل درس دهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. ظلم از دیدگاه لغت و حقوق چه معنی دارد؟

۲. پیامدهای فردی و اجتماعی ظلم چیست؟

۳. چند مثال در مورد ظلم ارائه کنید.

۴. تجاوز از حدود چه معنی دارد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

نکوهشِ ظلم

ظلم در لغت، ستم کردن و جور و بیداد کردن را گویند. و از نظر حقوقی، تجاوز از حد عدالت را ظلم گویند. عدالت به معنای این است که حق هر کس را ارج نهند و با او به اندازه مقام و شایسته‌گی‌اش رفتار کنند؛ بنابراین ارج نهادن به حقوق دیگران و در نظر نگرفتن حدود، ظلم است.

هر صفتی یک حد وسط دارد که اگر از آن حد تجاوز شد، چه به این سوی و چه به آن سوی، ظلم حساب می‌شود؛ مثلاً: میانه‌روی در خرج کردن، عدالت است پس اگر کسی اسراف کند و زیاده روی نماید تا جایی که خانواده خود را به اذیت بیندازد و به آنان رحم نکند و نانی برای خوردن‌شان ذخیره ننماید، از حد تجاوز کرده و ظلم نموده است و اگر کسی بخل ورزد و اموال خود را در بانک‌ها نگه دارد و حقوق فقرا و مستمندان را نداده، حقوق شرعی خود را نپردازد و در راه خدا اتفاق ننماید، او نیز تجاوز کرده و از حد اعتدال خارج شده و ستم نموده است.

همچنین اگر ما کثافات و خاکروب‌های منازل خویش را از خانه کشیده و در سرک و یا در جوی کوچه بیندازیم، از حدود تجاوز کرده و ظلم کرده ایم. اگر دود موتور ما به حدی برسد که باعث آلوده‌گی هوا شود، به حدود دیگران تجاوز کرده و ظلم کرده ایم. اگر خود در موتور نشسته قطی، پوست ساجق و بوتل‌های خالی نوشابه‌ها را از کلکین موتور به روی سرک بیندازیم، ظلم کرده ایم. اگر صدای موسیقی را به حدی بلند کنیم که باعث اذیت و آزار دیگران شود، ظلم کرده ایم. اگر چراغ‌ها و وسایل برقی را بدون ضرورت روشن بگذاریم، به خود و دیگران ظلم کرده ایم. اگر اوقات گران‌بهای عمر خویش را با دیدن فیلم‌ها، پارچه‌های موسیقی و

سریال‌های مبتذل ضایع سازیم، ظلم کرده‌ایم. اگر نل‌های آب را بی‌مورد باز بگذاریم و یا در هنگام موترشویی، کالاشویی، ظرفشویی و آبپاشی، آب را بیش از مقدار ضرورت مصرف کنیم، ظلم کرده‌ایم؛ اگر در کارهای خانه سهم نگیریم و تمام کارها را به دوش دیگران بیفکنیم، ظلم کرده‌ایم، همچنان هر نوع اعمال غیر قانونی و در نظر نگرفتن حقوق همهٔ مردم در اسناد تقنینی ظلم گفته می‌شود و خلاصه صدها مورد دیگر، که همهٔ این گونه موارد ظلم به حساب آمده و سزاوار بازپرس خواهد بود؛ بنا برین هر نوع تجاوز از حدود تعیین شده ظلم است؛ ولی نسبت‌ها به تناسب اوضاع و احوال فرق می‌کند؛ پس از این گفته‌ها نتیجه می‌گیریم که ظلم دارای مفهومی گسترده بوده و شامل انواع تجاوز افراد به حقوق همدیگر و نافرمانی انسان از خدا و بلکه شامل رفتار ناشایست و زیان رسانیدن انسان به خویش نیز می‌شود؛ چه آن زیان کوچک باشد یا بزرگ، در هر دو صورت ظلم است و سزاوار نکوهش و کیفر می‌باشد.

خوشبختانه، ادبیات دری در وضاحت مفهوم و نکوهش از ظلم، صدها و هزارها مورد را به شکل حکایت، داستان، افسانه، روایت، قصه و شعر در خود نهفته دارد، که جهت روشنی بیشتر موضوع، یکی دو نمونهٔ آن را نقل می‌کنیم.

آورده اند که نوشیروان عادل را درشکارگاهی، صیدی کباب کردند و نمک نبود. غلامی به روستا رفت، تا نمک آرد. نوشیروان گفت: «نمک به قیمت بستان، تا رسمی نشود ناستوده و روستا خراب نگردد.» گفتند: از این چه قدر خلل زاید. گفت: «بنیاد ظلم در جهان اول اندک بوده است، هر که آمد بر او مزیدی کرد تا بدین غایت رسید.»

اگر زباغ رعیت ملک خورد سیبی برآوردند غلامان او درخت از بیخ
به یک بیضه که سلطان ستم روا دارد زنند لشکریانش هزار مرغ بر سیخ

همچنان خواجه عبدالله انصاری، در نکوهش از ظلم چنین گفته است:

ای عزیز! در ظلم مگشای و از آه مظلومان حذر نمای، که ظلم نمودن از خدا بیخبر است
و مظلومان را کوی به کوی راندن، مایهٔ در به در است. بنیاد ستم، خرابی اساس دین است
و ظالمان را عذاب الهی در کمین است.

مکن اگر آه فقیری شبی برون تازد هزار همچو تو از خانمان براندازد
ز تیر آه یتیمان مگر نمی‌ترسی ز سوز سینۀ پیری که ناوک اندازد
حذر نمای از آن نالهٔ سحرگاهی که گر به کوه زند، روزنی در آن سازد
به وقت نیمه شبی گر بگوید ای الله فغان و ناله به عرش و ملایک اندازد

هزار جوشن فولاد اگر بپوشی تو ز آه گرم فقیری چو موم بگدازد
 متاز برسر مظلوم ساکن ای ظالم که دست فتنه ایام برسرت تازد
 اگر بهل نکند سایل ستم‌دیده جزا دهنده ترا در جهنم اندازد
 ز بار جور لئیمان منال عبدالله
 که گر خسی بزند کردگار بنوازد

خواجه عبدالله انصاری



خواجه عبدالله انصاری: شیخ الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن ابی منصور محمد (زاده ۳۹۶ هـ ق.) معروف به «پیرهرات» دانشمند و عارف، از اعقاب ابو ایوب انصاری است. مادرش از مردم بلخ بود و عبدالله خود در هرات متولد شد. از کودکی زبانی گویا و طبعی توانا داشت. وی در تصوف از شیخ ابوالحسن خرقانی تعلیم گرفت و جانشین او بود. محل اقامتش بیشتر در هرات بود و در آنجا تا پایان زنده‌گانی به تعلیم و ارشاد اشتغال داشت. انصاری شعر می‌سرود و لیکن بیشتر شهرت وی به جهت رسالات و کتب مشهوری است که تألیف کرده است. از رسایل منثور او که به نثر مسجع نوشته مناجات‌نامه، نصایح، زادالعارفین، کنزالسالکین، قلندرنامه، محبت‌نامه، هفت‌حصار، رساله دل و جان، رساله واردات و الهی‌نامه را می‌توان نام برد.

بخوانیم و بدانیم

۱. ظلم در لغت، ستم کردن، جور و بیداد کردن را گویند و از نظر حقوقی، تجاوز از حد عدالت را ظلم گویند.
۲. عدالت به معنای این است که حق هر کس را ارج نهند و با او به اندازه جایگاه و شایسته‌گی‌اش رفتار کنند.
۳. اگر ما کثافات و خاک‌روبه‌های منازل خویش را از خانه کشیده و در سرک و یا در جوی کوچه بیندازیم، و یا خود در موتر نشسته و پوست ساجق و بوتل‌های خالی نوشابه‌ها را از کلکین موتر به روی سرک بیندازیم، از حدود تجاوز کرده و ظلم کرده‌ایم.
۴. ظلم دارای مفهومی گسترده بوده و شامل انواع تجاوز افراد به حقوق هم‌دیگر و نافرمانی

انسان از خدا و بلکه شامل رفتار ناشایست و زیان رسانیدن انسان به خویش نیز می‌شود.
۵. ارج ننهادهن به حقوق دیگران و در نظر نگرفتن حدود، ظلم است.



• نکات ضروری در نامه شخص به دفتر رسمی

وقتی برای اداره، دفتر رسمی و یا شخص مهمی نامه می‌نویسیم که رابطه کاری با او داریم، در چنین مواردی نمی‌شود از روش نامه دوستانه استفاده کرد و این کار نوعی توهین به شخص گیرنده محسوب می‌شود. نوشتن این گونه نامه‌ها مستلزم رعایت یک سلسله نکات ضروری است که در زیر به توضیح آن می‌پردازیم:

۱. نامه باید در یک طرف صفحه نوشته شود و نباید در حاشیه آن‌ها چیزی نوشت.
۲. متن نامه باید با نهایت دقت در صحت مطالب تهیه شود.
۳. متن نامه باید شایسته فرد گیرنده باشد و پست و مقام شغلی فرد گیرنده باید در نظر گرفته شود.
۴. در نامه باید شیوایی بیان و روانی مطلب نیز در نظر گرفته شود و از لغات نامأنوس نباید استفاده گردد.
۵. از حشو (به کار بردن کلام زاید) خود داری شود.
۶. در نامه به هیچ وجه، نباید از کلمات و جملات عامیانه استفاده کرد.
۷. از نشانه‌های قراردادی (کامه، سمیکولن، نقطه و...) باید درست و به جا استفاده کرد.
۸. در نامه باید از استفاده کردن جملات توهین آمیز، تهدید آمیز و مشکل آفرین خود داری کرد.
۹. نامه باید در کاغذهای مناسب نوشته شود تا امکان ارجاع و حاشیه نویسی داشته باشد.
۱۰. نامه تا حد امکان باید تایپ شود یا حد اقل با خط خوانا نوشته شود.
۱۱. سلسله مراتب باید رعایت شود؛ عدم رعایت سلسله مراتب توهین تلقی می‌شود.
۱۲. اگر مخاطب نامه را نمی‌شناسیم، نامه را باید با یک عنوان کلی بنویسیم. در هر اداره یک سیستم تفکیک نامه وجود دارد که باعث ارسال نامه به مکان مورد نظر می‌شود.
۱۳. اگر نامه به وسیله اینترنت مکاتبه شود: الف) از رنگ‌های ملایم (مثل آبی) استفاده گردد. ب) تایپ همه نامه‌ها با فونت بزرگ یک نوع توهین محسوب می‌شود. ج) ارسال تعداد زیاد ایمیل برای یک مکان کار درستی نیست.

کارگروهی و سخنرانی

شاگردان باهم گفتگو کنند و برای سه مورد ظلم در مکتب، در خانه و در اجتماع پنج پنج مثال بر روی یک صفحه کاغذ بنویسند؛ سپس چند تن از شاگردان با کاربرد مثال‌ها در مورد ظلم مطالبی ارائه کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. تصویر زیر را با موضوع «نکوهش ظلم» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسند.





۱. ظلم را تعریف کنید.
 ۲. عدالت به چه چیزی گفته می‌شود؟
 ۳. درچه صورتهایی، ما از حدود تجاوز کرده و مرتکب ظلم می‌شویم؟
 ۴. ظلم شامل چه چیزهایی می‌شود؟
 ۵. مهمترین نکات قابل رعایت درنامه شخص به دفتر رسمی چیست؟
 ۶. اگر نامه به وسیله اینترنت مکاتبه شود، چه مواردی را باید رعایت نمود؟
 ۷. ابیات زیر چه معنایی را افاده می‌کند؟
- اگر زباغ رعیت ملک خورد سیبی
به یک بیضه اگر سلطان ستم روا دارد
- براورند غلامان او درخت از بیخ
زنند لشکریانش هزار مرغ بر سیخ

کارخانه‌گی



۱. ده مورد از چیزهایی را که ظلم است و در جامعه ما مردم بدان اعتنا نمی‌کنند، در کتابچه‌های تان بنویسید.
 ۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
- آنکس که به کوه ظلم خرگاه زند
ای راهزن از دورمکافات بترس
- خود را به دم آه سحرگاه زند
راهی که زنی ترا همان راه زند
- ابوسعید ابوالخیر
۳. متن کامل درس یازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس یازدهم

۱. درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. «جز دانش و حکمت نبود میوهٔ انسان» چه مفهوم دارد؟
۲. چرا سپیدار گریه کرد؟
۳. فرق بین یک شاخ پرثمر و بی‌ثمر در چیست و به زنده گی انسان چه رابطه دارد؟
۴. پروین اعتصامی کیست؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

درخت بی بر

آن قصه شنیدید که در باغ یکی روز
کز من نه دگر بیخ و بنی ماند و نه شاخی
این باکی توان گفت که در عین بلندی
گفتش تبر آهسته که جرم تو همین بس
تا شام نیفتاده صدای تبر از گوش
دهقان چو تنور خود از آن هیمة برافروخت
آوخ که شدم هیزم و آتش گر گیتی
هر شاخه‌ام افتاده در آخر به تنوری
چون ریشهٔ من کنده شد از باغ بخشکید
از سوختن خویش همی زارم و گریم
کو دولت فیروزی و آسایش و آرام
خندید برو شعله که از دست که نالی
آن شاخ که سر بر کشد میوه نیارد
جز دانش و حکمت نبود میوهٔ انسان
از گفتهٔ نا کردهٔ بیهوده چه حاصل

از جور تبر زار بنالید سپیدار
از تیشهٔ هیزم شکن وارهٔ نجار
دست قدرم کرد به ناگاه نگوینسار
کین موسم حاصل بود و نیست ترا بار
شد توده در آن باغ سحر هیمة بسیار
بگریست سپیدار و چنین گفت دگر بار
اندام مرا سوخت چنین ز آتش اد بار
زین جامه نه یک پود بجا ماند و نه یکتار
در صفحهٔ ایام نه گل ماند و نه گلزار
آنها که بسوزند چو من گریه کند زار
کو دعوی دیروزی و آن پایه و مقدار
نا چیزی تو کرد بدینگونه ترا خوار
فرجام، به جز سوختنش نیست سزاوار
ای میوه فروش هنر این دکه و بازار
کردار نکو کن که نه سودیست ز گفتار

پروین اعتصامی

* شعری را که خواندید از نقطه نظر قالب شعری قطعه است. قطعه (شعر): چند بیت هم وزن و هم قافیه است که قافیه را در مصراع اول بیت اول آن رعایت نکنند و در آن از یک مضمون بحث کنند.

* در شعر درخت بی بر نگونسار به معنی (سرچپه) هیمه (چوب هیزم) ادبار (بدبختی) بار (حاصل میوه) آمده است.

* پروین اعتصامی در سال ۱۲۸۵ هـ. ش. تولد یافت؛ وی از کودکی زبان شاعری گشود و در عنفوان شباب از معروفترین شاعران زمان خود گردید.

پروین در قصاید خود از حیث الفاظ پیرو سبک شاعران قرن پنجم و ششم خاصه ناصر خسرو بلخی است و در اشعار دیگر از قطعات و مثنوی‌های پر ارزش و غزل‌ها و غیره سخن او بیشتر رنگ سخن عراقی دارد و غالباً ساده است.

اندیشه‌های وی نو و متضمن نکات اجتماعی و اخلاقی و انتقادی است، و تمثیلات نغز و اندرزهای حکیمانه و تفکرات او مایه شگفتی است.

پروین اعتصامی در سال ۱۳۲۰ هـ. ش. وفات یافت.

بخوانیم و بدانیم

۱. درخت بی بر درخت بی ثمر و بی حاصل را گویند که فقط می‌توان آن را اره نمود و چوب آن را به حیث هیزم سوخت به کار گرفت.
۲. قطعه نوع شعری است که در مصرع اول قافیه مراعات نشده و در آن از یک مضمون بحث کند.
۳. شاخی که بلند باشد و حاصل ندهد، عاقبت سزاوار او جز سوختن چیزی دیگر نیست.
۴. انسانی که دانش نیندوزد، مانند درخت بی حاصل است.

• آدرس نویسی روی پاکت مراسلات

نوشتن آدرس یا نشانی در زبان دری دقیقاً برخلاف بسیاری از زبان‌ها از جمله انگلیسی است؛ بدین معنی که از موارد بزرگتر به سمت موارد کوچکتر می‌رود؛ به ترتیب زیر:

۱. نام کشور
۲. نام ولایت
۳. نام ولسوالی
۴. نام قریه
۵. نام ناحیه
۶. نام یا شمارهٔ سرک
۷. نام یا شمارهٔ کوچه
۸. شمارهٔ منزل
۹. نام و نام خانوادگی گیرنده.

تفصیلات

۱. در همه زبان‌هایی که از راست به چپ نوشته می‌شوند (دری، پشتو، عربی، ازبکی و...)، قاعده همان است که در بالا گفتیم؛ یعنی از موارد بزرگ آغاز نموده به سوی موارد کوچک باید رفت.
۲. اگرنامه به کشور دیگری فرستاده می‌شود که ترتیب نوشتاری آن کشور از راست به چپ است، در آن صورت عین قاعدهٔ بالا بر آدرس گیرنده و فرستنده تطبیق می‌شود.
۳. اگر نامه به داخل کشور فرستاده می‌شود، دیگر نوشتن نام کشور ضروری نیست.
۴. اگر نامه از مرکز یک ولایت به مرکز ولایت دیگری فرستاده می‌شود، طبیعی است که نام ولسوالی و قریه نوشته نمی‌شود.

فرستنده: کابل - قلعهٔ فتح‌الله‌خان، ناحیهٔ دهم،
سرک ۸، منزل شماره (۳۱۱)، انجنیر رحیم گل.

محل نصب
تکتب پستی

گیرنده: بامیان - ولسوالی پنجاب، قریهٔ تگاب برگ،
پهلوی مکتب ذکور، منزل احمد حسین خان.

۵. آدرس فرستنده به ترتیبی که گفتیم، درست چپ، کنار بالایی پاکت نوشته می‌شود.
۶. آدرس گیرنده به همان ترتیب در سمت راست، کنار پایینی پاکت نوشته می‌شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شده و در مورد درس صحبت نمایند. و یک نفر از هر گروه نتیجه صحبت خود را در مقابل دیگران بیان دارد.
۲. دو تن از شاگردان در برابر صنف قرار گرفته و مراحل مختلف آدرس‌نویسی را روی پاکت مراسلات با ترسیم نمونه‌ها روی تخته شرح دهند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان به صورت املا بنویسید.
۲. در ارتباط تصویر صفحه با متن درس مقاله‌یی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.



۱. قطعه چگونه شعر است؟
۲. پروین اعتصامی کیست؟
۳. چرا انجام درخت بی بر سوختن است؟
۴. اگر در عقب پاکت مراسلات آدرس فرستنده را در سمت راست کنار پایینی پاکت بنویسیم چه می‌شود؟

کار خانگی



۱. خلاصه و مفهوم شعر درخت بی‌بر را طی شش سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
هوس در نسخه تسلیم ما صورت نمی‌بندد نگه نتوان نوشتن بر بیاض چشم قربانی
بیدل
۳. متن کامل درس دوازدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس دوازدهم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. زبان دری و فارسی از یکدیگر چه تفاوت دارند؟
۲. چرا این زبان را گاهی فارسی و گاهی دری می‌گویند؟
۳. شاعران شبه قاره به کدام زبان شعر گفته‌اند؟
۴. این زبان در کجا و در کدام زمان به میان آمده است؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

فارسی یا دری؟

زبان و ادبیات دری در درازنای زمانه‌ها، حوادث متعددی را پشت سر گذاشته و مواجه به تغییرات و تحولات بی‌شماری گردیده است. این زبان، جاده هموار را طی ننموده؛ بلکه همواره در تغییر و نوسان بوده است. گاه از چهره ظریف طبیعت وصف نموده و زمانی سیمای خشن زنده‌گی انسان را به تصویر کشیده است.

به گواهی تاریخ، زبان دری، که قدامت در حدود دوهزار سال دارد، بر سر زمین ما و در همین زادگاه زبان‌های دیگر خانواده هندوآریایی پا به عرصه وجود نهاده است که در نخست ساکنین کابلستان، زابلستان، غزنین، بدخشان، نیمروز سیستان، بلخ، هری، گندهارا و اراکوزیا آن را وسیله افهام و تفهیم خویش قرار داده بودند؛ و از همین جاها بود که نخستین جوانه‌های زبان دری رویدن گرفت، به سیر تکاملی پرداخت و پس از مرور فرازها و فرودهای بسیار، به حد رشد رسید. با رواج یافتن آیین اسلام در خراسان و تغییر یافتن الفبا و آشنایی مردم ما با زبان عربی، سیر این زبان تندتر شده و غنای بیشتر یافت و اصول و قواعد دستوری زبان دری حالت اصلی خویش را حفظ کرد.

اما این که چرا این زبان را دری و یا فارسی می‌گویند، سخن بسیار است. در متون کلاسیک، اسم‌های چون: دری، پارسی، فارسی، دری، پارتی-دری و... به زبان مذکور اطلاق شده است؛ ولی از آنجایی که مطالعات نشان داده، در اوایل دوره اسلامی این زبان را فارسی، دری و فارسی دری می‌خواندند.

در گذشته‌ها عده‌یی زبان دری را منسوب به «دره» و «دربار» می‌دانستند و مدعی بودند که این زبان، زبان رسمی دربارها بوده، به این لحاظ «دری» نامیده شده است؛ چنانکه

در روایات ابن المقفع، یاقوت الحموی، حمزه اصفهانی و برخی دیگر از دانشمندان، از آن به عنوان دو زبان جداگانه یاد شده، که «دری» را زبان مختص دربار و درگاه و «پارسی» یا «فارسی» را زبان موبدان، دانشمندان و اهل فارس خوانده اند؛ اما خاور شناسان از جمله «کریستینسر» دنمارکی و «دینینگ» انگلیسی در این مورد چنین داوری دارند که در اصل کلمه دری، «دهاری» بوده و «دهار» نام اصلی سرزمینی است که ما امروز آن را به نام «تخار» می‌شناسیم. و «تخار» تعریف شده از کلمه «دهار» است. زبان این سرزمین هم درنخست «دهاری»، سپس «دهری» و سرانجام «دری» شده است. این زبان درنخست دری بوده و در دربارها از آن به عنوان زبان تشریفاتی استفاده به عمل می‌آمد.

در هر حال هم اکنون در حدود (۲۰۰) میلیون انسان به این زبان سخن می‌گویند. در افغانستان یک نظر در میان بعضی از مردم ما وجود داشت که «زبان دری، تاجیکی و فارسی سه زبان جداگانه است»؛ اما این نظر اساس علمی ندارد؛ زیرا هر سه لهجه از یک زبان واحد است؛ اگر ما چنین تصنیفی را بپذیریم که زبان دری، زبان تاجیکی و زبان فارسی سه زبان جداگانه اند، دچار مشکلات بسیار جدی می‌شویم؛ زیرا یک عده از شاعران ما که در دو - سه صد سال اخیر زنده‌گی کرده اند، زبان خود را زبان فارسی گفته اند و یک عده از شاعران که از لحاظ جغرافیایی به ایران کنونی ارتباط دارند، یا به قفقاز مربوط اند، زبانی را که با آن شعر سروده اند یا نثر نوشته اند، از آن به «دری» تعبیر کرده اند؛ مثلاً: نظامی گنجیه‌یی، شاعر قرن ششم که از گنجه است و گنجه در قفقاز موقعیت دارد، می‌گوید:

نظامی که نظم دری کار اوست دری نظم کردن سزاوار اوست
و یا حافظ شیرازی (که شیراز در محدوده جغرافیایی ایران کنونی موقعیت دارد) می‌گوید:
ز شعر دلکش حافظ کسی بود آگاه که لطف طبع و سخن گفتن دری داند
و در جای دیگر می‌گوید:

چو عندلیب، فصاحت فروشد ای حافظ تو قدر او به سخن گفتن دری بشکن
یا «رشیدی سمرقندی» شاعر قرن ششم که چنین گفته است:

بهبانهاست به ماندن مرا و یک آن است که هست مردن من مردن زبان دری
همچنان با قبول فرضیه یاد شده، دچار یک مشکل دیگر هم می‌شویم: در مورد شاعران پارسی‌گوی که در شبه قاره (هند و پاکستان) نثر نوشتند یا شعر گفته اند. مثلاً «بیدل» به کدام زبان شعر گفته است؟ زبانی را که «بیدل» به آن شعر سروده، فارسی بدانیم؟ یا دری؟

به هر حال زبان دری و فارسی یک زبان است که روزگاران این زبان در مقاطع گوناگون تاریخ، زبان رسمی سرزمین‌های بسیار وسیعی بوده که از شط العرب شروع تا تمام ایران و

سراسر افغانستان کنونی و ماورای قفقاز، خود قفقاز، آسیای میانه و ترکستان چین و گاهی زبان رسمی سراسر قاره هند و در دوره‌هایی زبان رسمی امپراتوری عثمانی بوده است. با یاد آنچه گذشت و نگرشی دیگر در آثار باستانی و کنونی این زبان، کوچکترین مورد اختلافی را نمی‌توان یافت که روی آن، زبان مورد بحث را به فارسی، دری یا تاجیکی تقسیم نمود. و این که از زبان مذکور لهجه‌های متعددی شاخه کشیده، نمی‌شود آن را دلیلی برای انقسام این زبان به دری، فارسی و تاجیکی انگاشت. در زیر نمونه‌هایی از قدیم‌ترین آثار می‌آوریم، که در آن‌ها این زبان را جایی «دری» گفته اند، جای دیگری «پارسی» و در مواقعی دیگر از آن به نام «پارسی-دری» یاد کرده اند:

نخست در مورد اطلاق «دری» به همین زبان

دل بدان یافتی از من که نکودانی خواند مدحت خواجه آزاده به الفاظ دری

(فرخی سیستانی / قرن پنجم)

صفات روی وی آسان بود مرا گفتن گهی به لفظ دری و گهی به شعر دری

(سوزنی سمرقندی / قرن پنجم)

مدایح تو به لفظ دری همی گوید که از مدایح تو پاکیزه گشت لفظ دری

(امیرمعزی / قرن ششم)

سمع بگشاید ز شرح لفظ او جذر اصم چون زبان نطق بگشاید به الفاظ دری

(انوری ابیوردی / قرن ششم)

دید مرا گرفته لب، آتش پارسی ز تب نطق من آب تازیان برده به نکته دری

(خاقانی شروانی / قرن ششم)

«ارثنگ، کتاب اشکال مانی بود و اندر لغت دری همین یک ثاء دیده ام، که آمده است»

(اسدی طوسی)

«دری» به کسر دال (به فتح دال هم می‌گویند): و معنای دقیق آن، زبان درباریان «در» مخفف دربار یا درگاه است و به زبان فارسی معاصر اطلاق می‌شود.

(دایرة المعارف اسلامی)

دو دیگر در مورد اطلاق «پارسی» به زبان مورد بحث

بسی رنج بردم درین سال سی	عجم زنده کردم بدین پارسی
(فردوسی / قرن چهارم)	
زبان پارسی را می‌ندانست	سخن‌ها فهم کردن کی توانست
(شیخ عطار / قرن ششم)	
پارسی گوئیم، هین تازی بهل	هندوی آن ترک باش ازجان و دل
(مولانا / قرن هفتم)	
خوبان پارسی گو بخشنده‌گان عمرند	ساقی بده بشارت، رندان پارسا را
(حافظ / قرن هشتم)	

با نظر داشت موارد یادشده، ما به این تصنیف علمی دست می‌یابیم که زبان رایج در افغانستان، تاجیکستان، ایران و بعضی مناطق دیگر دنیا، سه شاخه یا سه لهجه از یک زبان واحد یعنی زبان فارسی دری است، نه سه زبان جداگانه. همان‌گونه که زبان عربی در همه کشورهای عربی در عراق، سوریه، اردن، فلسطین، مصر، کشورهای شمال آفریقا، عربستان سعودی و یمن، همان زبان عربی است. یا زبان انگلیسی که در همه جهان زبان واحد انگلیسی است و نام بومی به خود نگرفته، زبان فارسی دری نیز همان یک زبان است.

بخوانیم و بدانیم

۱. به گواهی تاریخ، زبان دری، که پیشینه‌ی در حدود دوهزار سال دارد، در سرزمین ما و در همین زادگاه زبان‌های دیگر خانواده‌ی هندوآریایی پا به عرصه وجود نهاده است.
۲. به یک نظر در اصل کلمه دری، «دهاری» بوده و «دهار» نام اصلی سرزمینی است که ما امروز آن را به نام «تخار» می‌شناسیم. «تخار» تعریف شده از کلمه «دهار» است. زبان این سرزمین هم در نخست «دهاری»، سپس «دهری» و سرانجام «دری» شده است.
۳. در حدود (۲۰۰) میلیون تن به زبان فارسی دری سخن می‌گویند.
۴. زبان رایج در افغانستان، تاجیکستان و ایران، سه شاخه یا سه لهجه از یک زبان واحد یعنی زبان فارسی دری است، نه سه زبان جداگانه.

• آدرس نویسی روی پاکت مراسلات خارجی

نوشتن آدرس در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، برخلاف زبان دری است؛ یعنی همیشه باید از موارد کوچک شروع شده و به طرف موارد بزرگ رفت. به ترتیب زیر:

۱. نام و نام خانوادگی گیرنده
۲. شماره منزل
۳. نام یا شماره عمارت
۴. نام یا شماره کوچه
۵. شماره سرک
۶. نام روستا
۷. نام شهر
۸. نام ایالت یا ولایت
۹. کود پستی
۱۰. نام کشور.

From:	محل نصب تک پستی
افغانستان- ننگرهار، چوک‌تلاشی، منزل شماره ۴۲، عبدالکریم سرخ رودی Afghanistan	To: Mrs. Kim Jennifer 1066 - 22 Lawrence St. Scarborough, Ontario M7X 3K8 Canada

تفصیلات

۱. اگر نامه به کشور دیگری فرستاده می‌شود، که ترتیب نوشتاری آن کشور از چپ به راست است، در آن صورت آدرس فرستنده مطابق قاعده دری نوشته شده و آدرس گیرنده مطابق به قاعده زبان‌های چپ به راست نوشته می‌شود.

۲. جاهای نوشتن آدرس فرستنده و گیرنده روی پاکت، تغییر نمی‌یابد؛ یعنی آدرس فرستنده در سمت چپ، کنار بالایی پاکت نوشته می‌شود و آدرس گیرنده در سمت راست، کنار پایینی آن. ۳. بهتر است در پایین آدرس فرستنده، کلمه Afghanistan را با حروف لاتین بنویسیم؛ زیرا اگر گیرنده نامه در آن کشور پیدا نشود، شرکت پستی کشور خارجی به آسانی بداند که این نامه را به کدام کشور مسترد نماید و از مفقود شدن آن جلوگیری به عمل آید.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان درمورد مفهوم کلی درس باهم گفتگو نموده، نکات اساسی آن را یادداشت کنند؛ سپس چند تن شان، در این مورد دو دو دقیقه در برابر صنف صحبت کنند.
۲. دوتن از شاگردان تصویر یک نامهٔ مراسلات خارجی را روی تخته رسم نموده یک تن شان آدرس گیرنده و دومی آدرس فرستنده را با رعایت تمام موارد آن نوشته به دیگران شرح دهند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «فردوسی و زبان دری» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



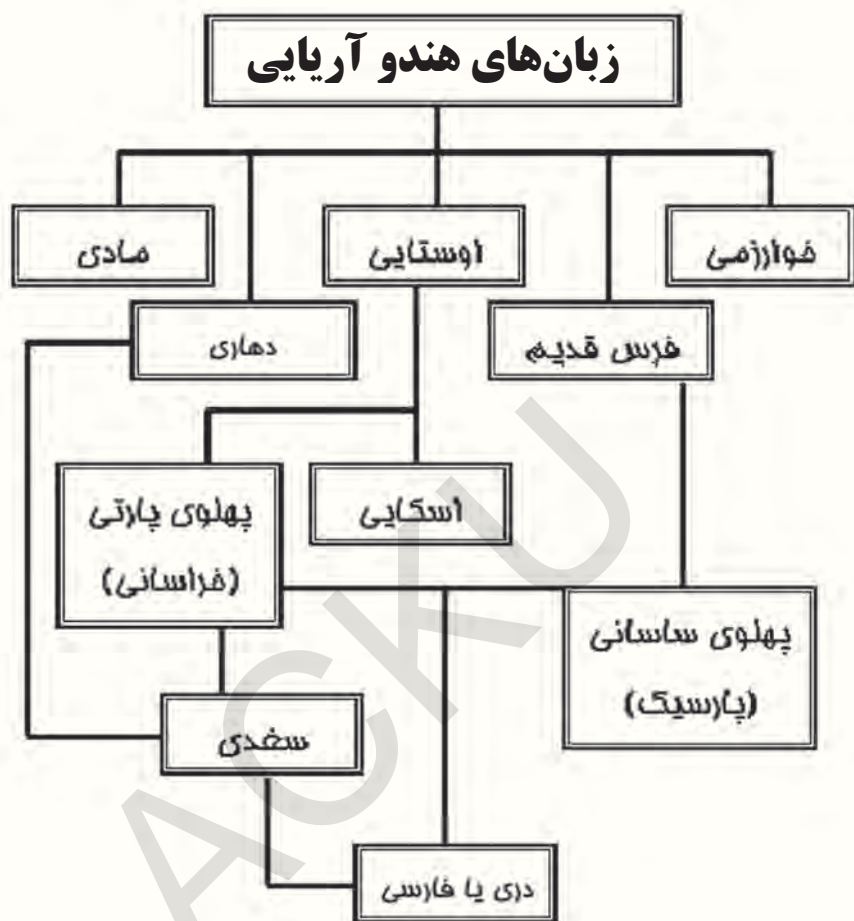


۱. زبان دری یا فارسی مربوط به کدام خانوادهٔ زبانی بوده و در کجا به میان آمده است؟
۲. چرا این زبان را به نام‌های دری و فارسی یاد می‌کنند؟
۳. این زبان در کدام مناطق جهان، چه تعداد گوینده دارد؟
۴. آیا زبان رایج در افغانستان، تاجیکستان و ایران، سه زبان جداگانه است؟ چرا؟
۵. نوشتن آدرس یا نشانی در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، روی پاکت مراسلات خارجی چگونه باید باشد؟
۶. چرا نوشتن کلمه Afghanistan با حروف لاتین روی پاکت مراسلات خارجی ضروری است؟

کارخانه‌گی



۱. به رویت جدول پایین، چگونه‌گی پیدایش زبان دری را در چند سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
یکیست ترکی و تازی در این معامله «حافظ»
حدیث عشق بیان کن بدان زبان که تو دانی
۳. متن کامل درس سیزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جویباری پرسش‌های زیر باشد:
۱. نقش زنان در ادبیات از چه زمان آغاز گردید؟
 ۲. نخستین داستان نویس زن کی بود؟
 ۳. چه عواملی باعث کمرنگ بودن حضور زنان در عرصه ادبیات شده بود؟
 ۴. نام چند تن از زنان شاعر معاصر را به یاد دارید؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

نقش زنان در ادبیات معاصر دری افغانستان

نقش زنان در ادبیات ما با نام «رابعه بلخی» آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متمادی، با نام دیگر زنان سخنور کمتر برمیخوریم. شاید همزمان با او و پس از او زنان سخنور دیگری هم بوده اند؛ اما نظر به دلایل گوناگون، نام آن‌ها ثبت تاریخ ادبیات نگردیده است؛ تنها در اواخر قرن نوزدهم و آغاز قرن بیستم است که جسته و گریخته، نام چند شاعر زن؛ مانند: عایشه درانی، آمنه فدوی، محبوبه هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم، که ناچیز بودن تعداد این نام‌ها نیز وابسته به اوضاع و شرایط آن روزگار می‌تواند باشد.

در آن دوره زمانی، محدودیت‌های اجتماعی، خانوادگی، تحصیلی و شغلی، فضا را برای ابتکارات زنان تنگ می‌کرد؛ زنان یا چنان گرفتار امور خانه بودند که نمی‌توانستند کارهایی را که توانایی آن را داشتند، به انجام برسانند و یا هنوز در اندیشه پرداختن به ادبیات نیفتاده بودند. برخی هم که می‌نوشتند، موجودیت خود را پشت نام‌های مستعار پنهان می‌کردند. فضا چنان بود که آنان به نوشتن ترغیب نمی‌شدند؛ زیرا امکانی برای نشر آثار خود نمی‌دیدند. زنان در آن دوره هنوز امکان گشایش درهای مراکز ادبی را به روی خود نیافته بودند و شرکت آنان در جنبش ادبی، بسته‌گی به موقعیتی داشت که در جامعه به دست می‌آوردند.

در اوایل سده بیستم میلادی، گروه کوچکی از زنان تحصیل کرده که در راه به دست آوردن کمترین امکانات با مخالفت‌ها و تهدیدهای بسیار رو به رو می‌شدند، آغاز به گشودن مکاتب دخترانه و تدریس کردند، کانون‌های زنان را بنیاد نهادند و مجله‌های ویژه خود را منتشر کردند.

نخستین بار در زمان سلطنت امان‌الله خان بود که دختران و زنان در تاریخ شکل‌گیری و انکشاف معارف عصری افغانستان، وارد این عرصه شدند. اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۲۹۹ هـ.ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا تشکیل شد؛ سپس در سال ۱۳۰۲ هـ.ش. مکتب مستورات در شهرآرای کابل گشایش یافت. به روایت دیگر: نخستین بار به تاریخ ۱۹ جدی ۱۳۰۰ هـ.ش. در قسمتی از پارک زرنگار شهر کابل، که در آن وقت «بوستانسرا» نامیده می‌شد، به کمک یک عده زنان منور شهر و رهبری ملکه ثریا، «مکتب مستورات» گشایش یافت. دخترانی که در خانه به طور خصوصی تحصیل کرده بودند، به صنوف بالاتر و دیگران به صنوف پایین‌تر شامل درس شدند و بعد از مدتی یک تعداد آن‌ها برای تحصیلات عالی به ترکیه، آلمان و فرانسه اعزام گردیدند. در همین سال با تلاش و ابتکار ملکه ثریا، مجله و ویژه زنان به نام «ارشادالنسوان» تأسیس یافت. مکتب مستورات که بعداً در سال ۱۳۳۱ به لیسه ملالی تغییر نام داد، از آغاز تا امروز در تنویر افکار زنان افغان نقش شایسته‌یی را ایفا کرده است. تا آنجا که حتی بسیاری از زنان آگاه، منور، شاعر و نویسنده معاصر از همین مکتب فارغ شده‌اند.

در اواسط سده بیستم بود که با پیدایش کانون‌های آموزشی جدید و برخورداری زنان از فرصت‌های آموزشی همسان با مردان و پدید آمدن نشریات ویژه شان، ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت، و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.

خوشبختانه ما امروز شاهد زنان بسیاری هستیم که در عرصه ادبیات امتیازات چشمگیری به دست آورده و از اعتبار و موقعیتی بسیار خوبی برخوردار گردیده‌اند و تقریباً همدوش و همراه با مردان افغان در مراکز علمی، فرهنگی، هنری، اقتصادی، سیاسی و... حضور فعال دارند. نه تنها در عرصه شعر و شاعری نام‌های ماندگاری را می‌بینیم که ما را به آینده امیدوارتر می‌سازد؛ بلکه در عرصه داستان‌نویسی هم چهره‌های درخشانی عرض وجود کرده‌اند.

داستان‌نویسی

ادبیات داستانی افغانستان از زمان شکل‌گیری آن به شکل نو و سبک‌های رایج ادبی این صد سال اخیر، به سال ۱۳۰۰ هـ.ش. برمی‌گردد، که از آن زمان تا کنون فراز و فرودهای بسیاری در پیوند با تغییر نظام‌های سیاسی و متعاقب آن تغییرات اجتماعی، فرهنگی و مدنی کشور داشته است. با نوشته شدن داستان «جهاد اکبر» در سال {۱۳۰۰ هـ.ش.} و چاپ آن در مجله معارف، داستان‌نویسی ظهور خود را در افغانستان آشکار، و تا سال {۱۳۳۰ هـ.ش.} گهگاه به صورت تک جرقه‌هایی در مطبوعات، چهره‌نمایی کرد. پس از پایان دهه بیست و

آغاز دهه سی، آهسته آهسته داستان با شیوه نسبتاً جدید در مطبوعات جا باز نمود. با توجه به حرکت زمان و اوضاع جهانی، از دهه چهل تاکنون با تمام دشواری‌های سیاسی و اجتماعی اوضاع افغانستان، داستان به رشد و بالندگی خود ادامه داده است.

زنان از دهه چهل بدینسو، مجدانه به ادبیات داستانی روی آورده و در این عرصه قلم زده اند. نخستین داستانی که توسط یک نویسنده زن (خانم ماگه رحمانی) نوشته شده بود، در سال ۱۳۴۰ هـ.ش. انتشار یافت؛ پس از آن داستان‌های دیگری از نویسندگان زن به وجود آمد که بسیاری از آن‌ها در داخل و خارج از مرزهای کشور منتشر شد، که این روند همچنین تا هنوز ادامه دارد.

بخوانیم و بدانیم

۱. نقش زنان در ادبیات ما با نام «رابعه بلخی» آغاز می‌یابد که پس از او تا سده‌های متمادی، با نام دیگر زنان سخنور کمتر برمی‌خوریم.
۲. در اواخر قرن نهم و آغاز قرن بیستم، نام چند شاعر زن دیگر؛ مانند: عایشه درانی، آمنه فدوی، محبوه هروی و مخفی بدخشی را در اوراق برخی از کتاب‌ها می‌بینیم.
۳. اولین مکتب ابتدایی دختران در سال ۱۲۹۹ هـ.ش. به نام «مکتب عصمت» توسط ملکه ثریا تشکیل شد. و در ۱۹ جدی ۱۳۰۰ هـ.ش. مکتب مستورات در شهر آرای کابل گشایش یافت.
۴. در اواسط سده بیستم بود که ورود زنان به تدریج در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت، و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد.



• کلمات عنوانی و کلمات پایانی

معمولاً نامه‌ها با خطاب آغاز می‌شوند. در خطاب، نویسنده باید شأن و مقام مخاطب و وضع و موقعیت او را به کاربرد و از کلمات درخور و مناسب در نظر بگیرد. همین کلمات

و واژه‌های احترامی‌بی را که در آغاز نامه به مثابه خطاب می‌آیند، به نام کلمه عنوانی یاد می‌کنند. همچنان کلمات احترامی‌بی که پس از تمام شدن متن نامه، در پایان نامه می‌آیند، کلمه‌های پایانی نام دارند.

کلمات عنوانی و کلمات پایانی هر یک بار عاطفی خاصی دارند، که اگر هریک از آنها در جای مناسب خویش به کار نرود، یا خنده دار خواهد بود و یا توهین به گیرنده نامه تلقی می‌شود و او را ناراحت می‌کند؛ پس باید از درست بودن آن کاملاً اطمینان حاصل کرد.

۱. در نامه‌های خانواده‌گی: پدر گرامی و گرانقدرم، پدر مهربانم، مادر عزیز و مهربانم، مادر شیرینتر از جانم، پدر بزرگوارم، فرزند عزیزم، دختر نازنینم، فرزند گرامی‌ام.

۲. در نامه‌های دوستانه: دوست گرامیم، رفیق شفیقم، دوست بسیار عزیزم، دوست گرانقدرم.

۳. در نامه‌های اداری: محترم رئیس جمهور...، محترم وزیر...، رئیس محترم اداره...، محترم رئیس محکمه...، جناب محترم مدیر...، به مقام محترم ولایت...، استاد معظم جناب (تخلص)، جناب محترم معاون اداری ریاست....

کلمات پایانی

همان‌گونه که ذکر شد، در پایان نامه پس از تمام شدن متن و قبل از امضا یا نوشتن نام، لازم است چند کلمه‌یی که حاکی از احترام یا محبت نسبت به مخاطب نامه باشد، ذکر شود، که همین کلمه‌ها را به نام کلمه‌های پایانی یاد می‌کنند. کلمه‌های پایانی را؛ مانند: کلمات عنوانی، مناسب با مقام و سن و شخصیت مخاطب باید نوشت. جای نوشتن کلمه پایانی معمولاً یک سطر پایین‌تر از متن و سمت چپ آخرین سطر آن است. در زیر برخی از کلمات پایانی را نام می‌بریم.

۱. در نامه‌های خانواده‌گی: به امید دیدار، آرزومند سلامتی شما، به امید نامه‌های پرمحبت شما.

۲. در نامه‌های اداری: با تقدیم شایسته‌ترین احترامات، سپاسگزارم، با تشکر و سپاس فراوان، با عرض احترام.

۳. در نامه‌های دوستانه: دوستدار تو، به امید دیدار، آرزومند دیدار تو، آرزومند خوشبختی تو، ارادتمندت، دوست همیشه به یادت.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد «راه‌های رشد داستان‌نویسی زنان» باهم گفتگو کرده، نکات پیشنهادی خود را در ورقه‌یی یادداشت کنند؛ سپس یک تن شان در مورد آن به سخنرانی بپردازد.
۲. شاگردان به دو گروه تقسیم شده، گروه اول در مورد «ویژه‌گی‌های آثار ادبی مردان» و گروه دوم در مورد «ویژه‌گی‌های آثار ادبی زنان» باهم به گفتگو پرداخته، نکات مورد نظر را یادداشت نموده بعد یک تن از هر گروه در برابر صنف قرار گرفته در مورد آن صحبت کند.

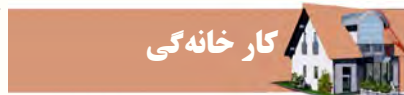
املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را باموضوع «زنان و دانش‌های نوین» ارتباط داده، در مورد آن متنی بنویسید.





۱. نقش زنان در ادبیات ما از کدام زمان آغاز یافته است؟
۲. در آغاز قرن بیستم، نام کدام شاعران زن در ادبیات ما درخشیده است؟
۳. کدام عوامل باعث شده است که در گذشته‌ها، زنان به کارهای ادبی نپرداخته و در عصر کنونی در این عرصه بدرخشند؟
۴. نخستین مکتب ابتدایی دختران در افغانستان، در کدام زمان، با چه نام و توسط چه کسی افتتاح گردید؟
۵. در کدام زمان، ورود زنان در عرصه فعالیت‌های فرهنگی آغاز یافت، و شخصیت زن در آثار ادبی نقش بارزتری پیدا کرد؟
۶. کلمات عنوانی و کلمات پایانی را تعریف کرده برای هریک آن مثال‌هایی ارائه کنید.



۱. در مورد «راه‌های رشد داستان‌نویسی زنان» متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
 زنی که گوهر تعلیم و تربیت نخرید فروخت گوهر عمر عزیز را ارزان
 برای گردن و دست زن نکو «پروین» سزاست گوهر دانش، نه گوهر الوان
 پروین اعتصامی
۳. متن کامل درس چهاردهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریح‌اتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. علامه صلاح‌الدین سلجوقی که بود؟
 ۲. او به کدام علوم و فنون دسترسی داشت؟
 ۳. او کدام زبان‌ها را در کجا فراگرفت؟
 ۴. علامه سلجوقی را با چه کسانی همپایه دانسته‌اند؟
 ۵. شما او را چگونه شخصیتی یافتید؟ در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

علامه صلاح‌الدین سلجوقی

علامه صلاح‌الدین سلجوقی در سال ۱۲۷۵ هـ.ش. در کنار قلعه اختیارالدین در شهر هرات تولد یافت. پدرش مفتی سراج‌الدین نام داشت. خانواده سلجوقی همه از اهل علم و معرفت بودند. آن گونه که خود نوشته است: «من در هرات از یک عایله‌یی که تا یاد می‌دهند علمای معقول و منقول بوده‌اند، به وجود آمده‌ام.»

او نخستین آموزش‌ها را از پدر دانشمند خویش فرا گرفته و تا سن بیست ساله‌گی با علوم عربی کاملاً آشنا شده بود. بعد به مدرسه سلجوقیان هرات رفت و علوم مروجۀ آن زمان را آموخت. به پاکستان و هند و عربستان سفر کرد و زبان‌های اردو، عربی و انگلیسی را آموخت؛ سپس جهت انجام خدمات بیشتر به امور رسمی روی آورد.

استاد صلاح‌الدین سلجوقی به عنوان یکی از نخبه‌ترین شخصیت علمی و فلسفی معاصر جامعه ما کسی بود که هم‌روزگاران او را به عنوان ادیب، شاعر، منتقد، فقیه، محدث، مفسر، نویسنده، دیپلمات، مبلغ و استاد پرآوازه فلسفه، تصوف، الهیات و ماوراءالطبیعه و در هند، پاکستان، ایران و کشورهای عربی او را به عنوان دانشمند بزرگ و علامه می‌شناختند. استاد علی اصغر حکمت، دانشمند بزرگ ایران، که در استالف چند ساعتی با استاد سلجوقی نشسته بود، می‌نویسد که خودش را در برابر مرد دانشمند بزرگی می‌بیند که یادی از فارابی و ابن رشد می‌دهد.

استاد سلجوقی یگانه دانشمندی از عجمیان بود که به‌صورت استثنایی در «مجمع لغوی مصر» به عضویت پذیرفته شد. مقامی که بسیاری از عرب‌ها را در آن مقام راهی نیست و سلجوقی یگانه عضو از کشورهای غیرعربی زبان، در آن مجمع لغوی پذیرفته شد؛ برخی از

صاحب‌نظران او را همپایه با مولانا جامی و اناتول فرانس (نویسندهٔ فرانسوی) دانسته اند. استاد سلجوقی وظایف رسمی گوناگونی را تجربه کرده است. مفتی محکمه هرات، مدیر معارف و مدیر جریدهٔ اتفاق اسلام، استاد منطق و ادبیات در لیسهٔ امانی کابل، معلم ادبیات لیسه‌های حبیبیه و استقلال کابل، منشی دارالتحریرشاهی، رئیس مستقل مطبوعات، وکیل مردم هرات در هفتمین دور شورای ملی و سفیر افغانستان در مصر.

بالاخره این دانشمند بزرگ، فیلسوف والامقام و استاد ادب و فلسفه و الهیات در ماه جوزای سال ۱۳۴۹هـ.ش. پدرود حیات گفت و در شهدای صالحین به خاک سپرده شد. استاد صلاح الدین سلجوقی، کتاب‌ها، رساله‌ها و مقالات فراوانی در زمینه‌های فلسفه، اخلاق، سیاست، ادب، هنر، الهیات و علوم اجتماعی به زبان‌های دری و عربی تألیف کرده است، که مشهورترین آن‌ها «تجلی خدا در آفاق و انفس» عنوان دارد. بقیه آثار او به شرح زیر است:

۱. افکارشاعر ۲. نگاهی به زیبایی ۳. مقدمهٔ علم اخلاق ۴. ترجمهٔ اخلاق نیکوماسی ارسطو
۵. جبریه ۶. نقد بیدل ۷. تقویم انسان ۸. ترجمهٔ کتاب محمد ﷺ در شیرخواره‌گی و خرد سالی ۹. افسانهٔ فردا ۱۰. تهذیب‌الاخلاق و چندین کتاب دیگر به زبان عربی.

نمونه‌یی از نثر کتاب «تجلی خدا در آفاق و انفس»

وقتی که چشم‌های خود را به سوی آسمان بگماریم، باید شگفت و بلکه دهشت زیادی بر ما چیره شود؛ زیرا این نجوم و کواکب بی‌شماری که در آن شناوری دارند، تابع نظام دقیقی هستند که از آن به قدر سرسوزنی هم تجاوز نمی‌کنند. هر چند که هزاران شب و روز و بلکه فصل‌ها و سال‌ها و قرن‌ها بر ایشان بگذرد، این‌ها در مدارها و فلک‌های خود چنان با نظام دقیقی می‌چرخند که ما می‌توانیم خسوف و کسوفی را که بعد از قرن‌های زیادی عملی می‌شود، پیش‌بینی کنیم و از زمان وقوع آن‌ها خبر بدهیم.

اگر این ستاره‌گان برای خود نظام پایداری نداشته باشند و تابع قوانین معینی نباشند، پس آیا ممکن است که انسان به آن‌ها تکیه کند و به هدایت ایشان در صحراها و دریاها و در فضا راه خود را بجوید؟ هستند کسانی که به وجود خداوند ﷻ و قدرت او بی‌باورند؛ ولی با این هم به این معتقدند که این کرات آسمانی تابع قوانین مبرمی می‌باشند و نظام معینی را پیروی می‌کنند و سیر و حرکت آن‌ها در این فضا از راه انارشی نیست.

حق این است که از قطرهٔ آبی که آن را زیر میکروسکوپ می‌بینیم، تا این ستاره‌گانی که آن‌ها را از خلال تلسکوپ‌های فضایی مشاهده می‌کنیم، به ما دیگر راهی نمی‌ماند، جز این که نظام بدیع و این دقت هرچه تمامتر و این قوانین راکه از تجانس و تشابه سلوک نماینده‌گی می‌کند، تمجید کنیم و آن را به دیدهٔ قدر بنگریم. اگر انسان‌ها به این نکته

اطمینان نمی‌داشتند که قوانینی وجود دارد و ممکن است روزی کشف شود و هم محدود و معین گردد، طبیعی است که عمر خود را در بحث و فحص و تتبع و استقرای آن‌ها به صرف نمی‌رسانند؛ زیرا اگر انسان این اعتقاد و این اطمینان را در نظام کائنات نداشته باشد، غور و تحقیق و بحث او در این باره‌ها عبث و بیهوده خواهد بود. و اگر هر تجربه‌ی مخالف تجربه سابق یعنی تابع تصادف می‌بود، کجا ممکن بود که انسان این پیشرفت موجوده خود را به دست آورد؟

باید در ورای این نظام و این قوانین، خالق متعالی باشد. این را هیچ عقل قبول کرده نمی‌تواند که نظام و قوانینی موجود باشد و در ورای آن آفریننده حکیم و ناظم قدسی و موجد ازلی نباشد. و هر وقت انسان به قانون جدیدی بر می‌خورد، این قانون با صدای بلند اعلان می‌کند: «خداوند خالق من است و انسان بدون پدید آورنده من چیز دیگری نیست.»

وجود خداوند در زنده‌گی روزمره، حقیقتی است که هیچ شکی در آن نیست. حقیقتی که از همه حقایق علمی قویتر است. حقیقتی است که هیچ‌گونه اشتباه و تردیدی در آن راه نمی‌یابد. و با این هم وقتی که ما ستاره‌گان را توصیف می‌کنیم و مدارهای آن‌ها را رسم می‌نماییم و یا این که «آمیب» را بر قطعه‌ی از شیشه ثبت می‌سازیم و صورت آن را می‌گیریم، می‌بینیم که ما نمی‌توانیم از این‌طور دلایل مادی، طوری که لازم است، به وجود خداوند ﷻ برسیم. انسان نمی‌تواند که خدا را بداند و بشناسد تا به او تعالی توجه شخصی نکند و او را نجوید و از راه تجربه خود به او معرفتی حاصل نکند؛ مثلاً: اگر شخصی از دیدن میکروسکوپ انکار کند و نخواهد که «آمیب» را ببیند، در این صورت او می‌تواند که از «آمیب» نیز انکار کند و حتی در باره این که موجودی به نام «آمیب» نیست، مجادله طولانی بکند؛ ولی وقتی که او «آمیب» را دید، در همان دقیقه مجادله او سقوط می‌کند و همچنین است در باره وجود خداوند. انسان ممکن است که در باره وجود خداوند ﷻ مجادله طولانی بکند؛ ولی همین که تجلی او تعالی را دید، در همان لحظه بحث و جدل او از هم می‌پاشد و فوراً به وجود او تعالی تسلیم می‌شود. به شرطی که در این کار به خبرت و تجربه شخصی خود بکوشد. وقتی انسان نخواهد که سر خود را بالا کند و بخواهد به بحث و جدل خود دوام دهد، ممکن است این جدال او خیلی دوام کند و از این است که خداوند ﷻ تنها

در دل‌های کسانی تجلی می‌کند که او را می‌جویند.



* **ابن رشد:** أبو الولید محمد بن أحمد بن رشد الأندلسی القرطبی، یکی از دانشمندان مشهور عالم اسلام است که در علوم طب و فلسفه شهرت جهانی دارد. برعلاوه او در علوم فلک و ریاضیات سرآمد روزگار خود بوده است. وی در سال ۵۲۰ هـ.ق. تولد و در ۵۷۷ هـ.ق. وفات یافته است.

* **مجمع لغوی مصر:** که در عربی آن را به نام «مجمع اللغة العربية» یاد می‌کنند، سازمانی است مشترک میان همه کشورهای عربی زبان، که مرکز آن در مصر قرار دارد. وظیفه آن محافظت از گنجینه‌های زبانی و ادبی، مطابقت بخشی زمینه‌های مختلف زبان با نیازهای عصر حاضر، واژه‌سازی و غنای نمودن زبان عربی با مطالب علمی، ادبی و هنریست.

* **اناتول فرانس:** نویسنده و فیلسوف فرانسوی که در سال ۱۸۴۴ م. تولد یافته و در سال ۱۹۲۴ م. درگذشته است. بیشتر از سی سال عضو مجمع علمی فرانسه بوده و جایزه ادبی نوبل را در سال ۱۹۲۲ م. به دست آورده است. تألیفات او به بسیاری از زبان‌های دنیا ترجمه شده است.

بخوانیم و بدانیم

۱. علامه صلاح‌الدین سلجوقی در سال ۱۲۷۵ هجری شمسی در کنار قلعه اختیارالدین در شهر هرات زاده شد.
۲. سلجوقی تا سن بیست ساله‌گی با علوم عربی کاملاً آشنا شده بود. بعد به مدرسه سلجوقیان هرات رفت و علوم مروجۀ آن زمان را آموخت.
۳. هم‌روزگاران او را به عنوان ادیب، شاعر، منتقد، فقیه، محدث، مفسر، نویسنده، دیپلمات، مبلغ و استاد پرآوازه فلسفه، تصوف، الهیات و ماوراء الطبیعه و در هند، پاکستان، ایران و کشورهای عربی او را به عنوان دانشمند بزرگ و علامه می‌شناختند.
۴. برخی از صاحب‌نظران، سلجوقی را همپایه با مولانا جامی و اناتول فرانس دانسته‌اند.
۵. علامه سلجوقی در ماه جوزای سال ۱۳۴۹ هـ.ش. پدرود حیات گفت و در شهادی صالحین به خاک سپرده شد.
۶. مهم‌ترین آثار علامه سلجوقی افکار شاعر، نگاهی به زیبایی، مقدمه علم اخلاق، تجلی

خدا در آفاق و انفس و محمد ﷺ در شیرخواره گی و خُرد سالی نام دارند.

آیین نامه نگاری

• نامه های اداری (مکتوب ها)

تمام مکاتباتی که در داخل یک ارگان، اداره و سازمان یا خارج از آن ارگان، اداره و یا سازمان دیگری به منظور انجام یافتن کارهای اداری و در شکل و فورم مخصوص همراه با تشریفات اداری مبادله می گردد، نامه اداری نامیده می شود. نامه رسمی اداری به منزله سند اداری است. اسناد اداری تمام سندهایی را می گویند که به امور ارگان، اداره و یا سازمان، همچنین اسناد و سوابقی که به صورت نوشته (مراسلات اداری، دوسیه ها) منقوش (نقشه ها، نمودارها، عکس ها و تصاویر و...) و اسناد صوتی و تصویری ثبت شده (کست ها و سی دی ها) و مانند این ها در هر ارگان، اداره و سازمان به منظور اجرای وظایف اداری رسماً ایجاد، دریافت و یا صادر می گردد.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و شخصیت و کارنامه های علامه سلجوقی را با یکی از نویسنده گان نامدار معاصر افغانستان مقایسه نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر مقابل صنف آمده و نتیجه را به دیگران بگوید.
۲. یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و شرح دهد که برای زنده نگهداشتن یاد و کارنامه های بزرگانی چون علامه سلجوقی، دولت، سازمان های اجتماعی و مردم چه وظیفه دارند و شما چه راه هایی را در این مورد پیشنهاد می کنید؟

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می خواند به صورت املا در کتابچه های تان بنویسید.
۲. تصویر صفحه مقابل را با موضوع «هر اثر، دلالت بر سازنده آن می کند» ارتباط داده، درمورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



خود آزمایی



۱. علامه صلاح‌الدین سلجوقی در کدام سال و در کجا به دنیا آمد؟
۲. مهمترین اثر او کدام است؟ نام ببرید.
۳. نامه‌های اداری به چه چیزی گفته می‌شود؟
۴. علامه سلجوقی بیشتر در عرصه کدام علم کار کرده است؟
۵. «من به خدای این کاینات و پروردگار خود ایمان دارم؛ طوری که آثار قدرت او را در خود و در همه اشیای ماحول خود می‌بینم.» این جمله چه معنی دارد؟
۶. تجلی خدا در آفاق و انفس یعنی چه؟

کارخانه‌گی



۱. با نظر داشت مطالبی که خواندید، نظریه شخصی خودتان را در مورد وجود خداوند عز و جل با ارائه مثال‌ها بیان کنید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
طایر یک بال نتواند فلک پرواز شد بی حضور دل مبر زنهار نام الله را
صائب
۳. متن کامل درس پانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. مسلمانان در تکامل علوم چه نقشی دارند؟
۲. البیرونی چه کارهایی را انجام داد؟
۳. دایرة المعارف جغرافیا توسط چه کسی به میان آمد؟
در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

نقش مسلمانان در تکامل علوم

مسلمانان در طول تاریخ خویش، در روند سیر تکامل علوم نقش بس فعال و ارزنده داشته اند، بسیاری از اختراعات و اکتشافات در عرصه‌های علوم مختلف محصول فکر و تلاش دانشمندان بزرگ جهان اسلام است.
از همین سبب است که امروز می‌بینیم مسلمانان در بسیاری از علوم پذیرفته بشر چه در ساحة علوم انسانی و چه در بخش علوم تجربی یا بنیان‌گذار بوده اند و یا در تدوین، تحول و تکامل آن دانش‌ها سهم بزرگی داشته اند، که اکنون به چند مورد آن اشاره می‌شود:

کیهان‌شناسی و زمین‌شناسی

- «ابوریحان البیرونی» نخستین کسی بود که طریقه ترسیم نقشه‌های جغرافیایی به طریقه استوانه‌یی را ۵۵۰ سال پیشتر از «مرکوری» اختراع کرد.
- البیرونی پس از برهما گپتا (دانشمند هندی) دومین کسی بوده که با الهام از آیت کریمه «كُلُّ فِی فَلْکِ یَسْبُحُونَ» به حرکت انتقالی زمین به شکل علمی آن پی‌برد و آن را به صورت علمی ثابت نمود.
- البیرونی نخستین کسی بوده که دلیل جزر و مد دریاها و رودخانه‌ها را قوه جاذبه مهتاب دانسته است. دانش امروز هم همین نظریه را تأیید می‌کند.
- نخستین کاشف قاره آمریکا البیرونی بوده است. به این دلیل که او با استفاده از اسطرلاب و وسایل دیگر زمین‌شناسی و ستاره‌شناسی، که همه از اختراعات خودش بوده، به وجود یک



قاره دیگر در نیم کره شمالی دیگر پی می برد و وجود این قاره را ضمن هژده سؤالی که برای «ابن سینا» فرستاده، مطرح می کند.

طب و اناتومی

ابن سینا را همه ما می شناسیم؛ نظریات این دانشمند تا امروز به همان قوت خود باقیست و در بسیاری از دانشگاه های جهان تدریس می شود؛ همچنان در علم اناتومی، نخستین بار مسلمان ها بودند که به کالبد شگافی و تشریح علمی و نامگذاری استخوان های هیكل انسان پرداختند. حتی امروز هم می بینیم که بیش از ۳۰ درصد اصطلاحات علم اناتومی، متعلق به زبان عربی است.



روانشناسی

امام ابن قیم الجوزیه، نویسنده دو کتاب مشهور «الروح» و «الجن»، نخستین کسی است که با الهام از آیت قرآنی «يعرف المجرمون بسیماهم» و با نوشتن دوجلد کتاب در همین مورد، اساس علم روانشناسی را گذاشت و بعدها دانشمندان غربی در تکامل آن خدماتی انجام دادند.

در بخش زبان، ادبیات و نشانه های نگارشی

آنچه را که امروز ما به نام های کامه، سمیکولن، شارحه، نداییه و غیره می شناسیم، نخستین بار در زمان حضرت عثمان رضی الله عنه، وقتی قرآن کریم را جمع آوری کردند به منظور این که مسلمان ها در وقت خواندن قرآن، مرتکب اشتباه نشوند، نشانه هایی را به خاطر توقف، مکث کوتاه، مکث دراز، وصل کردن جمله ها و درست خواندن اعراب های قرآن کریم وضع کردند که یا به شکل یک مثلث کوچک بود، یا سه نقطه سر به سر یا یک دایره یا اشکالی مثل این ها، که نمونه های این نشانه ها را می توانیم در قدیمی ترین نسخه های قرآن کریم مشاهده کنیم؛ همچنان ده ها مورد دیگر را می توان نام برد؛ مانند: اختراع الکول که توسط ابوبکر محمد بن زکریای رازی صورت گرفت. در فن معماری اختراع خشت کلید رواق های استوانه یی توسط سنمار صورت گرفت. با اختراع فورمول هایی زیر نام «البواحیر»، توسط مسلمانان، اساس علم هواشناسی گذاشته شد. اختراع ساعت، اختراع واترپمپ بادی و

اساس گذاری فن آبرسانی و بنای کاریزها و... همه توسط مسلمانان صورت گرفت. و بالاخره یکی از برانده‌ترین چهره‌های علمی در دنیای اسلام ریاضی‌دان بزرگ «محمد بن موسی الخوارزمی» بود که برای اولین بار جدول‌های نجومی و جدول‌های مثلثاتی را طرح و تدوین کرد و به کمک ۶۹ دانشمند دیگر، دایرة المعارف جغرافیا را، که در دنیای آن روز برای کشتیرانی بسیار اهمیت داشت، تنظیم و آماده نمود؛ همچنان سلسله اعداد هندی را که امروز به نام سلسله اعداد عربی یاد می‌شود، او برای غرب معرفی کرد. و او بود که اساسات ریاضی و علم الجبر (Algebra) را گذاشت. حتی امروز نام‌های بسیاری در علوم ریاضی تحریف کلمات عربی است؛ مثل «الگوریتم» یا «لوگاریتم» که در اصل همان «الخوارزمی» است. امروز که بشر در عرصه‌های مختلف علوم به پیشرفت‌های چشمگیری نایل آمده و با اختراع هواپیماهای دورپرواز، راکت‌های قاره پیما، سفینه‌های فضایی، اقمار مصنوعی، تلسکوپ‌های فضاگرد و غیره که همه به وسیله کمپیوتر هدایت می‌شوند، از تنگنای زمین به کیهان راه یافته است، دیده می‌شود که اساسات و مقدمات تمامی این پیشرفت‌های که امروز نصیب بشر شده است مرهون زحمات و خدمات این بزرگ مردان می‌باشد. اینجاست که باز همان گفته علامه سیدجمال‌الدین افغانی به یاد می‌آید و از ما می‌خواهد که پیوسته بر گنجینه دانش خویش بیفزاییم و همیشه در تلاش و جستجو باشیم، تا از کاروان دانش‌های بشری عقب نمانیم.



* اسطرلاب: وسیله‌ای است دایروی شکل و ساخته شده از مس. سطح این آله توسط خطوط منظم به قسمت‌های مساوی تقسیم شده و در قسمت‌های مختلف آن ارقام مختلفی نوشته شده است. در وسط سطح آن یک عقربه فلزی نیز قرار دارد. در قسمت‌های مختلف سطح آن نام‌ها و اشکال مختلف برج‌های نجومی به شکل محدب و مقعر قرار گرفته است. مسلمانان نخستین این وسیله را به منظور ردیابی سمت قبله، نقاط انحرافی شهرها و موارد دیگری از قبیل تخمین زدن ارتفاع خورشید و اجرام آسمانی، تعیین مسافت، دریافت نقطه زوال روز و شب و تقسیم‌بندی ساعت‌های آن به کار می‌بردند.



* كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ: جزء آیه مبارکه: «لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ

تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ. آیت ۴۰

/ سورة یس «یعنی: نه خورشید را سزد که به ماه رسد و نه شب بر روز

پیشی جوید و هر کدام در سپهر و مدار شناور اند.

* آیه مبارکه: «يَعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ...» آیت ۴۱ / سورة الرحمن» یعنی: تبهکاران از سیمای شان شناخته می‌شوند.

بخوانیم و بدانیم

۱. بسیاری از علوم پذیرفته شده بشر چه در ساحة علوم انسانی و چه در بخش علوم تجربی، یا بنیان‌گذاران اصلی آن مسلمان‌ها بودند و یا در تدوین و تحول و تکامل آن دانش‌ها سهم بزرگی را به دوش کشیدند.
۲. ابوریحان البیرونی نخستین کسی بود که طریقه ترسیم نقشه‌های جغرافیایی به طریقه استوانه‌یی را ۵۵۰ سال پیشتر از "مرکوری" اختراع کرد.
۳. نخستین بار مسلمان‌ها بودند که به کالبد شگافی و تشریح علمی و نام‌گذاری استخوان‌های هیكل انسان پرداختند.
۴. اساس علم هواشناسی با اختراع فورمول‌های «البواخیر»، توسط مسلمانان، گذاشته شد.
۵. نخستین بار محمد بن موسی الخوارزمی جدول‌های نجومی و جدول‌های مثلثاتی را در جهان طرح و تدوین کرد و اساس علوم ریاضی و الجبر را گذاشت.



• انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر شکل

- نامه‌های اداری از نظر شکل، موضوع، ماهیت و چگونگی استفاده و ارسال، به انواع مختلف تقسیم می‌شود که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:
۱. **نامه‌های وارده:** تمام نامه‌هایی است که از خارج اداره، سازمان و یا مؤسسه دریافت شده باشد و در دفترهای اداره یا سازمان، شماریه‌یی وارده به آن تعلق می‌گیرد.
 ۲. **نامه‌های صادره:** نامه‌هایی که از سازمان یا اداره به خارج آن فرستاده می‌شود و شماریه‌یی صادره به آن تعلق می‌گیرد.
 ۳. **نامه‌های محرمانه:** مکاتباتی که دسترسی و اطلاع به مفاد و محتوای آن‌ها برای همه کس مجاز نیست و فقط افراد خاصی در هر اداره و یا سازمان، می‌توانند از متن آن آگاه شوند.

۴. **نامه‌های سَرّی:** نامه‌های سَرّی اسنادی است که افشای آن به امنیت مملکت و مصالح دولت، لطمهٔ بسیاری وارد می‌کند و آن را به خطر می‌اندازد. این گونه نامه‌ها در جاهای مخصوص نگهداری شده و از آن‌ها حفاظت خاص به عمل آید.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد این که چرا نقش مسلمانان امروز در تکامل علوم کمرنگ‌تر از گذشته است، باهم گفتگو کنند، سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.
۲. چند تن از شاگردان، به اساس نوبت، در برابر صنف قرار گرفته نامه‌های سری را شرح دهند و مثال‌های واضح بیاورند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های خویش بنویسید.
۲. این تصویر را (که سیستم تلفون و خبر رسانی در قدیم است) مشاهده کنید و در مورد آن متنی بنویسید که کمتر از هفت سطر نباشد.





۱. اساس علوم ریاضی و الجبر توسط چه کسی گذاشته شد؟
۲. البیرونی چه کارهایی را انجام داد؟
۳. در گفته علامه سیدجمال الدین افغانی چه پیامی نهفته است؟
۴. کُل فی فَلک یَسْبَحُونَ، چه معنی دارد؟
۵. نشانه‌های نگارشی چگونه به میان آمدند؟



۱. در مورد این که چرا نقش مسلمانان امروزی در تکامل علوم کمرنگ‌تر از گذشته است، مقاله‌یی بنویسید که کمتر از ده سطر نباشد.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
جمال و زینت انسان به دانش است و هنر که آدمی شرف از دانش و هنر دارد
تفاوت بشر از جانور به معرفت است جز این چه فخر و فضیلت به جانور دارد
ادیب الممالک فراهانی
۳. متن کامل درس شانزدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. روابط اجتماعی چیست؟
 ۲. چه چیزهایی سبب تقویت روابط اجتماعی می‌شود؟
 ۳. تقویت روابط اجتماعی چه فایده دارد؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

روابط اجتماعی

شکی نیست که زنده‌گی اجتماعی یک ضرورت حتمی و قطعی است و آدمی را گریزی از آن نیست. همین نیرویی که انسان را به زنده‌گی جمعی فرا می‌خواند و همان اهداف و انگیزه‌هایی که پذیرش این زنده‌گی را برای وی تسهیل می‌نماید، آدمی را به برنامه‌ریزی و شکل دادن به روابط بین اعضای جامعه دعوت می‌کند، تا نیل به آن اهداف ممکن گردد و گرنه زنده‌گی جامعه بدون قانون و روابط اجتماعی قانونمند، هرگز مطلوب نیست. از سوی دیگر انسان با سایر موجودات تفاوت اساسی در این جهت دارد که نافع بودن یا مضر بودن انسان برای انسان‌های دیگر وابسته به میل و ارادهٔ اوست.

اگر همهٔ انسان‌ها بخواهند شرایط مساعدی را برای پیشرفت داشته باشند، باید روابط سالمی را پی‌ریزی نمایند، زمانی افراد جامعه می‌توانند روابط سالم داشته باشند که اساس زنده‌گی بر محبت، صفا و صمیمیت استوار باشد. اگر زنده‌گی بر کینه‌توزی، دشمنی، خودخواهی و مکر و حيله بنا شود، انسان‌ها هرگز روز خوشی نخواهند دید.

صید مجنون طینتان بیدام الفت مشکل است هر که بیمار محبت گشت سر تا پا دل است

بیدل (ج)

محبت انسان ریشه در معرفت او به خویشتن دارد. محبت انسان به خود، او را وادار می‌کند که به سوی کمال حرکت کند و نقص را از خود بزدايد. تمام فعالیت‌های افراد بشر در زنده‌گی بر محور عشق و محبت قرار گرفته است. میزان محبت انسان نسبت به دیگران باید متناسب با میزان شایسته‌گی آن‌ها باشد؛ یعنی نمی‌توان همه را به یک اندازه دوست داشت؛ زیرا این عمل به معنای نادیده گرفتن ارزش‌ها و ضایع کردن گوهر محبت است. محبت سرمایه‌یی با ارزش است که نمی‌توان آن را بیهوده به این و آن بخشید؛ بلکه با توجه به نقش محبت در سوق دادن انسان به کمال باید تنها در جایی به کار رود که دل

خود و دیگران را مجذوب کمال کند.

اگر می‌خواهیم معیاری محکم و فراگیر و صحیح در معاشرت داشته باشیم و بدانیم چگونه باید با دیگران رفتار کنیم، باید خود را به جای آن‌ها قرار دهیم و آنگاه طریق رفتار و سلوک خود را به دست آوریم و صحت و نادرستی رفتار خویش را به سنجش گیریم؛ بنابراین آنچه در روابط اجتماعی بعد از شناخت آداب معاشرت و عمل به آن‌ها و احترام به انسان‌های دیگر مهم می‌باشد، این است که آن‌ها را همچون خود ببینیم و در رفتار و کردار و اندیشه نسبت به آن‌ها خود را به جای آن‌ها قرار دهیم و برهمین اساس رفتار اجتماعی خویش را پایه‌گذاری کنیم.

احتمالاً تاکنون با افرادی روبرو شده باشید که خوش برخورد هستند و رفتاری دلپذیر دارند و اگر در بین جمعی از افراد بیگانه قرار گیرند، در زمان کمی با آن‌ها ارتباط برقرار میکنند. این‌گونه افراد معمولاً دوست داشتنی و جذاب هستند و قادر اند افراد را به کارهای دلخواه خود وادار کنند.

یک فرد با روابط اجتماعی خوب منافع زیادی به دست می‌آورد؛ زیرا رفتار چنین فردی سبب می‌شود که او اعتماد و پشتیبانی افراد را به راحتی به دست آورده و اطرافیانش او را به سمت موفقیت سوق دهند. چنین فردی نه تنها از حمایت اطرافیان برخوردار است؛ بلکه خود حامی دیگران است و این چرخه ادامه پیدا می‌کند. او می‌تواند با حمایت افراد مختلف در اجتماع کارهای زیادی انجام دهد؛ زیرا می‌داند چگونه ارتباطات اجتماعی خود را بالا ببرد. اگر شما هم نگاهی به قدرت روابط اجتماعی خود کنید و مهارت‌های ارتباطی خود را شناخته و آن‌ها را تقویت کنید، برای افزایش قابلیت‌های اجتماعی و تبدیل شدن به انسانی شادتر و موفق‌تر باید روی رفتار و زنده‌گی خود یک بازنگری کلی انجام دهید. اگر شما یکی از این افراد (با قدرت روابط اجتماعی بالا) هستید، دلیلی برای عدم موفقیت شما وجود ندارد. فقط باید بدانید از کجا شروع کنید. و برای این کار، نکات زیر را مد نظر داشته باشید:

۱. وقتی در حال تقویت روابط اجتماعی هستید سعی کنید صادق و بی‌ریا عمل کنید.

صداقت و پاکی سبب افزایش توانایی و اعتبار فرد می‌شود؛ چون کسی که نقش بازی می‌کند هرگز نمی‌تواند رفتار شخصی را داشته باشد که از ته دل به دیگران محبت می‌کند.

۲. یکی از مهمترین تمرین‌های خود سازی تمرین «شنونده خوب بودن» است.

برای به دست آوردن محبت و اعتماد افراد، باید شنونده خوبی باشید و با آن‌ها صحبت کنید. با افرادی که صحبت میکنید ارتباط رویاروی با چشم برقرار کنید. طوری به حرف‌های افراد گوش کنید، که گویی هرکلمه از حرف‌های آن‌ها را با دقت می‌شنوید.

۳. قسمت بزرگی از خود سازی، دوست داشتن خود است.

همیشه به خاطر داشته باشید، قبل از هرکسی برای خود ارزش قایل شوید و به خود احترام بگذارید. اگر شما خود را فرد قابل احترام و با ارزشی بدانید، افراد به سمت شما خواهند آمد، نه این که برای اهداف خود بر روی شانه‌های شما پا بگذارند.

۴. شخصیت خود را پرورش دهید.

آیا شما ترشرو و بدخلق هستید؟ با این حال نمی‌توانید وارد زنده‌گی شوید. از شر رفتارها و عادت‌های بد خود را رهایی بخشید؛ چون آن‌ها یکی از بزرگترین موانع پیشرفت شما هستند. چه کسی یک دوست ترشرو و بدخلق می‌خواهد؟

۵. یکی از راه‌های خود سازی، تسلط بر خویشتن است.

زمانی که عصبانی می‌شوید داد و فریاد نکنید. آرام و متین باشید. برای کنترل وضعیت موجود و تبدیل خشم خود به چیزی مولد و مثبت، باید به اندازه کافی پخته باشید.

۶. روابط خود را تقویت کنید.

روابط شما با خانواده و دوستان و افرادی که نقش مهمی در زنده‌گی شما ایفا می‌کنند، نباید مورد غفلت واقع شوند. کارهای دلپذیری را با هم انجام دهید تا زمانی که خانواده، دوستان و افرادی که برای شما اهمیت قایل اند، پشتیبان شما باشند. شادی شما را ترک نخواهد کرد. و در پایان روابط خوب شما با دیگران به شما کمک می‌کند تا توانایی‌های فردی خود را افزایش دهید و در عین حال به عنوان یک فرد دوست‌داشتنی در موقعیت قرار می‌گیرید. البته در جامعه مطرح خواهید شد.



انسان به حیث یک موجود اجتماعی، از آغاز تولد، گرایش‌های اجتماعی از خود نشان می‌دهد. نیاز به کسب حمایت و امنیت دارد که اولین نشانه‌های نیازمندی فرد به عوامل بیرونی است. لبخندی را که در ماه‌های اول زنده‌گی در نوزاد دیده می‌شود، به عنوان اولین ارتباط او با محیط اجتماعی خویش می‌دانند. این لبخند در تمامی نوزادان دیده می‌شود که به نظر می‌رسد، کارکرد عمده آن، جلب توجه اطرافیان و برقراری یک نوع ارتباط ساده با اجتماع است.

بخوانیم و بدانیم

۱. اگر همه انسان‌ها بخواهند شرایط مساعدی را برای پیشرفت داشته باشند، باید روابط سالمی را پی‌ریزی نمایند.
۲. محبت انسان به خود، او را وادار می‌کند که به سوی کمال برود و نقص خود را بزداید.

۳. اگر می‌خواهیم معیاری محکم و فراگیر و صحیح در معاشرت داشته باشیم و بدانیم چگونه باید با دیگران رفتار کنیم، باید خود را به جای آن‌ها قرار دهیم.
۴. یک فرد با روابط اجتماعی خوب منافع زیادی به دست می‌آورد؛ زیرا رفتارچنین فردی سبب می‌شود که اطرافیان او را به سمت موفقیت سوق دهند.
۵. برای افزایش قابلیت‌های اجتماعی و تبدیل شدن به انسانی شادتر و موفقتر باید روی رفتار و زنده‌گی خود یک بازبینی کلی انجام دهید.
۶. وقتی درحال تقویت روابط اجتماعی هستید سعی کنید صادق و بی‌ریا عمل کنید.
۷. یکی از مهمترین تمرین‌های خود سازی تمرین «شنونده خوب بودن» است.



• انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر موضوع و ماهیت

نامه‌های اداری از نظر موضوع به سه دسته تقسیم می‌شوند:

۱. نامه‌های شخصی- اداری: نامه‌هایی که از طرف مردم برای مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و... فرستاده می‌شود. مقصود از این مکاتبات، انجام شدن امور شخصی است.
۲. نامه‌های اداری- شخصی: نامه‌هایی است که از طرف مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادها، سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و... برای اشخاص فرستاده می‌شود.
۳. نامه‌های اداری- اداری: نامه‌هایی که بین قسمت‌ها و اداره‌های مختلف هر وزارتخانه و سازمان‌های دولتی و غیر دولتی مبادله می‌شود.

• انواع نامه‌های اداری (مکتوب‌ها) از نظر ماهیت

نامه‌های اداری از نظر ماهیت کار نیز به گونه‌های سه‌گانه ذیل تقسیم می‌شود:

۱. نامه‌های خبری: این نامه‌ها نتیجه اقدامات انجام کاری را به اطلاع می‌رساند. در واقع، این نامه‌ها شروع یا پایان کاری را به گیرنده اطلاع می‌دهد.
۲. نامه‌های بازدارنده: نامه‌هایی است که از انجام یافتن کار یا بروز حادثه‌یی جلوگیری

می‌کند. این نوع نامه‌ها اقداماتی را که از طریق قسمت اداره یا افرادی شروع شده است یا احتمال انجام شدن دارد، به طور موقت یا دائم متوقف می‌کند.

۳. نامه‌های دستوری یا درخواستی: دستور یا درخواست انجام شدن کار یا نتیجه آن از مراجع رسمی، دستگاه‌های دولتی، نهادهای سازمان‌ها، شرکت‌ها، مؤسسات و یا فرد است.

کار گروهی و سخنرانی

۱. اگر همه انسان‌ها بخواهند شرایط مساعدی را برای ایجاد روابط سالم اجتماعی داشته باشند، جز آنچه در درس خواندیم، دیگر چه چیزهایی را پیشنهاد می‌کنید. شاگردان در این مورد با هم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفرشان به دیگران بیان کند.
۲. شاگردان پیرامون موضوع درس باهم گفتگو کنند و فهرستی از راه‌های دیگر خودسازی را ترتیب دهند؛ سپس چند شاگرد، یک شماره آن را خوانده و با ارائه مثال‌های گوناگون، در برابر صنف شرح دهند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. موضوع «روابط اجتماعی» را عنوان قرار داده، متنی هفت سطری در کتابچه‌های خود بنویسید.



۱. برای افزایش قابلیت‌های اجتماعی و تبدیل شدن به انسانی شاد و موفق چه باید کرد؟
۲. مهمترین تمرین‌های خودسازی را صرف نام ببرید.
۳. نامه‌های شخصی و اداری را تعریف کنید.
۴. بر تمرین‌های خودسازی، شما دیگر چه چیزهایی را علاوه می‌کنید؟
۵. چه نوع نامه‌ها می‌توانند بیشتر در تقویت روابط اجتماعی مؤثر باشند؟ به چه دلیل؟



۱. نظریات شخصی خود را در مورد بهبود روابط فرد با اجتماع، طی ده سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

گر ز بی‌سرمایه‌گی دستت ز سیم و زر تهیست

می‌توان تسخیر دل‌ها کرد با خُلق حَسَن

«صائب»

۳. متن کامل درس هفدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. واژهٔ علم چه معنایی را افاده می‌کند؟
 ۲. چرا انسان باید علم آموز باشد؟
 ۳. چرا دین مقدس اسلام همیشه پیروان خویش را به فراگیری دانش تشویق و ترغیب نموده است؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

علم و عقل

خاتم ملک سلیمان است علم	جمله عالم صورت و جان است علم
آدم خاکی زحق آموخت علم	تا به هفتم آسمان افروخت علم
هین مکش بهر هوا آن بار علم	تا ببینی در درون انبار علم ^(۱)
تاکه بر رهوار علم آیی سوار	بعد از آن افتد ترا از دوش بار
علم‌های اهل دل حمال شان	علم‌های اهل تن اَحمال شان
علم چون بر دل زند یاری شود	علم چون برتن زند ماری شود
علم دریاییست بی‌حد و کنار	طالب علم است غواص بحار
صیقل عقلت بدان داده است حق	که بدو روشن کنی دل را ورق
گفت پیغمبر که احمق هر که است	او عدوی ما و غول و رهنز است
هر که او عاقل بود او جان ماست	رُوح او و رُوح او ریحان ماست
آفت مرغ است چشم کام‌بین	مخلص مرغ است عقل دام‌بین

عقل خود با عقل یاری یارکن

«امرهم شوری» بخوان و کارکن

مولانا جلال‌الدین محمد بلخی

* علم: در لغت، دانش، معرفت، آگاهی و یقین را گویند. دین مقدس اسلام همیشه پیروان خویش را به فراگیری دانش تشویق و ترغیب نموده است؛ چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ... سورة الزمر/ آیت ۹» یعنی: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟ همچنان پیامبر اکرم ﷺ در حدیثی می‌فرماید: «طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ» یعنی: طلب علم (دانش) بر همهٔ مسلمانان فرض است. به همین گونه امام شافعی (رح) می‌فرماید: «العلم علمان، علم الأبدان و علم الأديان». یعنی: دانش دوگونه است: ۱. دانش بدن‌ها (یعنی دانشی که مربوط به آسایش آفرینی جسم‌ها و بدن‌ها می‌شود؛ مانند: طب، ساینس، کیمیا، فزیک و...) ۲. دانش دین‌ها (یعنی دانشی که مربوط به تاریخ ادیان، ضرورت ادیان، پیدایش ادیان و بالآخره منطق، اخلاق و...) پس با نظر داشت همهٔ این موارد، دیده می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ حکم به مطلق علم کرده و در تعیین نوعیت علم هیچ‌گونه قیدی را وارد نساخته است. پس نتیجه می‌گیریم که یک مسلمان باید تا حد امکان و توان بشری، همهٔ علوم اعم از علوم دین، فلسفه، اخلاق، ادبیات، ساینس، طب، نجوم، فزیک، کیمیا، بیولوژی و... را بیاموزد؛ تا جامعهٔ اسلامی از قوت لازم برخوردار گردیده و در مقابل غیرمسلمانان احساس عجز و ناتوانی نکند. لذا با نظر داشت این که پیامبر گرامی ما ﷺ حکم به مطلق علم کرده است،

* امرهم شوری: اشاره به کل آیهٔ مبارکه «وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَى بَيْنَهُمْ... سورة شوری / آیت ۳۸» یعنی: و کسانی که [ندای] پروردگارشان را پاسخ

[مثبت] داده و نماز برپا کرده اند و کارشان در میانشان مشورت است....

* آدم خاکی زحق آموخت علم: اشاره به آیهٔ مبارکه: «وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ. سورة البقره/ آیت ۳۱» یعنی: و [خدا] همه [معانی] نام‌ها را به آدم آموخت سپس آن‌ها را بر فرشتگان عرضه نمود و فرمود اگر راست می‌گویید از اسامی این‌ها به من خبر دهید.

بخوانیم و بدانیم

۱. آدم علیه السلام نخستین بار، علم را با فرا گرفتن اسما، از خداوند جل جلاله آموخت.
۲. مشورت کردن در هر امری، یک اصل پذیرفته شده اسلامی است.
۳. یک مسلمان باید تا حد امکان و توان بشری، همه علوم اعم از علوم دین، فلسفه، اخلاق، ادبیات، ساینس، طب، نجوم، فزیک، کیمیا، بیولوژی و... را بیاموزد.
۴. نظر به فرموده خداوند جل جلاله، یک انسان دانا و یک انسان نادان هیچ گاه باهم برابر نیستند.
۵. اگر انسان، دانش و خرد را باهم یکجا سازد، در دنیا و آخرت سعادتمند می شود.



- **پیشنهاد:** پیشنهاد نیز نوع دیگری از نامه های اداریست. این نوع نامه، که آن خود نیز دارای شکل و چوکات ویژه می باشد، در ادارات کشور ما معمول است. پیشنهاد وقتی به کار گرفته می شود که کسی از مقامات پایین رتبه از آمر خویش درخواست می کند، دستور اجرا، ممانعت، پیگیری و... کاری را صادر نماید؛ تا این مقام پایین رتبه نظر به دستور کتبی آمر خویش و به رویت این ورقه، در مورد موضوع مربوط اقدام لازم نماید.

بخش های اصلی پیشنهاد نیز عیناً مانند مکتوب اداری بوده و قابل رعایت می باشد؛ با تفاوت این که پیشنهاد دارای جدول بوده، تمام مقتضیات پیشنهاد در میان خانه سمت راست نوشته می شود و خانه سمت چپ جدول به منظور نوشتن دستور مقام بالایی، سفید گذاشته می شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد معنی و مفهوم بیت زیر باهم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفرشان، با ارائه مثال ها، به دیگران انتقال دهد.
- تاکه بر رهوار علم آیی سوار

- بعد از آن افتد ترا از دوش بار
 ۲. می‌گویند، علم ثروت است. چند تن از شاگردان در این مورد سخنرانی نموده و مفهوم این جمله را با ارائهٔ مثال‌های گوناگون، شرح دهند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان به صورت املا بنویسید.
 ۲. این تصویر را با موضوع «ضرورت فراگیری دانش» ارتباط داده، درمورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



خود آزمایی



۱. چرا یک انسان دانا و یک انسان نادان باهم برابر نیستند؟
 ۲. چرا یک مسلمان باید از همهٔ علوم بهره داشته باشد؟
 ۳. مفهوم حدیث پیامبر ﷺ که گفته است: «طلب العلم فريضة على كل مسلم» چیست؟
 ۴. پیشنهاد چگونه نامه را گویند؟

کارخانه‌گی



۱. شرح این بیت را با ارائهٔ مثال‌های گوناگون در کتابچه‌های تان بنویسید.
 علم چون بردل زند یاری شود علم چون برتن زند ماری شود
 ۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
 کسی که گنج درون آگند به گوهر علم چه احتیاج به گنجینه و گهر دارد
 کسی که نقد معارف به دل ذخیره کند چه اعتنا به دُر و لعل و سیم و زر دارد
 ۳. متن کامل درس هژدهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

ادیب الممالک فراهانی

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. راز خوشبختی چیست؟
۲. خوشبختی چیست و راه وصول به آن کدام است؟
۳. چه چیزهایی در زنده‌گی می‌تواند دریچه‌های خوشبختی را به روی انسان بگشاید؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

اندرزهای اخلاقی

در این که همه افراد جامعه خواهان سعادت و خوشبختی و بهروزی در زنده‌گی روزمره خود هستند، شکی نیست؛ ولی باید دانست که خوشبختی چیست و راه وصول به آن کدام است؟ بعضی از مردم، راه وصول به سعادت در زنده‌گی را منحصر به جمع‌آوری ثروت زیاد می‌دانند. برخی تنها راه سعادت و خوشبختی را رسیدن به جاه و مقام می‌دانند. گروهی دیگر تنها راه رسیدن به سعادت را تکامل رفتار انسانی و تعالی اخلاق نفسانی معرفی می‌کنند. دسته‌یی تحت فشار و رنج قرار دادن ریاضت و سختی کشیدن جسم انسان را راه صحیح خوشبختی می‌دانند و عقیده دارند چنان باید جسم و بدن را در تنگنا و سختی قرار داد که جسم انسان ضعیف و نحیف شود و روح انسان کامل و بزرگ گردد.

کدام راه و نظریه برای رسیدن به خوشبختی و نیکنامی، راه سعادت است؟ آیا هیچ یک از راه‌های فوق‌الذکر راه اصلی ورود به وادی سعادت نیست؟ آیا چیزی فراتر از این امور مادی، تنها راه ورود به سعادت و خوشبختی می‌تواند باشد؟

آری، راز خوشبختی تنها در پرتو ایمان به خداوند ﷻ و باور کامل به اوست. خدای متعال در قرآن کریم می‌فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^(۱) یعنی: تنها با یاد خدا، قلب‌ها آرام می‌گیرند.

پس از آن پند و اندرزپذیری و حرف‌نیوشی از بزرگان و به کار بستن آن می‌تواند دریچه‌های خوشبختی را به روی انسان بگشاید؛ زیرا پندها و اندرزها حاصل تجربه طولانی بزرگان است و نتیجه یک عمر آگاهی آنان. گاهی یک پند و اندرز معنای یک کتاب کامل از فصل‌های زنده‌گی را در خود نهفته دارد و گاهی دنیایی از فلسفه در یک جمله کوتاه گرد آمده است، که آن جمله کوتاه می‌تواند مسیر زنده‌گی ما را عوض کند. از این‌رو اندرزهایی

۱- جزء آیه ۲۸- سورة رعد پاره ۱۳.

از بزرگان را می‌آوریم.

- سستی در عمل موجب نرسیدن به مطلوب است. (حضرت علی (رض))
- برترین دانش‌ها خدا پرستی است. (بزرگمهر)
- اندیشه دریایی است که مُروارید آن فلسفه و فرزانه گی است. (یحیای برمکی)
- از دو صفت همواره بهره‌یزید، یکی بی‌حوصله گی و دیگری تنبلی، اگر بی‌حوصله باشی بر هیچ حقی صبر نخواهی کرد، و اگر تنبل باشی هیچ حقی را ادا نخواهی کرد. (امام صادق)
- دوستی را که به عمری فراچنگ آرند شاید که به یکدم بیازارند. (سعدی)
- چنان نمای که هستی نه چنان باش که می‌نمایی. (بایزید بسطامی)
- نزدیکترین چیزها مرگ و دورترین چیزها آرزوست. (سقراط)
- نبوغ، جوهر تفکر است. (ژان پل سارتر)
- افراد منطقی خودشان را با دنیا تطبیق می‌دهند. افراد غیر منطقی سعی می‌کنند دنیا را با خودشان تطبیق دهند. (برنارد شاو)
- آنچه هستی‌د شما را بهتر معرفی می‌کند تا آنچه می‌گویید. (بزرگمهر)
- قدر زمان حال را بدانید که گذشته بر نمی‌گردد و آینده شاید نیاید. (گالیله)
- حکمت درختی است که ریشه آن در قلب است و میوه آن در زبان. (بطلمیوس)
- نخستین قانون موفقیت، تمرکز فکری است. (ویلیام ماتیوس)
- پیروزی آن نیست که هرگز نیفتی، آن است که بعد از هر افتادنی برخیزی. (مهاتما گاندی)
- تمایلات خود را میان دو دیوار محکم «اراده» و «عقل» حبس کنید. (ارسطو)
- درباره آدم‌ها از سؤالاتی که می‌پرسند قضاوت کنید، نه از جواب‌هایی که می‌دهند. (ولتر)
- تمام حقایق سه مرحله را پشت سر گذاشته اند: اول، مورد تمسخر واقع شده‌اند. دوم، به شدت با آن‌ها مخالفت شده است. سوم، به عنوان یک چیز بدیهی پذیرفته شده‌اند. (شوپنهاور)
- هر چیزی زیبایی‌ها و خصوصیت خودش را دارد؛ ولی هر کسی نمی‌تواند آن‌ها را ببیند. (کنفوسیوس)
- آنکه پریدن نمی‌داند نباید بر پرتگاه آشیانه بسازد. (نیچه)
- اگر با خونسردی گناهان کوچک را مرتکب شدید، روزی می‌رسد که بدترین گناهان را هم بدون خجالت و پشیمانی مرتکب می‌شوید. (شوپنهاور)
- آن که می‌تواند انجام می‌دهد، آن که نمی‌تواند انتقاد می‌کند. (دیل کارنگی)
- برگرداندن تصاویر آویخته بر دیوار، مسیر تاریخ را عوض نمی‌کند. (نهری)
- شاگردانی که بدون نوآوری همواره سخن استاد خویش را تکرار می‌کنند، هیچ‌گاه برای خود و استاد شان فر و شکوهی به ارمغان نمی‌آورند. (ارد)

- اگر به جای اسلحه با قلم به جنگ دنیا می‌رفتیم، همه دشمنان نابود می‌شدند. (بیسمارک)
- اگر هر شاگرد یک گام از معلم خود پیش نشود، جامعه در رکود باقی می‌ماند.

(پروفسور محمد کبیر)

- آن که نمی‌تواند از خواب خویش برای فراگیری دانش و آگاهی کم کند، توانایی افزودن بر بزرگی و برتری خویش را ندارد. (ارد)
- حافظه گنجینه‌بی است که باید در آن سرمایه‌گذاری کنیم تا بتوانیم کمکی را که به آن نیاز داریم از آن دریافت کنیم. (روو)
- تو در تمام دنیا فقط یک نفر؛ ولی برای بعضی افراد تمام دنیا هستی. (مارکیز)
- برای شب پیری در روز جوانی چراغی باید تهیه کرد. (بلوتارک)



یکی از عوامل عمده بروز مشکلات متعدد در جوامع بشری، نادیده گرفتن و نپرداختن به امور معنوی است. اگر سیر تکاملی پیشرفت و ترقی در جوامع مختلف انسانی، در دو خط موازی مادی و معنوی به پیش می‌رفت، ما امروز در جهان خویش شاهد این همه جنگ، ویرانی، فقر، تعصب، بیماری‌های گوناگون، غارتگری، تفوق طلبی و ده‌ها پدیده شوم دیگر نمی‌بودیم.

بخوانیم و بدانیم

۱. راز خوشبختی تنها در پرتو ایمان الهی و باور کامل به اوست.
۲. پند و اندرزپذیری و حرف‌نیوشی از بزرگان و به کار بستن آن می‌تواند دریچه‌های خوشبختی را به روی انسان بگشاید.
۳. گاهی یک پند و اندرز معنای یک کتاب کامل از فصل‌های زنده‌گی را در خود نهفته دارد.
۴. گاهی دنیایی از فلسفه در یک جمله کوتاه گرد آمده است، که آن جمله کوتاه می‌تواند مسیر زنده‌گی ما را عوض کند.

• طرح نامه‌ها (مکتوب‌های) رسمی دولتی

معمولاً نامه‌های رسمی دولتی از نظر شکلی دارای ساختار ویژه‌ای اند که این طرح و ساختار، نماینده‌گی از رسمی بودن آن‌ها می‌کند. بخش‌های اصلی طرح نامه رسمی دولتی به شرح زیر است:

۱. نشان رسمی دولت (دو سانتی متر پایینتر از کناره بالایی صفحه)
۲. نام کامل دولت و کشور (در سطر اول)
۳. نام عالی‌ترین مقام همان ارگان (وزارت، ریاست مستقل و.... در سطر دوم)
۴. نام ریاست (در سطر سوم)
۵. نام مدیریت (در سطر چهارم)
۶. شماره دفتری (در سطر پنجم)
۷. تاریخ (در سطر ششم)
۸. آدرس و شماره‌های تماس (نیم سانتی متر بالاتر از کناره پایینی صفحه، با خط کوچک)

تفصیلات

۱. در زبان‌هایی که شیوه نوشتاری آن‌ها از راست به چپ است، نشان دولتی در سمت راست صفحه قرار می‌گیرد و در زبان‌هایی که شیوه نوشتاری شان از چپ به راست است، نشان دولتی در سمت چپ صفحه قرار می‌گیرد.
۲. کشورهایی که دارای دو زبان رسمی‌اند، نشان دولتی در وسط صفحه قرار گرفته و موارد دیگر، با هر دو زبان، در دو کنار نشان دولتی نوشته می‌شوند.
۳. برخی از ادارات دولتی دارای نشان خاص خود می‌باشند، که در این صورت، نشان دولتی در جای اصلی خویش قرار می‌گیرد و نشان آن اداره در سمت دیگر صفحه. موارد دیگر، با



هر دو زبان در وسط هردو نشان نوشته می‌شود.

۴. در گذشته‌ها ادارات دولتی ما، نامه‌های مورد نیاز را قبلاً چاپ کرده و در دفاتر نگاه می‌داشتند؛ اما امروز بسیاری از ادارات، یک طرح کامل نامه رسمی را در کمپیوترهای خود ذخیره دارند؛ هنگامی که نامه‌یی نوشتند، یک کاپی آن را گرفته و در روی همان طرح سفید کمپیوتری نصب می‌کنند؛ سپس آن را توسط ماشین چاپ (پرتر) به چاپ رسانیده به مرجع مربوط می‌فرستند.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد «چگونه می‌توانیم خوشبختی را برای فرد، خانواده، جامعه و بالاخره کشور خود فراهم کنیم؟» باهم گفتگو کنند و نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگوید.
۲. چند تن از شاگردان به اساس نوبت در برابر تخته صنف حاضر شده و هر یک شان قسمتی از یک نامه رسمی دولتی را بر روی تخته رسم و نوشته کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. تصور کنید که شما یک کارمند اداره حفظ محیط زیست هستید. پس در باره این تصویر، با نظرداشت قواعدی که خواندید، در کتابچه‌های تان یک نامه رسمی به آمرتان بنویسید.





۱. از درس حاضر چه نتیجه گرفتید؟
۲. نامه رسمی دولتی با نامه خصوصی چه فرق دارد؟
۳. چه چیزی می‌تواند دریچه‌های خوشبختی را به روی انسان بگشاید؟
۴. چرا ما بسیار انتقاد می‌کنیم و خود بدان عمل نمی‌کنیم؟ راه علاج چیست؟
۵. چگونه می‌توانیم خوشبختی را برای فرد، خانواده، جامعه و بالاخره کشور خود فراهم کنیم؟



۱. نتیجه کلی درس را طی چند سطر در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:
ادب آموزان ادیب که او ادب از حضرت خدا آموخت
برکسی خوان سبق که در همه حال سبق از لوح کبریا آموخت
۳. متن کامل درس نهم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. در حکایت زیرین چه پیامی نهفته است؟
۲. کتاب کلیله و دمنه اصلاً در کجا نوشته شده است؟
۳. پیام این حکایت را در زنده گی روزمره در چه مواقعی می‌توان به کار بست؟
۴. چرا حیوانات دیگر اشتر را به دوستی برنگزیدند؟
در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

حکایت

آورده اند که زاغی و گرگی و شگالی در خدمت شیری بودند و مسکن ایشان نزدیک شارع عام بود. شتر بازرگان در آن حوالی بماند و به طلب چراخور در بیشه آمد؛ چون نزدیک شیر رسید، از خدمت و تواضع چاره‌یی ندید. شیر او را استمالت نمود و از حال او استکشاف کرد و گفت عزیمت در مقام و حرکت چیست؟ جواب داد که آنچه رأی ملک فرماید. شیر گفت اگر رغبت نمایی در صحبت من ایمن و مرفه باشی، اشتر شادگشت و در آن بیشه می‌بود تا مدتی بر آن بگذشت.

روزی شیر در طلب شکار می‌گشت. پیلی مست به او در رسید و میان ایشان جنگی عظیم افتاد و از هردو جانب مقاومت رفت و شیر مجروح و نالان باز آمد و روزها از شکار بازماند و گرگ وزاغ و شغال بی‌برگ ماندند. شیر اثر آن بدید؛ گفت: «رنج می‌بینید که در این نزدیکی صیدی جوید، تا من برون روم و کار شما ساخته گردانم.» ایشان به گوشه‌یی رفتند و با یکدیگر گفتند که در این مقام اشتر اجنبی است و در میان ما چه فایده دهد؟ نه ما را بدو الفتی و نه ملک را از او فراغی. شیر را بر آن باید داشت تا او را بشکند و حالی فراغی پدید آید و او از طعمه فرو نماند و نیز چیزی به ما رسد. شغال گفت این نتوان کرد که شیر او را امان داده است و در خدمت خویش آورده و هر که ملک را بر غدر تحریض کند و بر نقض عهد، دلیر گرداند، یاران و دوستان را در منجنیق بلا نهاده باشد و آفت را به کمند سوی خود کشیده. زاغ گفت آن وثیقت را رخصتی توان یافت که شیر را از عهده آن بیرون آورد. شما

جای نگهدارید، تا من باز آیم. پیش شیر رفت و بایستاد. شیر پرسید هیچ به دست شد؟ جواب داد که کس را از گرسنگی چشم کار نمی‌کند؛ لیکن وجهی دیگر هست. اگر امضای رأی ملک بدان پیوند، همه درخصب و نعمت اف تیم. شیر گفت چیست آن؟ زاغ گفت این اشتر میان ما اجنبی است و در مقام او ملک را فایده‌یی نیست و نفعی صورت نمی‌بندد. شیر در خشم شد. گفت این اشارت از کرم و وفا دور است و با مروت مناسبت ندارد. شکستن عهد اشتر را به چه تأویل جایز شمرم؟ زاغ گفت بر این مقدمه وقوف دارم؛ لیکن حکما گویند یک نفس را فدای اهل بیتی باید کرد و اهل بیتی را فدای قبیله‌یی و قبیله را فدای شهری، چون در خطری باشد و عهد را هم مخرجی توان یافت؛ چنانکه ملک از وصمت غدر منزّه باشد و حالی ذات او از مشقت فاقد و مخافت بوار مسلّم گردد. شیر سر درپیش افگند. زاغ رفت و باز یاران را گفت: «لختی سرکشی و تندى کرد و به آخر رام شد و به دست آمد.» اکنون تدبیر آن است که ما همه بر شتر فراهم آییم و ذکر شیر و رنجی که او را رسیده است تازه گردانیم و گوئیم ما در پناه دولت و سایه حشمت این ملک روزگار خرم گردانیده‌ایم. امروز که او را این رنج افتاد، اگر به همه نوع خویشتن بر او عرضه نکنیم، و جان و نفس فدای ذات و فراغ او نگردانیم، به کفران نعمت منسوب شویم و به نزدیک اهل مروت بیقدر گردیم. صواب آن است که جمله پیش او رویم و شکر ایادی او را باز رانیم و مقرر گردانیم که از ما کاری دیگر نیاید و جان‌ها و نفس‌های ما فدای ملک است و هر یک از ما گوید؛ امروز چاشت ملک از من سازد و دیگران آن را دفعی سازند و عذری نهند، بدین تردد حقی گزارده شود و ما را زیانی ندارد و این فصول با اشتر دراز گردن بالا کشیده بگفتند. و بیچاره را با این دمدمه در کوزه فقاع کردند و با او قرار داده پیش شیر رفتند و چون از تقریر شکر و ثنا و نشر محامد و دعا برداختند. زاغ گفت ملک را بقا باد که راحت ما به صحت ذات ملک متعلق است و اکنون ضرورتی پیش آمده است تن و جان من اگرچه ضعیف است فدای ذات شریف ملک باد.

من که باشم که به تن رخت وفای تو کشم به دل و دیده و جان بار بلای تو کشم
 به خدا گر تو به عمر و خردم رای کنی هر دو را رقص کنان پیش هوای تو کشم
 و به جان و دل و تن کار برآید همه را به خدا گوش گرفته به سرای تو کشم

و امروز ملک را از گوشت من سد رمقی حاصل تواند بود، مرا بشکند. دیگران گفتند از خوردن تو چه آید و از گوشت تو چه سیری. شگال هم بر این نمط فصلی آغاز نهاد، جواب دادند که گوشت تو بویناک و زیانکار است، طعمه ملک را نشاید. گرگ هم بر این منوال فصلی بگفت.

ایشان گفتند گوشت گرگ خناق آورد و قایم مقام زهر هلاهل باشد. اشتر بیچاره این دم ایشان چون شکر بخورد و ملاطفتی نمود هرچه تمامتر و صفت پاکی گوشت خود بکرد، همه یک کلمه شدند و گفتند راست می‌گویی و از صدق عقیدت و فرط شفقت عبارت می‌کنی. به یکبار دروی افتادند و پاره پاره کردند و شتر در آن دم به دام افتاد. و این مثل بدان آوردم تا بدانی که مکر اصحاب اغراض، خاصه که مطابقه نمایند، بی اثر نباشد. (از کتاب کلیله و دمنه)



حکایتی را که خواندید، برگرفته از کتاب «کلیله و دمنه» است. کلیله و دمنه کتابی است در اصل هندی که به دری ترجمه شده است. در این کتاب حکایت‌های گوناگون (بیشتر از زبان حیوانات) نقل شده است. نام آن از نام دو شغال با نام‌های «کلیله» و «دمنه» گرفته شده است. بخش بزرگی از کتاب اختصاص به داستان این دو شغال دارد. کلیله و دمنه در واقع تألیفی است مبتنی بر چند اثر هندی که مهمترین آن‌ها پنجه تنتره (پنج فصل) و به زبان سانسکریت است. این کتاب چندین بار از عربی به فارسی دری برگردانده شده است. از جمله رودکی آن را به نظم درآورد؛ اما امروز جز چند بیت پراکنده از آن باقی نمانده است. در قرن ششم هجری، نصرالله منشی (منشی بهرامشاه غزنوی) آن را به زبان دری ترجمه کرد. این ترجمه ترجمه آزاد است و نصرالله هر جا لازم دانسته است ابیات و امثال بسیار از خود و دیگران آورده است. ترجمه نصرالله منشی همان ترجمه‌یی است که از آن به عنوان کلیله و دمنه در زبان دری یاد می‌شود؛ گاه نیز آن را کلیله و دمنه بهرامشاه خوانند. و بالاخره «کلیله و دمنه» در سال‌های اخیر توسط شاعر شیرین کلام کشور ما میربهادر واصفی به نظم در آورده شده که این کتاب در سال ۱۳۸۴ هـ.ش به نشر رسیده است.

بخوانیم و بدانیم

۱. زاغی و گرگی و شگالی در خدمت شیری بودند.
۲. اشتر بازرگان در آن حوالی بماند و به طلب چراخور در بیشه آمد. شیر برایش گفت اگر رغبت نمایی در صحبت من ایمن و مرفه باشی.

۳. پیلی مست در رسید و میان شیر و پیل جنگی عظیم افتاد و شیر مجروح و نالان باز آمد و روزها از شکار بازماند و گرگ و زاغ و شغال بی‌برگ ماندند.
۴. زاغ و گرگ و شغال به گوشه‌یی رفتند و با یکدیگر گفتند که در این مقام اشتر اجنبی است و درمیان ما چه فایده دهد؟ نه ما را بدو الفتی و نه ملک را از او فراغی؛ پس دسیسه‌یی ریختند و او را به هلاکت نزدیک ساختند.
۵. باید دانست که مکر اصحاب اغراض، خاصه که مطابقه نمایند، بی‌اثر نیست.



• بخش‌های اصلی نامه‌ اداری (مکتوب)

منظور از بخش‌های اصلی نامه‌های اداری، این است که چگونه یک نامه کامل اداری را قالب‌بندی کرده و آن را روی کاغذ بیاوریم. بر اساس آنچه در ادارات و مؤسسه‌های گوناگون، رایج و متداول، و در عرف اداری نیز پذیرفته شده و تقریباً ثابت است، باید به شکل زیر باشد:

۱. آدرس یا نشانی فرستنده (اگر نامه چاپی باشد و آدرس دفتر در پایین آن باشد، نوشتن این قسمت لازم نیست).
۲. تاریخ صدور نامه
۳. شماره دفتری یا صادره.
۴. عنوان (خطاب به گیرنده نامه)
۵. آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامانه در ابتدای نامه)
۶. متن نامه
۷. پایان نامه (عبارت یا جمله احترامانه پایانی)
۸. در قسمت ختم آخرین سطر نامه (نام و موقف دولتی امضا کننده)
۹. امضای مسئول دفتر صادر کننده.
۱۰. ذکر ضمیمه‌ها یا پیوست‌ها با تعداد اوراق آن (کنار چپ صفحه اول)

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان با هم در مورد درس خوانده شده گفتگو کنند و پیام این حکایت را به دست آورده، نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگویند.
۲. شاگردان به سه گروه تقسیم شده هر گروه چهار قسمت از بندهای نامه‌های اداری را بر روی کاغذی رسم نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفرشان در مقابل صنف قرار گرفته به ترتیب تصویر کلی یک نامه اداری را بر روی تخته تکمیل کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان به صورت املا بنویسید.
۲. در مورد تصویر زیر، با نظر داشت پیام متن درس، متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



خود آزمایی

۱. حکایت متن درس چه پیامی داشت و چه چیزی را به ما می‌آموخت؟
۲. چرا حیوانات دیگر برضد اشتر توطئه چیدند؟
۳. کدام حرف‌های زاغ بر شیر کارگر افتاد؟
۴. چرا شیر پیمان خود را در برابر اشتر شکست؟
۵. این حکایت در زنده‌گی روزمره چه کارایی دارد؟ ضمن یک مثال واضح سازید.

۶. مهمترین قسمت‌های نامه‌ی اداری از نظر شما چیست؟
 ۷. آیا آغاز نامه و پایان آن در نامه‌های اداری ضروری است؟ به چه دلیل؟

کارخانه‌گی



۱. نتیجه‌ی حکایت را در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
 طریق دلربایی یک جهان نیرنگ می‌خواهد
 به حسن محض نتوان پیش بردن نازینی‌ها
 بیدل
۳. متن کامل درس بیستم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. رسانه چیست؟

۲. رسانه‌ها در جامعه چه نقشی را ایفا می‌کنند؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

نقش رسانه‌ها در بیداری اذهان عامه

رسانه عبارت از وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات به مردم است. مطبوعات و رسانه‌های جمعی، چه چاپی و چه تصویری و صوتی، در جهت آگاهی افکار عامه نقش بس مهمی را ایفا می‌نمایند؛ حتی به اعتقاد بعضی از دانشمندان، رسانه‌ها قوه چهارم یک دولت به شمار می‌روند. به قول یکی از فلاسفه، پیشرفت و تکامل یک جامعه از سیر تکامل رسانه‌های آن هویدا می‌گردد؛ زیرا رسانه‌ها و مطبوعات وسیله گفت و شنود اقشار مختلف اجتماع است. رسانه‌ها با امکانات، تجهیزات، حجم و روشی که دارند، به عنوان حاملان و انتقال دهنده گان پیام، می‌توانند در ساخت فرهنگ عمومی، باورها و افکار عمومی مؤثر باشند؛ زیرا آن‌ها بدون در نظر گرفتن مرزهای جغرافیایی، عقیدتی و فرهنگی، امکان حضور در همه نقاط جغرافیایی را به دست آورده اند.

فرهنگ عمومی پدیده پویایی است که سکون در آن معنی ندارد و هر روز با اختراعات، اکتشافات و نظریه پردازی‌هایی که در دنیا شکل می‌گیرد، پذیرای این رفتارها، تحولات و دیگرگونی‌ها می‌شود؛ بنابراین کسانی که تأثیرگذاری بالاتری در فرهنگ را داشته باشند، می‌توانند در شکل‌دهی فرهنگ عمومی موفقتر باشند. اثرگذاری در فرهنگ عمومی با استفاده از وسایلی صورت می‌گیرد که آن وسایل امکان این تأثیرگذاری را معین می‌کند. مطبوعات به عنوان یکی از وسایل و تلویزیون به عنوان وسیله دیگر درین راستا مطرح است؛ چون نفوذ، حضور، نحوه بیان و شکل انتقال پیام در تلویزیون، به نحوی است که مخاطب را می‌تواند با انواع و اقسام روش‌ها به خود جلب کند؛ پس این رسانه می‌تواند در نحوه تغییر دیگرگونی فرهنگ عمومی، پرنفوذترین و مؤثرترین عامل باشد.

تلویزیون به عنوان یک رسانه بسیار مهم و یکی از وسایل تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی، وقتی مؤثر واقع می‌شود، که بتواند با مخاطبانش منطبق با نیازهای آنان و با روش‌های درست و مورد قبول، برنامه را ارائه کند.

از سوی دیگر رسانه وسیله‌ی است در جهت تفاهم، تبادلۀ تجارب، وحدت ملی، همگرایی، نزدیکی افکار و اندیشه‌های مختلف و در نتیجه صلح، ثبات و امنیت. رسانه‌ها در نهادینه نمودن قوانین، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی باید نقش خویش را ادا کنند و پیداست که نقش شان در اشاعۀ فرهنگ، اعتقادات و باورهای مردم بسیار برجسته است. بنابراین رسانه‌ها باید محتاطانه و در جهت دفاع از فرهنگ، اعتقادات و باورهای جامعه عمل کنند و گرنه فرهنگ‌های بومی و ملی در کام فرهنگ‌های بیگانه فرو خواهند رفت؛ سلطۀ فرهنگ‌های وارداتی بر جامعه سایه خواهند افکند و در پی تسخیر جامعه گردیده، ارزش‌های جامعه را خواهند بلعید.

برای این که فرهنگ و ارزش‌های جامعه رشد یابد و بتواند در مقابل نفوذ فرهنگ‌های بیگانه قرار گیرد و از محو و نابودی ارزش‌ها جلوگیری کند، مطبوعات و رسانه‌های جمعی مسؤولیت عظیم و خطیری را به عهده دارند تا در جهت رشد و غنای فرهنگ، عنعنات، باورها، رسوم و ارزش‌های جامعۀ خود تلاش نمایند؛ زیرا وسایل ارتباط جمعی یگانه وسایلی اند که سیر و حرکت اجتماعی را تعیین می‌کنند.

به اعتقاد برخی از دانشمندان، مشکلات کشورهای توسعه نیافته، ناشی از فقر اقتصادی نیست؛ بلکه ناشی از فقر فرهنگی و عدم بیداری مردم آن کشورها است؛ بنابراین رسانه‌ها می‌توانند در جهت بیداری مردم و آگاهی عامه نقش به‌سزایی را بازی نمایند.

از آنجایی که مطبوعات وسیلۀ گفت و شنود مردم است و در این گفت و شنود نزدیکی نظریات فراهم می‌آید و نزدیکی نظریات، خود حرکت مشترک اجتماعی را سبب می‌شود و مردم در کنار هم به تفاهم می‌رسند؛ پس رسانه‌ها باید در جهت تحقق آزادی، برابری، عدالت، دموکراسی و ارزش‌های جامعۀ مدنی وسیله شوند و به مردم تفهیم نمایند که افغانستان خانۀ مشترک همه کسانی است، که در این سرزمین تولد یافته، بزرگ شده و زنده گی می‌کنند.

ما امروز در شرایطی قرار داریم که عرصه فرهنگ عمومی یک عرصه کاملاً رقابتی است و کسانی می‌توانند در عرصه‌های رقابت حضور پیدا کنند، که بتوانند از قانونمندی‌های عرصه رقابت استفاده کنند و آن قانونمندی‌ها را خوب بشناسند و مطابق با آن حرکت کنند. این فهم در تمام امور سیاسی اقتصادی و حتا در امور روزمره و جاری صادق است. به همین خاطر لازم است که پیام‌ها و ارزش‌های فرهنگی رسانه‌ها مطابق با نیازهای عموم جامعه باشد؛ یعنی جامعه نسبت به آن پیام‌ها و ارزش‌های فرهنگی احساس نیاز کند و آن‌ها را به خوبی بپذیرد.

بخوانیم و بدانیم

۱. رسانه، عبارت از وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات به مردم است، که در جهت آگاهی افکار عامه نقش مهمی را ایفا می‌نماید.
۲. رسانه‌ها به عنوان حاملان و منتقل کننده‌گان پیام می‌توانند در ساخت فرهنگ عمومی، باورها و افکار عمومی موثر باشند.
۳. فرهنگ عمومی پدیده پویایی است که سکون دران معنی ندارد و هر روز با اختراعات، اکتشافات و نظریه پردازی‌هایی که در دنیا شکل می‌گیرد، لذا فرهنگ پذیرای این رفتارها، تحولات و دیگرگونی‌ها می‌شود.
۴. رسانه وسیله‌یی است در جهت تفاهم، تبادلۀ تجارب، وحدت ملی، همگرایی، نزدیکی افکار و اندیشه‌های مختلف و در نتیجه صلح، ثبات و امنیت.
۵. تلویزیون به عنوان یکی از وسایل مهم تأثیرگذار بر فرهنگ عمومی، وقتی موثر است که بتواند با مخاطبانش مطابق با نیازهای آنان و با روش‌های درست و مورد قبول، برنامه را ارائه کند.
۶. رسانه‌های جمعی مسؤولیت دارند؛ تا درجهت رشد و غنای فرهنگ، عنعنات، باورها، رسوم و ارزش‌های جامعه خود تلاش نمایند، همچنان وظیفه دارند تا در جهت تحقق آزادی، برابری، عدالت، دموکراسی و ارزش‌های جامعه مدنی وسیله شوند، به مردم تفهیم نمایند که افغانستان خانه مشترک همه کسانی است، که در این سرزمین تولد یافته، بزرگ شده و زنده‌گی می‌کنند. چون رسانه‌ها وسایلی اند که سیر و حرکت اجتماعی را تعیین می‌کنند.

• **استعلام:** استعلام در لغت، معلومات خواستن، طلب معلومات کردن و آگاهی خواستن را می گویند و در اصطلاح نامه نگاری، به نوع خاصی از نامه گفته می شود که دارای شکلی ویژه بوده و در آن اداره‌یی از اداره دیگری یا در میان خود همان اداره، پیرامون موضوعی

خواستار معلومات می شود؛ همچنان دفاتر مسؤول بازجویی از متهمان و مجرمان، پرسش های خویش را به صورت تحریری در همین نوع نامه نوشته و جواب اشخاص متهم یا مجرم را به صورت کتبی در حشو آن می گیرند و به حیث سند مورد کاربرد مراجع قانونی قرار می دهند. معمولاً استعلام ها در کشور ما دارای چوکات و شکل مخصوص بوده و تقریباً شکل آن در همه ادارات دولتی، یکسان است.

سوال	جواب
<div style="position: absolute; top: 50%; left: 50%; transform: translate(-50%, -50%); opacity: 0.1; font-size: 100px; pointer-events: none;">ACV</div>	

کار گروهی و سخنرانی

۱. رسانه های صوتی و تصویری با رسانه های چاپی در بیدارسازی اذهان عامه از هم چه تفاوت هایی دارند؟ شاگردان نقش این دو نوع رسانه را با یکدیگر مقایسه نموده نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.
۲. شاگردان طرح یک استعلام دفتر رسمی را به صورت دسته جمعی روی یک صفحه کاغذ بریزند؛ سپس یک تن شان در برابر صنف آمده قسمت های مختلف آن را شرح دهد.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. با نظر داشت وظایف رسانه‌ها، در باره تصویر زیر، یک متن هفت سطری بنویسید.



خود آزمایی



۱. رسانه چیست و در جهت آگاهی افکار عامه چه نقشی را بازی می‌کند؟
۲. تلویزیون چه وقت می‌تواند بر فرهنگ عمومی تأثیرگذار باشد؟
۳. رسانه‌های جمعی چه مسؤولیت‌هایی را در برابر جامعه دارند؟
۴. طرح یک استعلام دفاتر رسمی، چگونه باید باشد؟
۵. به نظر شما آزادی رسانه‌ها چیست و چگونه باید باشد؟



۱. نظریات شخصی خویش را در مورد «آزادی رسانه‌ها چیست و چگونه باید باشد» طی چند سطر در کتابچه‌های خویش بنویسید.

۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

گر که ما دیده ببندیم و به مقصد نرسیم چه کند راحله و مرکب رهواری چند
اگر ت موعظهٔ عقل بماند در گوش نبرندت ز رهٔ راست به گفتاری چند

پروین اعتصامی

۳. متن کامل درس بیست و یکم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.



درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. مقدمات مکتب هندی چه وقت فراهم شد؟
۲. مشخصات عمده مکتب وصال چیست؟
۳. ویژه گی‌های مکتب هندی در چیست؟
در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

ادبیات دری در قرون ۱۱ و ۱۲

در اواخر دوره تیموریان در عصر سلطان حسین بایقرا، که آن را «رنسانس شرق» گویند؛ مکتب ادبی عراقی به افول گرایید و شعر از تکاپو بازماند، به ویژه شعرا همه به تقلید از گذشته‌گان داد سخن می‌دادند که جامی را می‌توان آخرین نماینده این مکتب دانست. با آن هم در شعر این دوره مقدمات مکتب هندی فراهم گردید. میان مکتب عراقی و هندی دوره متوسطی در قرن دهم پدید آمد که به نام مکتب «وصال» و «فراق» یاد می‌شود. این طرز تازه، تجارب زنده گی واقعی را در زمینه‌های عاشقانه با زبان شیرین و دلنشین بیان می‌کند که با چاشنی زبان عامیانه همراه است.

شعر «وصال» از اوایل قرن شانزدهم میلادی، به وسیله چند تن از شعرا؛ چون: هاتفی، هلالی چغتایی، اهلی شیرازی و بیش از همه باباغانی به وجود آمد. شعر «وصال» که بازتاب دهنده یک عشق واقعیست؛ با بیانی ساده و مضامین تازه چهره می‌نماید و از بس با درد و حسرت آکنده می‌شود، خواننده را به همدردی و دلسوزی با عاشق می‌کشاند. در این زمینه «وحشی بافقی» از نامدارترین چهره‌ها و نمایانگر برجسته مکتب «فراق» در شعر فارسی دری است. شعر «وحشی بافقی» با آن که از نظر بافت سخن و آهنگ آن با اشعار همروزگارش تفاوت چندانی ندارد؛ اما از نظر بیان سوز دل و حالت شوریده گی یک عشق واقعی و ساده گی بیان، صادقانه‌ترین و شیرین‌ترین شعر آن دوره به شمار می‌رود.
اگر مکتب «وصال»، رسیدن عاشق را به معشوقه واقعی نه صوری و مجازی؛ با کلام

شیرین و تصاویر دلنشین، بیان کرده است؛ مکتب «فراق» از شکست و ناکامی عاشق و عدم رسیدن او به وصال یار با سوز و گداز و زبان ساده و تصاویر عام فهم و محسوس، سخن به میان آورده است. تفاوت‌های این دو مکتب، نه در شیوه‌های بیان؛ بلکه در چگونگی رسیدن و نا رسیدن عاشق به وصال است. یکی از شاعران معروف این دو مکتب (وصال و فراق) بابافغانی بوده است با پیشرفت و غنای این سبک پس از قرن دهم، مکتب دیگری در شعر و ادب فارسی در پی پدید آمد که به نام مکتب هندی معروف گردید. تا دوران بازگشت ادبی در قرن ۱۴ هجری سراسر سده‌های دهم تا چهاردهم آثار نظم و نثر در این مکتب آفریده شد. در این مکتب غزل از دید عمودی یکپارچه نیست؛ بلکه هر بیت آن تافته جدا بافته‌یی است که تصاویر و مفاهیم مشخصی را بیان می‌کند. به عبارت دیگر در این مکتب تک بیت اساس کار غزل است.

در این مکتب صور خیال با ایجاز و ابهام ارائه می‌شود. کاربرد کنایه و استعاره‌های بدیع، که با ظرافت و باریک‌بینی و مبالغه همراه است، شعر را در بستر مضامین تازه بدانجا می‌رساند که گاه خواننده را دچار حیرت می‌سازد. پیچیده‌گی و کثرت صور خیال معنای کلام را دیرفهم و مشکل می‌گرداند. همین امر است که شنونده را به تأمل وامی‌دارد و در عالم خیال به جهان دیگر می‌کشاند. همین ویژگی، مکتب هندی را شکوه و دبدبه خاصی بخشیده است. شاعران این مکتب در دربار شاهان هند؛ چون: جلال‌الدین اکبر، جهانگیر، شاه‌جهان و اورنگزیب گرد آمدند و برخی‌ها عواید سرشار و مناصب بلندی را نصیب شدند. عرفی شیرازی، قدسی مشهدی، ظهوری ترشیزی، طالب آملی، کلیم کاشانی و صائب تبریزی که همه از فارس (ایران امروز) بودند؛ به هندوستان رفتند و در آنجا به شهرت، جاه و مال رسیدند. فیضی دکنی، طالب آملی، جلال اسیر، حزین لاهیجی، میرزا عبدالقادر بیدل، غنی کشمیری، محمد حسین نظیری نیشاپوری، ناصرعلی سرهندی، هلالی چغتایی، وحشی بافقی و بسیاری از شاعران دیگر که در ماوراءالنهر، خراسان هند و ایران می‌زیستند؛ در غنا و تکمیل این مکتب ادبی نقش به سزایی از خود برجای گذاشته‌اند. از این شمار کلیم کاشانی، صائب تبریزی و میرزا عبدالقادر بیدل در اوج این مکتب قرار دارند؛ اما بیدل که عرفان و

تصوف را چون سنایی و مولوی چاشنی کلامش قرار داد؛ شاهبازی است که برقله معانی این مکتب قرار دارد. در کلام بیدل تمام ویژه‌گی‌های این مکتب به چشم می‌رسد. برعلاوه بیدل در اوزان مشکل و بحرطویل بسیار طبع آزمایی کرده است.

رهکشایان و پیروان این مکتب به غیر از دهلی و آگره، در قندهار، بدخشان، بلخ، هرات، غزنه، کابل، اصفهان، شیراز، سمرقند و بخارا در حلقه‌های ادبی و یا انفرادی در دربارهای شاهان و حکام منطقه گرد آمده و به انشا و ابداع شان پرداخته اند.

در قندهار احمد شاه ابدالی، پسرش تیمورشاه و شماری از درباریانش ذوق شعر و ادب داشتند. در دربار تیمورشاه در کابل حلقه ادبی تشکیل شده بود که اعضای آن تیمورشاه، میرهوتک افغان، لعل محمد عاجز (طیب دربار)، میرزا قلندر و شماری دیگر بودند که به طرز بیدل مشاعره‌هایی انجام می‌دادند.

شمار زیادی از شاعران قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هـ.ش. از سرزمین خراسان کهن یا افغانستان کنونی برخاسته بودند.



در سراسر قرن ۱۱ تا نیمه اول قرن ۱۲ هجری که خراسان به سه حوزه مختلف و مخالف از جانب قدرت‌های همسایه تجزیه و تقسیم گردیده بود، وضع سیاسی و اجتماعی در بحران دایمی سیر می‌کرد. بر اثر جنگ‌های دایمی که قدرت‌های سه‌گانه به خاطر تصاحب این مناطق بر این سرزمین تحمیل کردند؛ شهرها ویران گردید. غارت و کشتار اهالی، وضع مالیات‌های سنگین، نبود بازار واحد ملی، دور بودن مراکز قدرت و اداره بخارا، اصفهان و دهلی از خراسان، عدم توجه زمامداران به آبادی و انکشاف اقتصادی و اجتماعی این سرزمین، خراسان را که در زمان تیموری‌های هرات از پیشرفته‌ترین و آبادترین سرزمین‌های شرق به شمار می‌رفت؛ به رکود و قهقرا کشانید. از همین سبب دانشمندان، هنرمندان، شاعران، نویسندگان، عرفا و بازرگانان به بخارا اصفهان، آگره و دهلی به خدمت شاهان فارس، فرارود و هندوستان رو آوردند و زبان و ادب دری در آن مراکز به رشد و شگوفایی خویش ادامه داد.

بخوانیم و بدانیم

۱. در اواخر دوره تیموری مکتب ادبی عراقی به افول گرایید و شعر از تکاپو بازماند.
۲. میان مکتب عراقی و هندی دوره متوسطی در قرن دهم پدید آمد که به نام مکتب «وصال و فراق» یاد می‌شود.
۳. مکتب «وصال»، رسیدن عاشق را به معشوقه واقعی نه صوری و مجازی؛ با کلام شیرین و تصاویر دلنشین، بیان کرده است؛ اما مکتب «فراق» از شکست و ناکامی عاشق و عدم رسیدن او به وصال یار با سوز و گداز و زبان ساده و تصاویر عام فهم، سخن به میان آورده است.
۴. تفاوت‌های مکتب «وصال» و «فراق»، نه در شیوه‌های بیان؛ بلکه در چگونگی رسیدن و نا رسیدن عاشق به وصال است.
۵. در مکتب هندی تک بیت اساس کار غزل است که آن را «شاه فرد» نیز گفته اند.
۶. در قندهار احمدشاه ابدالی و پسرش تیمور شاه و شماری از درباریان ذوق شعر و ادب داشتند.
۷. شمار زیادی از شاعران قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری از سرزمین خراسان کهن برخاسته بودند.



• نامه (مکتوب)های رسمی به شخص

عبارت از نامه‌هایی است که از سوی یک اداره رسمی دولتی برای یک یا چندین شخص یا سازمان یا شرکت فرستاده می‌شود. شکل و ساختمان این گونه نامه‌ها کم و بیش همانند نامه‌های اداری است، با تفاوت‌های اندکی که در زیر به شرح آن خواهیم پرداخت. بر اساس آنچه در ادارات و دفاتر رسمی گوناگون، رایج و متداول، و در عرف اداری نیز پذیرفته شده و ثابت است، نامه‌های رسمی به شخص باید دارای اوصاف و شکل زیر باشد:

۱. آدرس یا نشانی فرستنده (اگر نامه چاپی باشد و آدرس دفتر در پایین آن باشد، نوشتن این قسمت لازم نیست).
۲. تاریخ صدور نامه
۳. شماره دفتر
۴. عنوان (خطاب به گیرنده نامه)

۵. آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامی در ابتدای نامه)
۶. متن نامه
۷. پایان نامه (عبارت یا جمله احترامی پایانی)
۸. نام و مقام اداری نویسنده (کنارچپ صفحه)
۹. امضای نویسنده
۱۰. مهر اداره (در صورت ضرورت)
۱۱. ذکر ضمیمه‌ها با تعداد اوراق آن کنار چپ بالاتر از متن نامه
۱۲. نام شخص و یا اشخاص گیرنده (اگر گیرنده‌گان بیشتر از یک شخص باشد).

تفصیلات

۱. نوشتن عبارات و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی در این گونه نامه‌ها ضروری است.
۲. اگر گیرنده نامه دارای القاب و عناوین علمی؛ مانند: دکتور، انجنیر، استاد، سرمحقق، مؤلف ویا القاب اداری و نظامی؛ مانند: وزیر، رئیس، دگروال، جنرال و امثال این‌ها باشد، نوشتن این القاب و عناوین ضروری است.
۳. اگر نامه از طرف ارگان‌های قضایی برای یک مجرم نوشته می‌شود، عبارات و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عناوین علمی، اداری و نظامی نباید نوشته شود.
۴. اما اگر نامه از طرف ارگان‌های قضایی برای یک متهم نوشته می‌شود، نوشتن عبارات و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عناوین علمی، اداری و نظامی ضروری است.
۵. اگر در نامه از گیرنده تقاضای اجرای کاری در موعد معینی شده باشد، ذکر تاریخ نهایی آن حتمی است.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد این که چرا اوضاع سیاسی و اجتماعی بر رشد ادبیات تأثیرگذار است، باهم گفتگو کنند؛ سپس یک تن شان در برابر صنف آمده و در این مورد سخنرانی کند.
۲. شاگردان به دوگروه تقسیم شوند. گروه اولی یک نامه احضاریه به یک فرد متهم به فساد اداری بنویسند و گروه دوم یک نامه به شخصی بنویسند که محصول برق خود را به دولت تحویل نکرده است؛ سپس از هرگروه یک نفر، نامه را در برابر صنف بخواند و گروه مقابل خطاهای آن را اصلاح کند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «فرهنگ و ادبیات» ارتباط داده، درمورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.



۱. مکتب «وصال» و «فراق» باهم چه تفاوت داشتند؟
۲. ویژگی‌های مکتب هندی را بیان کنید.
۳. شاعران قرن‌های ۱۱ و ۱۲ هجری بیشتر در کدام مراکز زیسته و آثاری به وجود آورده‌اند؟
۴. چرا اوضاع سیاسی و اجتماعی بر رشد ادبیات تأثیرگذار است؟
۵. نامه رسمی به شخص چیست؟
۶. در کدام صورت عبارات و جمله‌های احترامی مقدماتی و پایانی و القاب و عناوین علمی، اداری و نظامی در نامه‌های رسمی به شخص نباید نوشته شود؟

کارخانه‌گی



۱. در رابطه به یکی از شاعران که در درس خواندید نظر به علاقه تان معلومات جمع‌آوری نموده روز آینده پیش روی صنف قرائت نمایید.
۱. این بیت را به حافظه بسپارید:
به نرمی تندخویان را ذلیل خود توان کردن کند خاکستر آخر زیردست خویش اخگر را
صایب
۲. متن کامل درس بیست و دوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. تولستوی که بود؟
 ۲. او چه کارهایی در زمینه ادبیات و آموزش انجام داد؟
 ۳. او با کدام نویسندگان اروپایی ملاقات کرد؟
 ۴. او در کجا و به چه شکل وفات یافت؟
 ۵. چرا او همیشه در هیجان به سر می‌برد؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

تولستوی



لیون تولستوی نویسندهٔ چیره‌دست روسی در نهم سپتمبر ۱۸۲۸ میلادی در یک خانوادهٔ متمول و سرشناس پا به عرصهٔ هستی نهاد. مادرش را در دو سالگی و پدرش را در ۹ سالگی از دست داد و پس از آن تحت تکفل عمه‌اش قرار گرفت. در سال ۱۸۴۴ میلادی در رشتهٔ زبان‌های شرقی در پوهنتون قازان ثبت نام کرد و پس از سه سال، تغییر رشته داده و به فاکولتهٔ حقوق شامل شد و در سال ۱۸۵۱ م. به خدمت سربازی شتافت. تولستوی، توجه و علاقهٔ وافری به آموزش و پرورش کودکان و نوجوانان داشت. از همین سبب او در سال ۱۸۵۷ م. به مدت پنج سال از کشورهای غرب اروپا بازدید نموده و با مشاهیر آنجا؛ مانند: چارلز دیکنز،

ایوان تورگنیف و فریدریش فروبل، دیدار به عمل آورد. پس از بازگشت به کشورش، براساس تجارب نوآمخته، دست به یک رشته اصلاحات آموزشی زد و در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسوی فرانسوی، به تأسیس مکاتب ابتدایی در روستاها پرداخت.

او در نامه‌یی به یکی از خویشاوندانش (که ادارهٔ امور دربار و نظارت املاک تزار روسیه را به عهده داشت) چنین نوشت: «هرگاه به مکتب قدم می‌گذارم، با مشاهدهٔ چهره‌های تکیده، موهای ژولیده، و برق چشمان این کودکان فقیر، دستخوش نا آرامی و هیجان می‌شوم و

همان حالتی به من دست می‌دهد که بارها از دیدن شراب‌خواران مست بر من مستولی شده است. ای خدای بزرگ! چگونه می‌توانم آن‌ها را نجات دهم؟ نمی‌دانم به کدامین یک کمک کنم. من تعلیم و تربیت را فقط برای مردم می‌خواهم و نه کسی دیگر، آیا می‌توانم پوشکین‌ها و لومونوسف‌های آینده را از غرق شدن نجات بخشم؟»

تولستوی در سال ۱۸۶۲ میلادی با یک دختر هژده ساله آلمانی به نام «سوفیا» ازدواج کرد و سال‌ها پس از آن؛ یعنی در سال ۱۸۸۱ میلادی به همراه خانواده‌اش به مسکو رفته در آنجا اقامت گزید. آنگاه دست به نوشتن شاهکارهای جاودانه‌یی به نام «جنگ و صلح» و «آناکارنینا» زد، که نگارش رُمان «جنگ و صلح» پنج سال را در بر گرفت. پشتیبانی همسر جوانش از فعالیت‌های ادبی تولستوی، که به روایتی ۱۴۰۰ صفحه از پیش‌نویس جنگ و صلح را بیش از هفت بار پاک‌نویس کرده است، شایسته یاد آوری و تقدیر می‌باشد. این دو رمان به مثابه شخصیت شکوهمند ادبی تولستوی در جهان محسوب می‌گردد.

او همواره دچار وسواسی عجیب بود و پیوسته در هیجان به سر می‌برد و این همان دغدغه ارزشمندی است که هر نویسنده متعهدی نسبت به جامعه‌اش دارد، که مبدا حرف‌های شایسته را نگفته، مرگ به سراغش آید. اتفاقاً ترس از همین دغدغه پر رمز و راز، او را به بستر بیماری افکند؛ طوری که در آخرین روزهای حیات خود به اتفاق طبیب خانواده‌گی و دختر کوچکش، همسر خود را ترک کرده به سوی جنوب روسیه مسافرت نمود. این آخرین سفر تولستوی بود که (به تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی) در ایستگاه راه آهن «آستاپوفو» به پایان رسید و او را در زادگاهش به خاک سپردند.

تولستوی به‌حدی در کشورش مشهور و محبوب است که اخیراً به احترامش سکه طلایی را به نام او ضرب زده‌اند.

آثار تولستوی: از تولستوی آثار بسیاری برجا مانده است که همه آن به زبان‌های مختلف در جهان منتشر شده و تعدادی از آن فلم ساخته شده است. مهمترین آثار او از این قرار است:

۱. جنگ و صلح
۲. آناکارنینا
۳. رستاخیز
۴. اعتراف
۵. بهترین داستان‌های کودکان و نوجوانان
۶. شیطان
۷. هنر چیست؟
۸. خداوند حقیقت را می‌بیند؛ اما صبر می‌کند
۹. محکوم بیگناه
۱۰. پول و شیطان

* **ایوان تورگنیف:** ایوان سرگیویچ تورگنیف (۹ نوامبر ۱۸۱۸ - ۳ سپتامبر ۱۸۸۳) رُمان‌نویس، شاعر و نمایشنامه‌نویس روس بود که نخستین بار توسط او کشورهای غربی با ادبیات روسی، آشنا شدند. آثار او تصویری واقع‌گرایانه و پرعطوفتی است از دهقانان روس و بررسی تیزبینانه‌یی از طبقه روشنفکر جامعه روسیه که می‌خواستند کشور را به سمت ترقی سوق دهند.

* **فریدریش فروبل:** دانشمند پیداگوژی سوییسی که در قرن نوزدهم می‌زیست. او از جمله بنیان‌گذاران آموزش کودک محوری بود که باغچه کودکان را برای بازی و شادی آن‌ها راه انداخت. باغچه کودکان جایی است که کودکان با مهربانی و دوستی، بازی و شادی، پرورش می‌یابند.

* **ژان ژاک روسو:** ژان ژاک روسو (۱۷۱۲ - ۱۷۷۸) متفکر سوییسی، در قرن هجدهم و اوج دوره روشنگری اروپا می‌زیست. اندیشه‌های او در زمینه‌های سیاسی، ادبی و تربیتی، تأثیر بزرگی بر معاصران گذاشت. نقش فکری او که سال‌ها در پاریس به سربرد، به عنوان یکی از راه‌گشایان آرمان‌های انقلاب کبیر فرانسه قابل انکار نیست.

* **پوشکین:** الکساندر سرگیویچ پوشکین شاعر و نویسنده روسی سبک رومان‌تیزم است. او در ۶ جون ۱۷۹۹ میلادی در شهرمسکو چشم به جهان گشود و در ۱۰ فبروری ۱۸۳۷ در «سن پترزبورگ» درگذشت. او بنیان‌گذار ادبیات روسی مدرن به حساب می‌آید و برخی او را بزرگترین شاعر زبان روسی می‌دانند.

* **لومونوسف:** میخائیل لومونوسف دانشمند روسی در سال ۱۷۱۱ میلادی در یک خانواده ماهیگیر به دنیا آمد و در سال ۱۷۳۵ درگذشت. او در اکادمی علوم پترزبورگ روسیه و دانشگاه ماربورگ آلمان درس خواند. او مؤسس دانشگاه مسکو است که تا امروز به نام او یاد می‌شود.

بخوانیم و بدانیم

۱. لیون تولستوی نویسنده چیره‌دست روسی در نهم سپتمبر ۱۸۲۸ میلادی در یک خانواده متمول و سرشناس پا به عرصه هستی نهاد.
۲. او دست به یک رشته اصلاحات آموزشی زد و در همین راستا به پیروی از ژان ژاک روسوی فرانسوی، به تأسیس مکاتب ابتدایی در روستاها پرداخت.
۳. او برنامه خویش نوشته بود: ای خدای بزرگ!... من تعلیم و تربیت را فقط برای مردم می‌خواهم، نه کسی دیگر، آیا می‌توانم پوشکین‌ها و لومونوسف‌های آینده را از غرق شدن نجات بخشم؟

۴. تولستوی به تاریخ هفتم نوامبر ۱۹۱۰ میلادی در «آستاپوفو» درگذشت و جسد وی را در زادگاه‌اش به خاک سپردند.
۵. تولستوی به حدی درکشورش مشهور و محبوب است که اخیراً به احترام او سکه‌ی طلایی را به نامش ضرب زده‌اند.



• زنده‌گی نامه

وقتی در یک مؤسسه دولتی یا غیردولتی درخواست استخدام بدهیم، آن مؤسسه از ما چیزی به نام زنده‌گی نامه (CV) می‌خواهد که نوشتن آن نیز تابع قواعدی است به شرح زیر: زنده‌گی نامه‌ها معمولاً دارای چهاربخش عمده است: ۱. نام، آدرس تماس ۲. شرح تحصیلات ۳. وظایف قبلی ۴. توانایی‌ها. بخش نخست شامل این نکات می‌باشد:

قسمت‌های این بخش به شکل عمودی نوشته می‌شود:

۱. نام و نام خانوادگی (در قسمت وسط صفحه با خط بزرگ) اندازه خط: ۱۸ بولد (برجسته)
۲. آدرس مکمل محل سکونت یا آدرس پستی (در قسمت پایینی نام، باخط کوچکتر) اندازه خط: ۱۶
۳. آدرس تماس: شماره تلفون منزل / موبایل / ایمیل (در قسمت پایینی آدرس) اندازه خط: ۱۶

بخش دوم (شرح تحصیلات) این نکات را در بر می‌گیرد: اندازه خط: ۱۴

به شکل افقی: درجه تحصیل / رشته تحصیلی / نام مؤسسه تحصیلی / آدرس کامل آن (با شهر، کشور) / سال فراغت

توجه: درجه تحصیل (از آخرین سند فراغت تحصیلی به طرف نخستین سند فراغت: دکتورا، ماستری، لیسانس، بکلوریا، دوره متوسطه، دوره ابتدایی؛ یعنی در شماره نخست، آخرین شهادتنامه، در شماره دوم، سند فراغت قبل از آن و به همین ترتیب تا دوره ابتدایی.)

بخش سوم (وظایف قبلی) شامل این نکات می‌شود: اندازه خط: ۱۴

به شکل افقی: نام وظیفه / مکلفیت‌ها / نام مؤسسه / آدرس مؤسسه (با شهر، کشور) / از تاریخ / / تا تاریخ / /

بخش چهارم (توانایی‌ها) این نکات را دربر می‌گیرد: اندازه خط: ۱۴
 به شکل افقی: تجربه و تخصص در رشته کاری / توانایی در خواندن و نوشتن (چند زبان) /
 توانایی در بخش منجمنت و اداره / توانایی استفاده از کمپیوتر و انترنت / و امثال این‌ها.
 * یادداشت: ۱- تعداد مجموعی صفحات زنده‌گی‌نامه، نباید از دو صفحه تجاوز کند.
 ۲- در زبان‌هایی که از چپ به راست نوشته می‌شوند، از جمله چهار بخش، سه بخش آن
 به شکل معکوس نوشته می‌شوند؛ یعنی بخش اولی به جای خود باقی می‌ماند و سه بخش
 دیگر باید بدین ترتیب نوشته شود: (توانایی‌ها/ وظایف قبلی/ تحصیلات)

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به چند گروه تقسیم شوند و شخصیت و کارنامه‌های تولستوی و یکی از نویسندگان افغان را مقایسه نمایند؛ سپس از هر گروه یک نفر در برابر صنف آمده و نتیجه را به دیگران انتقال دهند.
۲. یک تن از شاگردان در برابر صنف آمده و شرح دهد: دولت، سازمان‌های اجتماعی و مردم چه نوع برنامه‌هایی را روی دست بگیرند؛ تا ما نیز در آینده نویسنده‌گانی مانند تولستوی داشته باشیم.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. درموضوع این تصویر، متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





۱. چرا نام تولستوی به عنوان نویسندهٔ چیره دست روسیه به ثبت رسید؟
۲. در مورد الکساندر پوشکین چه می‌دانید؟
۳. پنج اثر تولستوی را نام ببرید.
۴. چرا تولستوی همواره دچار وسواسی عجیب بود و پیوسته در هیجان به سر می‌برد؟
۵. تولستوی چگونه وفات یافت و چه آثاری از خویش به جای گذاشت؟



۱. یک نمونه از خلاصهٔ زنده‌گی نامهٔ خودتان را به صورت فرضی و مطابق به قواعدی که خواندید، بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید.
غرق وحدت باش اگر آسوده خواهی زیستن
ماهیان را هرچه باشد غیر دریا، آتش است
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و سوم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیریید.

درس بیست وسوم

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. چرس چیست؟
 ۲. چرا چرس از جمله مواد مخدر به شمار می‌رود؟
 ۳. چرس چه زیان‌هایی دارد؟
 ۴. چگونه در برابر چرس مبارزه کنیم؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود:

چرس و اضرار آن

چرس، ترکیب سبز قهوه‌یی و خاکستری مشتق از برگ، دانه، ریشه و گل گیاه شاهدانه یا بنگدانه است، که به نام‌های چرس، حشیش، ماری جوانا و بنگ معروف بوده و رایج‌ترین ماده مخدر غیر قانونی مورد استعمال در اکثر کشورهای جهان است.
بشر با این ماده نشه‌آور از قرون متمادی آشنایی داشته است. منشای اصلی این ماده را چین یا آشور دانسته اند.

همه اجزای این گیاه خاصیت نشه‌آور داشته و در میان آن‌ها ماده کیمیاوی «تترا هایدرو کانابینول»، که ترکیبی از گیاه شاهدانه است، قدرت نشه‌آوری بیشتری دارد.
به قول دانشمندان، مصرف چرس سبب گرایش به سوی مواد مخدر خطرناک دیگری؛ چون: تریاک، هرویین و کوکائین می‌گردد و اغلب کسانی که معتاد به مورفین، هرویین و کوکائین می‌باشند، افرادی اند که نشه را از چرس آغاز نموده بالاخره به یک معتاد حرفوی به مواد مخدر مبدل شده اند.

تأثیرات سوء این ماده، بسته‌گی به نوع و قدرت ماده استعمال شده و مقدار مواد مصرف شده دارد. زمانی که چرس به شکل تدخین (دودکردن) به مصرف برسد، تأثیرات بد آن، که همانا افزایش ضربان قلب، سرخ شدن چشم‌ها، عدم تعادل حرکتی و اختلالات روانی می‌باشد، فوراً ظاهر می‌شود و تا مدت ۳-۴ ساعت باقی می‌ماند؛ اما اگر به صورت خوراکی مصرف شود، تأثیرات آن ممکن است تا ۲۴ ساعت ادامه یابد.

هرگاه یک شخص معتاد به چرس، به صورت ناگهانی چرس را ترک کند، هشت ساعت پس از آخرین مصرف چرس، حالت بی‌قراری و اضطراب، بی‌خوابی و بی‌اشتهایی، تعریق و لرزش، اسهال، دل‌بدی و استفراغ، افزایش درجه حرارت و دردهای عضلانی در بدن وی ایجاد شده و تا سه روز باقی می‌ماند. این امر دلیل بر آن است که چرس یک ماده اعتیاد آور

بوده و شخص معتاد نمی‌تواند آن را بدون تحمل درد و رنج، به آسانی ترک کند. اگر از نظر فرهنگی هم به قضیه نگاه کنیم، افراد چرسی در فرهنگ ما به حیث انسان‌های ذلیل شناخته شده‌اند و هیچ‌کس میل ندارد تا با این افراد دوستی و رفت و آمد نماید؛ حتی نزدیکترین اقارب و دوستان اشخاص چرسی از دوستی و خویشاوندی با آن‌ها ننگ دارند. همچنان چرسی بودن در فرهنگ جامعه ما معادل ترس و بزدلی، دیوانه‌گی، اعصاب خرابی، بی‌اراده‌گی، عدم اتکا به نفس، تزلزل و بی‌ثباتی، دروغ‌گویی و هرزه‌گی شناخته شده است؛ پس با توجه به معایب و نقایصی که در باره چرس برشمردیم، برما لازم است تا به حیث افراد مسؤول، جامعه خود را از لوث این ماده مهلک برحذر داریم و آنانی را که به این مصیبت آلوده شده‌اند، با توصیه‌های طبی و شرعی از اضرار و عواقب شوم آن آگاه ساخته و راه‌های بیرون رفت ازین معضله را جستجو و به آن‌ها کمک و رهنمایی نماییم، تا از شر این هیولا نجات یابند. علاوه بر آن افرادی را که به نحوی درکشت، زراعت، خرید و فروش چرس و گیاهی که از آن چرس استحصال می‌شود، مشغول‌اند از اضرار جسمی و زیانهای فردی و اجتماعی این ماده مهلک آگاه سازیم و آن‌ها را در کسب معاش از راه‌های حلال و مشروع تشویق نماییم.



استعمال چرس تأثیرات سوء بی‌شماری دارد که بعضی بر جسم و برخی بر روان شخص معتاد اثر می‌گذارد. از جمله می‌توان این‌ها را نام برد: ۱. التهاب و انسداد مزمن مجراهای تنفسی ۲. عفونت‌های ریوی و سرطان شش ۳. کاهش وزن بدن درجین ۴. تشنج، اختلالات روانی و عصبی ۵. گشاده‌گی مردمک چشم ۶. بدخویی، تند مزاجی و عصبانیت ۷. برانشیت مزمن ۸. اضطراب، افسرده‌گی و هیجان ۹. پرحرفی و خنده‌های بی‌دلیل یا خاموشی و عزلت ۱۰. ضعف سیستم دفاعی بدن ۱۱. ضعف جهاز هضمی ۱۲. ضعف تمرکز فکری و عدم علاقه به کار و درس.

بخوانیم و بدانیم

۱. چرس، ترکیب سبز قهوه‌یی و خاکستری مشتق گیاه شاهدانه است، که به نام‌های چرس، خشیش، ماری جوانا و بنگ شناخته می‌شود.

۲. چرس برخلاف عقیده رایج مردم، یک ماده به شدت اعتیاد آور بوده و سبب وابسته‌گی روانی جدی در شخص مصرف کننده می‌گردد.

۳. استعمال چرس سبب گرایش به مواد مخدر دیگری؛ چون: تریاک، هرویین و کوکاین می‌گردد.



نمونه زنده‌گی نامه (CV)

نام «نام خانواده‌گی»

آدرس: تلفون: ایمیل آدرس:

تحصیلات:

شماره	درجه تحصیل	رشته تحصیل	مؤسسه تحصیلی	سال فراغت
۱	دکتورا	ژورنالیزم	پوهنتون تهران	۱۳۸۰
۲	ماستری	ادبیات دری	پوهنتون کابل	۱۳۷۶
۳	لیسانس	ادبیات دری	پوهنتون کابل	۱۳۷۳
۴	بکلوریا		لیسه نادریه	۱۳۷۰
۵	متوسطه		لیسه نادریه	۱۳۶۷
۶	ابتدایی		لیسه نادریه	۱۳۶۰

اشتراک در ورکشاپ‌ها، سیمینارها و کورس‌های آموزشی

شماره	نام کورس	شهادتنامه	برگزار کننده	مدت
۱	زبان انگلیسی	Certificate		
۲	کمپیوتر	Certificate		

وظایف قبلی

شماره	نام وظیفه	مکلفیتها	نام مؤسسه	از تاریخ	تا تاریخ
۱	استاد	تدریس	لیسه استقلال	۷۶/۳/۲	۸۱/۶/۵
۲	مدیر	منجمنت	معارف شهر	۸۱/۷/۶	۸۹/۱/۱۲

آشنایی با زبان‌ها:

شماره	زبان	خواندن	نوشتن	مکالمه
۱	دری	عالی	عالی	عالی

۲	پشتو	عالی	عالی	عالی
۳	عربی	خوب	متوسط	خوب
۴	انگلیسی	متوسط	متوسط	متوسط



کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان در مورد «طرق مبارزه با چرس» با هم گفتگو کنند و نتیجه را یک تن شان به دیگران انتقال دهد.
۲. یک تن از شاگردان نمونه کامل یک CV را روی تخته صنف، رسم نموده و قسمت‌های مختلف آن را برای دیگران شرح دهد.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «اضرار چرس» ارتباط داده، در مورد آن یک درخواست به حوزه امنیتی پولیس بنویسید.



۱. استفاده از چرس چه نوع زیان‌هایی را بار می‌آورد؟
۲. اضرار جسمی و روحی چرس را بیان کنید.
۳. چرسی بودن در فرهنگ ما معادل چیست؟
۴. چگونه می‌توانیم برضد چرس مبارزه کنیم؟

کار خانگی



۱. در باره اضرار چرس حد اقل ده سطر بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
رزق از حق جو، مجو از زید و عمر مستی از حق جو، مجو از بنگ و خمر
«علامه اقبال»
۳. متن کامل درس بیست و چهارم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. چرا ما نیاز به فرهنگ زبان داریم؟

۲. مشهورترین فرهنگ‌های زبان کدام‌هاست؟

۳. چگونه می‌توان یک واژه را در فرهنگ زبان جستجو کرد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

واژه‌یابی در فرهنگ‌های زبان

وقتی کتاب، مجله، روزنامه و یا نوشته‌یی را مطالعه می‌کنیم، گاه‌گاهی اتفاق می‌افتد که معنای یک یا چند (لغت) را نمی‌دانیم. ندانستن معنای یک یا چند واژه، گاهی یک جمله را بی‌مفهوم می‌سازد و گاهی سبب می‌شود که ما از درک معنای یک پاراگراف کامل عاجز بمانیم؛ در نتیجه موضوع به صورت ناقص وارد ذهن ما گردیده و حافظه ما نمی‌تواند آن را در خویش بگنجاند و نگهداری کند.

روش‌های مطالعه علمی ایجاب می‌کند که وقتی چیزی را می‌خوانیم، کوشش کنیم معنای کامل آن را درک کرده و به حافظه بسپاریم. اگر چنین روشی را برگزینیم، درس‌های مکتب را به سهولت فرا می‌گیریم و آنچه را که یاد گرفته‌ایم، به زودی فراموش نخواهیم کرد؛ برای این که بتوانیم به این هدف نایل آییم، ناچاریم که در گام نخست یک کتاب لغات یا فرهنگ زبان را که پذیرفته شده و معتبر باشد با خویش داشته باشیم، تا در صورت برخورد با واژه‌هایی که معنای آن‌ها را نمی‌دانیم، از آن کمک بگیریم.

خوشبختانه برای زبان ما از گذشته‌های دور تا امروز، صدها کتاب لغات و فرهنگ نوشته اند و تقریباً هشتاد درصد آن را در هندوستان تألیف کرده اند؛ زیرا که زبان فارسی دری بیش از هفتصد سال در هند زبان رسمی دربارهای مختلف و یگانه زبان مشترک در میان طوایف گوناگون آن سرزمین بوده که زبان همدیگر را نمی‌دانسته اند. ناچار مردمی که زبان فارسی دری زبان مادری ایشان نبوده، نیازمند به کتاب‌هایی بوده اند که بتواند در هنگام جستجوی

معانی واژه‌ها ایشان را یاری رساند.

در کشورهای هم‌زبان افغانستان، ایران و تاجیکستان نیز فرهنگ‌های متعددی در این زمینه نوشته شده است، که بسیاری از مردم باسواد در جامعه ما یکی از این کتاب‌ها را به صورت حتمی در خانه خویش دارند. مشهورترین فرهنگ‌های زبان فارسی دری را می‌توان به شرح زیر ترتیب کرد:

لغت‌نامه دهخدا، برهان قاطع، فرهنگ معین، فرهنگ تحفة الاحباب، فرهنگ آندراج، فرهنگ عمید، لغت‌نامه اسدی، صحاح‌الفرس، معیار جمالی، فرهنگ جهانگیری، مجمع‌الفرس، غیاث‌اللغات، فرهنگ انجمن‌آرا، فرهنگ نظام، فرهنگ سخن، فرهنگ معاصر فارسی، فرهنگ نویهار، فرهنگ شیرخانی یا فوایدالصنایع، فرهنگ نفیسی و....

شیوه لغت‌یابی در همه فرهنگ‌های زبان فارسی دری کمابیش یکسان است؛ بدین معنا که در بسیاری از فرهنگ‌ها، واژه‌ها به اساس حروف الفبا ترتیب شده و هرکسی که الفبای این زبان را به ترتیب در حافظه داشته باشد، در یافتن لغات مورد نظر دچار مشکل نمی‌شود. برای دریافت معنای یک واژه، طرز تلفظ و اصالت آن، همیشه از روش زیر استفاده می‌کنیم: مثلاً ما می‌خواهیم معنای واژه «دُرَج» را در فرهنگ زبان بیابیم. می‌بینیم که این کلمه با حرف «د» آغاز یافته است. پس فرهنگ زبان را برداشته و ردیف «د» را باز می‌کنیم. دیده می‌شود در نخست کلماتی که حرف اول آن‌ها «د» و حرف دومی شان «الف» است؛ مانند: دافع، دانه، دایر و... به نظر می‌رسند. پس از آن کلماتی که حرف اول آن‌ها «د» و حرف دومی شان «ب» است؛ مانند: دباغ، دبوس، دبیر و... پس از آن کلماتی که حرف دومی شان «پ» و «ت» و «ث» و «ج» است، به ترتیب بیان شده اند؛ تا آن که به ردیف «د-ر» می‌رسیم. وقتی بدینجا رسیدیم، حرف سوم کلمه را معیار قرار داده به پیش می‌رویم، تا جایی که حرف «ج» نظر ما را جلب کند. در این مرحله با کلمه‌یی؛ نظیر: دُر روبه‌رو خواهیم شد، بازهم تا جایی که پیش می‌رویم که حرف سوم کلمه «ج» باشد و آن وقت به کلمه «دُرَج» می‌رسیم. وقتی این کلمه را یافتیم، دیده می‌شود که در مقابل آن، چند حرف به عنوان علامه و نشانه و رمز گذاشته شده است؛ مانند: {ا.}، {فر} و {د - ت} و پس

از آن به توضیح معنا یا معنای گوناگون کلمه پرداخته شده است. ناگفته نباید گذاشت که هر یک از این علامه‌ها و نشانه‌های اختصاری، یکی از خصوصیات همین کلمه را بیان می‌کنند؛ مثلاً: نشانهٔ {ا} ویژه‌گی دستوری آن را بیان می‌دارد، که این کلمه «اسم» است. نشانهٔ {ع} بیان‌کنندهٔ این است که این کلمه عربی است و {د} نشان‌دهندهٔ آن است، که حرف نخستین این کلمه را باید مضموم تلفظ کنیم و بالاخره {ج} بیان‌کنندهٔ آن است که این حرف باید ساکن تلفظ شود. بدین ترتیب ما می‌توانیم هم معنی یا معنی‌های مختلف لغت را به دست آوریم و هم ویژه‌گی‌های دیگر متعلق به آن را مورد بررسی قرار دهیم.

قابل یادآوری است که بسیاری از فرهنگ‌های معاصر، دارای یک سلسله رموزها، نشانه‌ها و علامات‌اند، که لازم است جویندهٔ لغات پیش از یافتن معنای واژه، باید آن رموزها و نشانه‌ها را بداند؛ تا در دانستن صفات کلی واژه کمک رساند.

در زیر نمونه‌هایی از رموزها، علامات و نشانه‌های اختصاری در فرهنگ‌های زبانی معاصر را با توضیح مفاهیم آن‌ها می‌آوریم؛ تا هنگام جستجوی معانی واژه‌ها، ما را مدد رساند.

معنا	نشانه	معنا	نشانه	معنا	نشانه
اسم مرکب	ا. مر.	اسم فاعل	ا. فا	اسم	ا.
قید	ق.	صفت فاعلی	ص. فا	صفت	ص.
مصدر متعدی	مصب م.	مصدر لازمی	مصب لا	مصدر	مصب
مغرب	مع	فارسی	فا.	پهلوی	په
عربی	ع.	فرانسوی	فر.	انگلیسی	انگل
روسی	رو.	یونانی	یو.	هندی	هن
قبل از میلاد	ق. م.	میلادی	م.	عبری	عب
فلک	فل	قانون	قا.	جغرافیه	جغ
عامیانه	عا.	نگاه کنید به...	نگا.	نجوم	نج

تعدادی از نویسندگان ما بر روی فرهنگ‌های تخصصی کارهایی انجام داده اند، که آرزومندیم در آینده فرهنگ‌های متعدد و کارآمدتری داشته باشیم، تا نسل جدید بتوانند، حتی اصطلاحات اختصاصی برخی علوم از آن‌ها بیابند.

بخوانیم و بدانیم

۱. روش‌های مطالعه علمی ایجاب می‌کند که وقتی چیزی را می‌خوانیم، کوشش کنیم معنای کامل آن را درک کرده و به حافظه بسپاریم.
۲. مشهورترین کتاب‌های لغات یا فرهنگ‌های زبان: لغت‌نامه دهخدا، برهان قاطع، فرهنگ معین، فرهنگ عمید، غیاث اللغات، فرهنگ سخن، فرهنگ معاصر فارسی، فرهنگ نوبهار و فرهنگ نفیسی نام دارند.
۳. در بسیاری از فرهنگ‌ها، واژه‌ها به اساس حروف الفبا ترتیب شده و هرکسی که الفبای این زبان را به ترتیب در حافظه داشته باشد، در یافتن لغات مورد نظر دچار مشکل نمی‌شود.
۴. بسیاری از فرهنگ‌های معاصر، دارای یک سلسله رموزها، نشانه‌ها و علامات اند، که یکی از خصوصیات واژه را بیان می‌کنند. برای جوینده لغات لازم است پیش از یافتن معنای واژه، آن رموزها و نشانه‌ها را بداند؛ تا در دانستن صفات کلی واژه او را کمک رساند.

• دعوت‌نامه

- نامه‌یی است که از طرف اشخاص، خطاب به شخص یا اشخاصی به منظور شرکت و حضور در نشستی خاص تنظیم می‌شود. دعوت‌نامه به صورت کلی دو نوع است:
۱. دعوت‌نامه عمومی: که به صورت اطلاعیه یا آگهی بدون ذکر مخاطب از طریق روزنامه،

- نشریات و رسانه‌های گروهی به اطلاع مخاطبان خاص خود می‌رساند.
۲. دعوت‌نامهٔ خصوصی: به شخص خاص صادر می‌شود، و این نیز دو نوع است:
- الف - شخصی: که از سوی افراد به یکدیگر نوشته می‌شود.
- ب - اداری: این گونه دعوت‌نامه‌ها به لحاظ جنبه‌های عاطفی و احترامی آن، باید از سوی بالاترین مقام اداری امضا شود، که معمولاً فاقد مهر اداری است.
- دعوت‌نامه‌ها دارای بخش‌هایی اند که ترتیب این بخش‌ها به صورت زیر است:
۱. عنوان که در خطاب به گیرندهٔ نامه نوشته می‌شود.
 ۲. آغاز نامه (عبارت و جمله‌های احترامی مقدماتی)
 ۳. متن نامه
 ۴. پایان نامه (عبارت احترامی پایانی)
 ۵. نام و نام خانوادگی نویسنده و ذکر مشخصات او
 ۶. امضا (در صورت لزوم)
 ۷. زمان (ساعت، روز، تاریخ)
 ۸. آدرس کامل محل دعوت
 ۹. شمارهٔ تلفون فرستنده (در صورت لزوم)
- بیشتر بخش‌های «آدرس فرستنده و گیرنده» روی پاکت نوشته می‌شود.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان باهم گفتگو کرده معانی واژه‌های: مطول، غیاث و دهخدا را در فرهنگ زبان بیابند؛ سپس یک تن از ایشان در برابر صنف قرار گرفته شیوهٔ واژه‌یابی را به دیگران شرح دهد.
۲. شاگردان در مشوره باهم، دعوت‌نامه‌یی، جهت رفع نیازمندی‌های مکتب، به رئیس معارف ولایت شان، بنویسند؛ سپس یک تن شان آن را در برابر صنف خوانده و دیگران قسمت‌های مختلف آن را مشخص نمایند.



املا و نگارش



۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند در کتابچه‌های تان املا بنویسید.
۲. این تصویر را با موضوع «راه‌های مطالعه» ارتباط داده، در مورد آن متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



خود آزمایی

۱. وقتی مطلبی را می‌خوانیم، چرا باید معنای کامل آن را درک کرده و به حافظه بسپاریم؟
۲. مشهورترین کتاب‌های لغات یا فرهنگ‌های زبان چه نام دارند؟
۳. عیوب و خوبی‌های فرهنگ‌های زبانی قدیم و جدید در چیست؟
۴. در فرهنگ‌های زبان، واژه‌ها به کدام اساس ترتیب شده‌اند؟ شرح دهید.
۵. رموزها، نشانه‌ها و علامات در فرهنگ‌های زبان، چه چیزی را برای ما روشن می‌کنند؟
۶. انواع دعوت‌نامه‌ها را نام برده و تعریف کنید.

کارخانه‌گی



۱. معنای واژه‌های (راکب، رکود، صلابت، صور، تکاپو، چاشنی، چوگان، نامانوس و ناوک) را از واژه نامه اخیر کتاب دریافت نموده در کتابچه‌های تان بنویسید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید.
دل زمقصد غافل و آنگاه لاف جستجو شرم دار از معنی لفظی که در اندیشه نیست
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و پنجم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که

تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. معلول کیست؟

۲. ماین‌ها چگونه تأثیرات روانی بر معلولان خویش می‌گذارند؟

۳. با افراد دارای معلولیت چگونه برخورد کنیم؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

تأثیرات روانی ماین‌ها

انفجار ماین‌ها و مهمات منفجر نشده باعث می‌گردد که شخص آسیب‌دیده بعد از حادثه نتواند به صورت عادی برای پیشبرد زنده‌گی روزمره تلاش نماید. شاید در بعضی از حالات مورد قبول اجتماع قرار نگیرد که باعث وارد شدن صدمه روانی به او شده و از اجتماع دورش می‌سازد. در چنین حالتی احساس تنهایی نموده، انزوا اختیار می‌کند مهارت‌ها و تجرب خود را از دست می‌دهد.

در این گونه شرایط، فرد خود را در برابر دیوارهای نوبنیاد قیود جدید اجتماعی در می‌یابد، ارزش‌های قبلی را در حال متلاشی شدن می‌بیند، برخلاف امیال درونی، خوشتن را در موقعیت‌های پایین‌تری احساس می‌کند، پاداشی را که در مقام قبلی از جامعه انتظار داشت، به دست نمی‌آورد؛ اینجاست که او احساس می‌کند، بر در صندوقچه داشته‌های گذشته خود قفلی بزرگ زند و آن‌ها را به دست فراموشی سپرده، برای پذیرش ارزش‌های جدید آماده‌گی بگیرد و یا آن که ارزش‌های قدیم و جدید را باهم تلفیق دهد.

اگر او صرف به پذیرش معیارهای جدید اقدام کند، در صورت نداشتن بهره کافی از دانش مورد نیاز با استفاده از خاطرات گذشته به بیراهه سوق می‌یابد، که خود مشکلات زیادی را در پی خواهد داشت؛ اما اگر بخواهد تلفیقی میان هر دو نوع آن به وجود آورد، برخی از نکات متضاد معیارهای قدیم و جدید به هیچ صورت باهم در نمی‌آمیزند، که انگیزه‌های قوی داشته‌های گذشته و ضرورت پذیرش معیارهای جدید، شدیداً در مقابل هم قرار گرفته و فرد را دچار توهم و سردرگمی می‌سازد.

هرگاه، این حالت ادامه یافت و فرد در یافتن راه حلی مطابق به میل عاجز ماند، کار

به ناامیدی می‌کشد و دنباله آن به افسرده‌گی و ده‌ها گونه عوارض جسمی و روانی دیگر می‌انجامد.

پس برای این که افراد معلول در جامعه ما به چنین حالاتی دچار نگردند، وظیفه اسلامی و انسانی ماست که با پیش گرفتن شیوه‌های خاص، نگذاریم در وجود شان ناامیدی رخنه کرده و احساس کمی کنند.

چگونه با افراد دارای معلولیت برخورد کنیم؟

• اصول ابتدایی شیوه‌های رفتار

۱. از پرسش سؤالات شخصی در مورد معلولیت فرد اجتناب کنید. و اگر ضرورتی وجود دارد، محتاطانه و محترمانه سؤال مورد نظر را طرح نمایید. در صورتی که فرد تمایلی به پاسخگویی نداشت، به بحث در این ارتباط ادامه ندهید.

۲. توجه نمایید که فرد دارای معلولیت ممکن است برای انجام کار یا بیان مسأله‌یی، نیاز به زمان بیشتری نسبت به افراد غیر معلول داشته باشد.

۳. پیشنهاد کمک خود را مؤدبانه و صبورانه طرح نموده و تا زمان پذیرش آن صبر کنید. در مورد نحوه کمک حتماً به توضیحات فرد گوش داده و در صورت ضرورت از او سؤال کنید.

۴. هنگامی که در صدد برگزاری یک جلسه، ملاقات و... هستید، امکاناتی را که فرد دارای معلولیت نیاز دارد، فراهم کنید و چنانچه در این زمینه مانعی وجود دارد که قابل رفع نیست پیش از آمدن فرد، به او اطلاع دهید.

• ملاقات و صحبت با افراد معلول

۱. با همراهان شخص معلول سخن نگویید؛ بلکه مستقیماً با خود او حرف بزنید.

۲. در مورد معلولیت فرد تا زمانی که خودش نمی‌خواهد یا به بحث مرتبط نیست، صحبت نکنید.

۳. با افراد معلول بزرگسال، مانند دیگر بزرگسالان برخورد کنید و با لحن مطابق به سن و سال شان با آن‌ها سخن بگویید.

۴. هنگامی که فرد آهسته یا با مشقت بسیار صحبت می‌کند، صبر و توجه کامل داشته باشید.

۵. هرگز تظاهر نکنید آنچه را فرد می‌گوید درک کرده اید؛ بلکه از او بخواهید آن را تکرار کند.

۶. اگر در ارتباط با فرد، مرتکب اشتباهی شدید آرامش خود را حفظ کرده و عذرخواهی نمایید.

بخوانیم و بدانیم

۱. انفجار ماین‌ها باعث می‌گردد که شخص آسیب دیده بعد از حادثه نتواند به صورت عادی برای پیشبرد زنده‌گی روزمره تلاش نماید.
۲. در این گونه شرایط، فرد خود را در برابر دیوارهای نوبنیاد قیود جدید اجتماعی در می‌یابد.
۳. هرگاه این حالت ادامه یافت و فرد دریافتن راه حلی مطابق به میل عاجز ماند، کار به ناامیدی می‌کشد و دنباله آن به افسرده‌گی و ده‌ها عارضه جسمی و روانی دیگر می‌انجامد.
۴. برای این که افراد معلول به چنین حالاتی دچار نگردند، وظیفه اسلامی و انسانی ما است که نگذاریم در وجود شان ناامیدی رخنه کرده و احساس کمی کنند.



• درخواست نویسی

- درخواست، به نامه‌یی گفته می‌شود، که در آن تقاضای اجرای کاری و یا امری از کسی شود. قدیمترین نمونه‌های موجود درخواست، متعلق به زمان عباسیان است. در میان خراسانیان عادت چنان بوده که وقتی مطلبی و یا شکایتی را به امرا و ملوک تقدیم می‌نمودند، آن را به شکل کتبی به مقام و دربار می‌سپردند، که ما امروز آن را به نام عریضه و درخواست می‌شناسیم. معمولاً درخواست‌ها از طرف افراد و یا مقامات پایین‌رتبه به مقامات بالاتر به محتوای احترام‌آمیز نوشته می‌شود. بر اساس آنچه در دفاتر رسمی و غیر رسمی، رایج و متداول بوده و در عرف نیز تقریباً ثابت و پذیرفته شده است، درخواست باید دارای شکل و اوصاف زیر باشد:
۱. نام و مشخصات کامل درخواست دهنده (کنار بالایی، سمت راست صفحه)
 ۲. تاریخ (روز، ماه، سال)
 ۳. عنوان (خطاب به گیرنده درخواست. دو تا سه سانتی متر پایین تر از تاریخ)
 ۴. آغاز نامه (عبارت یا جمله احترامی در ابتدای نامه)
 ۵. متن درخواست
 ۶. پایان درخواست (عبارت یا جمله احترامی پایانی)
 ۷. نام مکمل درخواست دهنده (کنار چپ صفحه)
 ۸. امضای درخواست دهنده در زیر نام (حتمی است)
 ۹. گذاشتن پنج سانتی متر فاصله سفید در پایین صفحه به منظور ارجاع، ملاحظه و یادداشت.

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان درمورد «وظایف جامعه در برابر معلولان» باهم گفتگو کنند؛ سپس نتیجه را یک نفرشان به دیگران انتقال دهد.
۲. شاگردان یک نامه درخواستی بنویسند.



املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. در مورد خطرات ماین متنی بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.



۱. انفجار ماین‌ها و مهمات منفجرناشده بر قربانیان خویش چه تأثیرات روانی بر جای می‌گذارند؟
۲. اگر احساس ناامیدی در معلولان ادامه یافت، چه تأثیراتی را به بار می‌آورد؟
۳. وظیفه اشخاص سالم در برابر معلولان چیست؟
۴. مهمترین نکات در نوشتن درخواست کدام‌هاست؟
۵. درخواست را تعریف کنید.

کارخانه‌گی



۱. درمورد «ضرورت سوادآموزی برای معلولان» متنی بنویسید که از ده سطر کم نباشد.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
بی‌ادب از سوز اشک عاجزان نتوان گذشت آبله در پا اگر بشکست صحرا آتش است
بیدل
۳. متن کامل درس بیست و ششم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. مولانا خسته که بود؟
۲. تذکره‌نویسی در کدام زمان شکوه و رونق یافت؟
۳. نخستین تذکره در کدام زمان و توسط که نوشته شد؟
۴. تذکره چیست؟
۵. چرا تذکره‌نویسی دارای اهمیت است؟
۶. از مولانا خسته چند اثر برجای مانده و مهمترین آثار او در بخش تذکره‌نگاری کدام‌هاست؟
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

مولانا خسته و تذکره نگاری

تذکره در لغت، یادآوری، وسیله تذکر و یادگار را گویند و در اصطلاح، به مجموعه یا کتابی گفته می‌شود، که در آن خلاصه احوال شاعران و نویسندگان گرد آمده باشد.

تذکره‌نویسی، چه در افغانستان و چه خارج از آن، از چندین قرن پیش رایج شده و همین همت و کوشش تذکره‌نگاران بوده که باعث ماندگاری یاد و نام بسیاری از صاحبان سخن و اثر اعم از منثور و منظوم شد. اگرچه مشخص و آشکار نیست که تذکره‌نویسی از چه زمانی شروع شد و نخستین تذکره کدام بود؛ اما با تأملی در آثار گذشته‌گان می‌توان به نمونه‌هایی از این نوع دست یافت و آن مقاله دوم کتاب «چهارمقاله» از نظامی عروضی است که در سال ۵۵۰ هجری قمری تألیف شده است. او زیر عنوان «ماهیت شعر و شاعری» به صورت حکایت، ذکری از بعضی شاعران به میان آورده و نمونه‌هایی از آثار آنان را درج کرده است. آنچه مشهور و معروف است، این است که قدیمترین، جامعترین و معتبرترین تذکره شاعران فارسی که در سده هفتم هجری قمری نوشته شده، تذکره «لباب‌الالباب» عوفی است، که ترجمه احوال شاعران پس از اسلام تا زمان مؤلف را در بر دارد.

از آنجایی که فرهنگ، به رغم ماجراهای سیاسی به حیات خود ادامه می‌دهد و غروب و افول آن زمان می‌طلبد، حرکت فرهنگی در زمینه تذکره‌نویسی در سده‌های ۱۳ و ۱۴ قمری شکوه و رونق یافت و تذکره‌هایی در قلم رو فرهنگی ما تألیف شد که به صورت مختصر می‌توان از آن‌ها چنین نام برد: «مشاهیر افغانستان» تألیف سیدمحیی‌الدین هاشمی، «پرده‌نشینان سخنگوی (تذکره زنان شاعر)» تألیف خانم ماگه رحمانی، «سیمماها و آواها» اثر نعمت حسینی، «رجال معاصر» تألیف مولانا غلام حضرت فرخاری، «پرطاووس» تألیف مولانا محمد حنیف بلخی، و....

و اما یکی از برجسته‌ترین آثار در این زمینه، تذکره «معاصرین سخنور» اثر مولانا

خال محمد خسته است. این اثر تذکره شاعران معاصر است که معرفی ۱۷۹ تن از شعرای کشور، از عهد امیر عبدالرحمن خان تا سال ۱۳۳۹ هـ ش. را در بر می‌گیرد.

مولانا خسته پژوهشگر، شاعر، نویسنده، خطاط، تذکره‌نگار، ژورنالیست، محدث، حافظ قرآن و سیاست‌مدار و مبارز مشروطیت و حکومت قانون، پژوهنده‌یی است که با تصحیح و تنقیح کلیات چهارجلدی ابوالمعانی بیدل، کار بزرگ و استثنایی را در حوزه تمدنی ما به نام افغانستان رقم زد. مبارزی که در دوره هفتم شورا، از مشروطه و حاکمیت قانون سخن گفت و به آن جرم تا هنگام مرگ، ممنوع الخروج بود و محکوم به زیستن در کابل.



مولانا خال محمد خسته در سال ۱۲۸۱ هـ ش. در دهکده «دهباز» ختلان تاجکستان زاده شد. پدرش (ملا رستم پنجشیری) از جمله منشیان سردار محمد اسحاق خان بود؛ هنگامی که او علیه امیر عبدالرحمن خان قیام کرد و شکست خورد، ارکان حکومتش، از جمله پدر مولانا خسته به ماوراء النهر فرار نموده و در ختلان رحل اقامت

افگندند. او با دختری از همان ناحیه ازدواج کرد که مولانا خسته نتیجه همان وصلت است. پدر خسته از ختلان به بخارا رفت و همانجا بود که «خسته» آموزش‌های ابتدایی را گرفت؛ سپس ملا رستم با خانواده خود به بلخ بازگشت و در آنجا مسکن گزین شد. در این زمان، خال محمد که نوجوان بود، برای معیشت زنده‌گی، دست به کار شد. نخست در ناحیه «سیاهگرد» مزارشریف به دهقانی پرداخت و پس از آن در منطقه «بوینه قره» امام مسجد شد. سپس به منظور اكمال تحصیلات خویش، درس بیست و یک ساله‌گی به هندوستان رفت و ۱۵ سال در آن دیار ماند، مشق شاعری خود را در آنجا پخته و استوار ساخت و در اکثر مشاعره‌ها در هندوستان سهم موفقانه گرفت. بالاخره در سال ۱۳۱۷ هـ ش. به کشور برگشت و در مدرسه اسدییه، شش سال به وظیفه تدریس اشتغال داشت. وکیل مردم مزارشریف شد، کتاب‌فروشی کرد و بالاخره در اوج فقر و فاقه پدرود حیات گفت.

پوهاند عبدالحی حبیبی در مورد مولانا خسته چنین می‌نویسد: «رفتم خانه خرابه خسته را در منطقه «شاه شهید» پیدا کردم؛ چون درآمد، مرا به اتاقی مخروب، که فرش نداشت، بردند. دیدم مولانا خسته درحالی که کسی را نمی‌شناسد، درحالت اغما بر بستر فرسوده‌یی، که فقط با قد او برابری می‌کند، افتاده و باقی صحن خانه خاک است و فرش و گلیمی ندارد. بعد از سه روز شنیدم که وفات کرد و چندتن از همشهریان مزاری او را دفن کردند. نه خبری از وفاتش داده شد، نه کسی بر او اشک ریخت و نه مرثیه و تاریخ وفات داشت.»

در فرجام، مولانا خسته پس از یک عمر خسته‌گی و دست و پنجه نرم کردن با مشکلات، به روز شنبه ۲۶ سنبله سال ۱۳۵۲ ه.ش. داعی اجل را لبیک گفت و از بساط هستی پاکشید. مولانا خسته یکی از تذکره‌نگاران برجسته معاصر کشور ما به شمار می‌آید، که در این زمینه بیشتر از دیگران قلم زده است. او علاوه بر کتاب «معاصرین سخنور»، هشت تذکره دیگر بر شرح احوال شاعران، موسیقی‌دانان، خطاطان، تذکره‌نگاران و سخنوران دری زبان سرزمین هند نوشته یا خطاطی کرده و یا شرح و تعلیق بر آن‌ها نگاشته است. کتاب‌های یاد شده، عنوان‌های زیر را شامل می‌شوند:

یادی از رفته‌گان، عقد ثریا، از معاصرین سخنور، تذکره خطاطان، تذکره تذکره‌نگاران، نفوذ دانش، معاصرین سخنور (جلد دوم) و فرقه ثالث.

همچنان بیشتر از پانزده عنوان کتاب دیگر از وی به جا مانده، که مهمترین آن‌ها خمستان، نظم الحیات، رمز حیات، ضرب‌المثل‌ها، دبیرستان بلخ، موسیقی دانان و کارستان بلخ نام دارد.



* خمستان: دیوان شعر خسته و نخستین اثر چاپی اوست که در سال ۱۳۱۴ ه.ش. به کمک جنرال قنصل افغانستان درهند (استاد صلاح الدین سلجوقی) چاپ شد. مولانا خسته در تذکره معاصرین سخنور، از کلیات شش جلدی خود و از دو جلد منتخبات خود نیز خبر داده است که متأسفانه امروز در دست نیست. خمستان در ۲۴ ساله‌گی او چاپ شد و بیانی است از اندیشه‌های جوان و جوانی خسته.

بخوانیم و بدانیم

۱. تذکره دلغت، یادآوری، وسیله تذکر و یادگار را گویند و در اصطلاح، به مجموعه یا کتابی گفته می‌شود، که در آن خلاصه احوال شاعران و نویسنده‌گان گرد آمده باشد.
۲. قدیمی‌ترین تذکره شاعران فارسی، تذکره «لباب‌الالباب» عوفی است، که ترجمه احوال شاعران پس از اسلام تا زمان مؤلف را در بر دارد.
۳. یکی از برجسته‌ترین آثار در زمینه تذکره نگاری، کتاب «معاصرین سخنور» اثر مولانا خال محمد خسته است، که معرفی ۱۷۹ تن از شعرای کشور، از عهد امیر عبدالرحمن خان تا سال ۱۳۳۹ ه.ش. را دربر می‌گیرد.
۴. مولانا خسته یکی از تذکره‌نگاران برجسته معاصر کشور ما به شمار می‌آید، او علاوه

بر کتاب «معاصرین سخنور»، هشت تذکره دیگر بر شرح احوال شاعران، موسیقی دانان، خطاطان، تذکره نگاران و سخنوران دری زبان سرزمین هند نوشته یا خطاطی کرده و یا شرح و تعلیق بر آنها نگاشته است.

۵. بیشتر از پانزده عنوان کتاب دیگر از مولانا به جا مانده، که مهمترین آنها خمستان، نظم الحیات، رمز حیات، ضرب المثل ها، دبیرستان بلخ، موسیقی دانان و کارستان بلخ نام دارد.



نمونه درخواست

ورقه درخواست..... «.....»

ولد..... «.....»

کارمند سابق وزارت امور خارجه

شماره تماس:.....

تاریخ: ۸۷/۶/۱۲

(آغاز)

(متن)

محترم وزیر امور خارجه! ————— (عنوان)

با تقدیم احترام و ادب، خدمت شما به عرض رسانیده می شود:

اینجانب که شهرتم در بالا ذکر شده است، از کارمندان سابق این وزارت می باشم که سال گذشته نظر به مشکلات خانوادگی مجبور به ترک وظیفه شده بودم.

اکنون که مشکلات پیشین برطرف گردیده و خود را آماده خدمت می بینم، با تقدیم این درخواست تقاضا دارم دوباره در یکی از بخش های وزارت محترم امور خارجه تقرر حاصل نمایم.

بنا از مقام محترم وزارت امور خارجه احترامانه خواهشمندم که دستور تقرر مجدد مرا به مراجع ذیربط صادر فرموده ممنون فرمایند.

از همکاری مقام محترم قبلاً اظهار سپاس می نمایم ← (پایان)

نام «نام خانواده گی»

امضا

کار گروهی و سخنرانی

۱. چرا ما دانشمندان و فرهنگیان خویش را در زمان حیات شان گرامی نمی‌داریم؟ و پس از مرگ به قدرشناسی شان می‌پردازیم؛ چگونه می‌شود این فرهنگ را تغییر داد؟ وظایف مردم و دولت در این زمینه چیست؟ شاگردان در این مورد باهم گفتگو کرده، راه‌های پیشنهادی شان را یک نفر یادداشت کند و نتیجه را به دیگران انتقال دهد.
۲. چند تن از شاگردان در مورد نقش فرهنگیان، استادان و معلمان در پیشرفت و تکامل جامعه سخنرانی کنند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.
۲. تصویر زیر را با موضوع «دشواری‌های پژوهشگران در جامعه ما» ارتباط داده، در مورد آن یک متن هفت سطری بنویسید.





۱. تذکره در لغت و در اصطلاح، به چه چیزی گفته می‌شود؟
۲. قدیمی‌ترین تذکره شاعران فارسی، چه نام دارد و توسط چه نوشته شده است؟
۳. مولانا خسته در عرصه تذکره‌نگاری چند کتاب نوشته و مهمترین آن‌ها کدام‌هاست؟



۱. چه کارهایی را روی دست بگیریم؛ تا بتوانیم شخصیت‌های فرهنگی جامعه را در زمان حیات شان قدردانی کنیم؟ در این مورد متنی بنویسید که از پانزده سطر کم نباشد.
۲. این ابیات را به حافظه بسپارید:

تا بماند نام نیکت پایدار	نام نیک رفتگان ضایع مکن
به کزو ماند سرای زرنegar	نام نیکو گر بماند ز آدمی

سعدی

۳. متن کامل درس بیست و هفتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که
تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:

۱. اسکندر که بود؟

۲. او در کدام زمان می‌زیست؟

۳. او در کجا و در کدام سال وفات یافت؟

۴. او چه کارهایی را انجام داد؟

۵. چرا اعیان این سرزمین را به مهمانی مادرش فرستاد؟

در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

مردان پاروپامیزاد

چو بست بهر جهانگیری از غرور میان
به چشم خلق نمودی خدای حربه و تیغ
ز خاک پاش نمودار خاک پادشهان
بران بشد که به دست آرد آریانا را
نماید از ره افغانستان به هند عبور
خدنگ چله پکتیسیان جگردوز است
پی حصول مرام، همچو آسیا پی نان
ز حال ابتر فرزند درهراس افتید
یگانه فاتح گیتی گشای، اسکندر
چه جای این که بیفتی به این چنین روزی
ستاره تو و یا این که آسمان افتاد؟
چه فتنه‌یست ندانم که چرخ بر پا کرد؟
که پادشه نتواند دهان مردم بست
بگوید آن که ازو نیست کمترین خبری
کجاست راه حقیقت کدام سو رانیم؟
خیال می‌کنم آنجا مکان دیو و پریست
کدام دیو خیالیست نام او پکتیس
سؤال مادر خود را به افسران انداخت
سکندر و همه یک ذره خاک پای تو من
ولی نه این که به خط و کتابت و مضمون
جواب آنچه ارسطوش هم نفهمیده

شنیده ام که سکندر شهنشۀ یونان
نبود برسر راهش کسی فزون از میخ
ز نوک حربۀ او می‌چکید خون جهان
چو کرد زیر وزبر سرزمین دارا را
گشاید این دژ پولاد را به پنجه زور
خبر نبود که این مملکت عدو سوز است
خلاصه این که چهل ماه ماند سرگردان
چو مادرش خبر فتح هند را شنید
نوشت نامه که ای نور دیده مادر
ترا نژاده بدم جز برای پیروزی
چرا به هند رفتی؟ چه درمیان افتاد؟
چه ساخت دهر که یونان حریف پیدا کرد
دلم زحرف بد و نیک اهل یونان خست
یکی زکوه ترا سرنگون کند، دگری
من و ارسطو و اعیان ملک حیرانیم
چو فیلسوف نداند که سد راه تو چیست
برای خاطر قلب حزین من بنویس
سکندر از سر خبرت به مشورت پرداخت
نوشت نامه سکندر که ای فدای تو من
سؤال سخت ترا می‌دهم جواب کنون
بین آه چه مشکل جواب پیچیده

برای یک دوسه هفته زراه مهمانی به شرط آن که گرامی بداری ایشان را ولی زیاده زحاجت مخوانشان پیشت بده قبول به دربارشان به روز نخست به مجلس دومی چون بخوانی ایشان را که سرفراز بیایند پس به خانه خویش امید من زجناب جلیله زین سان است که یک خریطه پُر از خاک آریانا هم که قبل مجلس ثانی به زیر فرش اتاق گرفت نامه فرزند را چو مادر او به مجلس اولی شد زهر دهن سخنی به مجلس دومی چون رسید نوبت کار چو خواستند خوانین آریانا را به درب قصر به هم خورد حالت ایشان درین میانه دوسه تن میان خون غلتید تو گوکه کنگره چرخ نیلگون افتاد هزار خُم نکند مست می پرستان را چه شورها که در این مشت خاک پرشور است

روانه شد به حضورت سران افغانی بدان نمط که شهبان پرورند مهمان را که با خبر نکنند از شجاعت خویش بگوی هرچه به فکر ورضا وخواهش تست به هدیه های گرامی نوازی ایشان را بدان غرور که شاهین به آشیانه خویش در این زمینه امیدم به خاک یکسان است روانه شد به حضور تو با سران توأم بگسترنند از این خاک مفخرت میثاق گذشت آنچه زحیرت گذشت برسر او ز باغ و گلشن خود چید هرکسی سمنی فشانده شد به تۀ فرش خاک حیرتبار نشان فخر و غرور نژاد آریا را فلک به لرزه درامد زصوت ایشان ز ضرب تیشه تو گویی که بیستون غلتید تو گوکه سقف به هم آمد و ستون افتاد چنان که ذره خاکی وطنپرستان را چه دیده ها که به راه امید آن کور است

سکندر است نه تنها که زور ما دیده
هزار آینه را این غبار پوشیده

استاد عبدالرحمن پژواک

توضیحات



* پژواک: شاعر، نویسنده، سیاست مدار و دیپلمات در سال ۱۲۹۶ هـ.ش. در یک خانوادهء روشنفکر و دانشور چشم به جهان گشود. استاد عبدالرحمان پژواک، پس از اكمال تحصیلات، زنده گی کاری خود را از ترجمانی زبان انگلیسی در انجمن تاریخ آغاز کرد. در ضمن به نوشتن آثار ادبی و هنری نیز می پرداخت. چندی بعد در

شعبات ریاست مستقل مطبوعات کار کرد؛ سپس مدیر مسؤول روزنامه اصلاح مقرر گردید و پسان‌ها آژانس باختر را رهبری کرد.

استاد پژواک سالیان زیادی به صفت سفیر کبیر و نماینده دایمی افغانستان، در سازمان ملل متحد با مسؤولیت و علاقه‌مندی کار کرد. عملکرد او در کارزار عرصه دیپلوماسی از هر باب چشمگیر بود و بنابر ژرف فهم و میزان تجارب به وظایف خطیر دیپلماتیک گماشته شد که از آن جمله ریاست کمیسیون تجدید نظر بر منشور سازمان ملل، ریاست کمیسیون حقوق بشر، ریاست مجمع عمومی و ریاست اسامبله خاص سازمان ملل را می‌توان نام برد. از استاد ۱۹ کتاب به زبان‌های دری، پشتو و انگلیسی در زمینه‌های مختلف به چاپ رسیده است. بالاخره استاد به روزپنجشنبه ۱۸ جوزای سال ۱۳۷۴ هـ. ش. در پشاور چشم از جهان پوشید.

* سکندر: اسکندر مقدونی (۳۵۶ تا ۳۲۳ پیش از میلاد) کشورگشای اهل مقدونیه در سده چهارم پیش از میلاد بود.

* سرزمین دارا: دارا یا داریوش شاه هخامنشی که بر سرزمین ایران قدیم حکومت می‌کرد. و قلمروی را که زیر فرمان او بود، به نام سرزمین دارا یاد می‌شد.

* آریانا: آریانا Ariana، کلمه لاتین شده یونانی Αρειανή آریانه یا آریانی Arianē نامی است که برخی از تاریخ‌دانان و جغرافیادانان یونانی سرزمین‌های شرقی را که در همسایه‌گی هند قرار داشتند، می‌نامیدند.

* پکتیسیان: مردم افغانستان قدیم،

* ارسطو: ارسطو یا ارسطاطالیس (۳۲۲ ق.م. - ۳۸۴ ق.م.) فیلسوف قدیم یونانی که شاگرد افلاطون و معلم اسکندر بود. او در عرصه‌های مختلفی؛ چون: فزیک، شعر، منطق و اخلاق کتاب‌ها و رساله‌هایی نوشته است.

بخوانیم و بدانیم

۱. اسکندر مقدونی، کشورگشای یونانی، در مدت کوتاهی بسیاری از کشورها را فتح کرد.
۲. هنگامی که می‌خواست افغانستان را فتح کند، سال‌های سال در برابر مقاومت مردم غیور این سرزمین قرار گرفت و شکست خورد.
۳. در طول تاریخ هیچ کشورگشایی نتوانسته است این کشور را فتح کند.
۴. در طول تاریخ سه عامل باعث شده است که مردمان این سرزمین سخت وطن‌دوست باشند: دین، فرهنگ و اقلیم.
۵. ارسطو، فیلسوف یونانی، شاگرد افلاطون و معلم اسکندر بود. او در عرصه‌های مختلفی؛

چون: فزیک، شعر، منطق و اخلاق کتاب‌ها و رساله‌هایی نوشته است.
۶. استاد پښواک شاعر، نویسنده، سیاست‌مدار و دیپلمات افغان بود که سال‌های زیادی در پُست‌های بلند سازمان ملل متحد کار کرد. از وی ۱۹ کتاب به زبان‌های دری، پشتو و انگلیسی در زمینه‌های مختلف به چاپ رسیده است.



• نامه‌های عاطفی

نامه‌های دیگری نیز رایج است که منظور از آن‌ها بیان مطالبی کوتاه در موقعیت‌ها و وضعیت‌های خاص است. این نامه‌ها به سازمان و اداره خاصی نوشته نمی‌شود؛ ولی به دلیل شکل خاصی که دارد، از نوع نوشته‌ها و نامه‌های رسمی است که باید بسیار کوتاه، صریح و محترمانه نوشته شود.

در تمام این نامه‌ها باید دقت کرد که زیباترین و گویاترین کلمه‌ها و تعبیرها ضمن کوتاه‌ترین جمله‌ها ادا شود؛ مانند نامه تبریکی به مناسبت‌های مختلف ازدواج، یکی از عیدهای دینی، جشن‌های ملی یا مذهبی، تولد، پیش آمدن موفقیتی در زنده‌گی، پیشرفت مهمی در یکی از مراحل تحصیلی، منصوب شدن فردی به یک مقام اداری مهم، تسلیت‌نامه، سپاسنامه، دعوت‌نامه، پیام‌های کوتاه و یاد داشت‌هایی که برای دیگران فرستاده می‌شود. برخی از این گونه نامه‌ها به قرار زیر است:

۱. تبریک‌نامه
۲. تسلیت‌نامه
۳. سپاس‌نامه
۴. دعوت‌نامه (شامل: دعوت‌نامه عمومی، خصوصی، شخصی و اداری)
۵. نامه سرگشاده

و نامه‌های ذیل بیشتر از طرف ادارات صادر می‌گردد:

۱. تقدیرنامه؛ ۲. تحسین‌نامه؛ ۳. اخطارنامه و....

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان باهم بحث و گفتگو کنند و جواب پرسش‌های زیر را دریافته، نتیجه را یک نفرشان به دیگران بگوید.

• وطن دوستی چیست؟

• چگونه می‌توانیم در قطار کشورهای پیشرفته جهان قرار بگیریم؟

۱. دو تن از شاگردان در برابر صنف حاضر شده، هر کدام یک نمونه کامل دعوت‌نامه و تسلیت‌نامه بر روی تخته بنویسند و قسمت‌های مهم آن را شرح دهند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا بنویسید.

۲. با نظرداشت آنچه در مورد نامه‌ها خواندید، در باره تصویر زیر یک متن در کتابچه‌های تان بنویسید.





خود آزمایی

۱. خلاصه حکایتی را که در شعر متن درس خواندید، با تعبیر خود قصه کنید.
۲. در طول تاریخ، کدام عوامل باعث شده است که مردمان سرزمین ما بسیار وطن دوست باشند؟
۳. ارسطو کی بود و در کدام عرصه‌ها از وی آثاری به جا مانده است؟
۴. استاد پژوهاک کی بود؟ چه کارهایی را انجام داد و از وی چند اثر به کدام زبان‌ها به جا مانده است؟
۵. نامه‌های عاطفی چیست؟
۶. نامه‌های عاطفی چگونه باید نوشته شوند؟



کارخانه‌گی

۱. خلاصه حکایتی را که در متن شعر آمده است، در کتابچه‌های تان نوشته، هدف و پیام آن را مشخص سازید.
۲. این بیت را به حافظه بسپارید:
دانی که حفظ دین و وطن بهر مرد حق
فرض است آنچنان که طهارت صلات را
بگسل ز خصم و دست به دامن دوست زن
خواهی اگر ز ورطه طریق نجات را
«ادیب الممالک فراهانی»
۳. متن کامل درس بیست و هشتم را خوانده و برای معرفی آن در روز آینده آماده‌گی بگیرید.

درس بیست وهشتم

- درس امروز توسط یک تن از شاگردان طوری معرفی شود که تشریحاتش جوابگوی پرسش‌های زیر باشد:
۱. خواجه نظام‌الملک کی بود؟
 ۲. کتاب «سیاست‌نامه» در مورد چه نوشته شده است؟
 ۳. چه کسی کتاب «سیاست‌نامه» را مدون ساخت؟
 ۴. شما شخصیت سیاسی نظام‌الملک را چگونه ارزیابی می‌کنید.
- در پایان معرفی، همین پرسش‌ها از چند شاگرد دیگر پرسیده شود.

سیاست‌نامه

قوام‌الدین ابوعلی حسن بن علی بن اسحاق ملقب به نظام‌الملک (خواجه نظام‌الملک) از سال ۴۵۵ هجری قمری تا ۴۸۵ هجری وزیر الپ ارسلان سلجوقی و فرزندش سلطان جلال‌الدین ملکشاه بوده است. او کتاب «سیاست‌نامه» یا «سِیَرُ الملوک» را برای جلال‌الدین ملکشاه نوشته و در آن، راه و رسم سلطنت را به وی نشان داده است. این کتاب را محمد مغربی نویسنده کتاب‌های سلطنتی (بین سال‌های ۴۹۲ و ۵۰۵)، پس از مرگ خواجه مرتب و مدون ساخته است.

کتاب سیاست‌نامه برای نمایاندن اوضاع اجتماعی زمان، از جمله کتب سودمند است؛ اما از روی آن فقط می‌توان اوضاع اجتماعی آن زمان را تا اواخر قرن پنجم و علی‌الخصوص در نیمه دوم قرن پنجم که هنوز دوره رفاه شمرده می‌شد، دریافت. با این حال نظام‌الملک در کتاب خود از بعضی رسوم اجتماعی و مقررات اداری که در زمان او متروک مانده و مورد استقبال پادشاهان سلجوقی قرار نگرفته است، شکایت دارد و نیز از برخی بی‌قانونی‌ها که به وسیله سلاطین و غلامان صورت می‌گرفت، اظهار ناخشنودی می‌کند.

در کتاب سیاست‌نامه داستان‌هایی درباره نحوه و شرایط به کار گماشتن در دستگاه حکومتی و توصیه آن‌ها به عدل به نحو شایسته‌یی گنجانیده شده است. نظام‌الملک عقیده داشت که پادشاه را چاره نیست از آن که هفته‌یی دو روز به مظالم نشیند و داد از بیدادگر

بستاند و انصاف بدهد و بی‌واسطه سخن رعیت را به گوش خود بشنود. این وزیر کاردان معتقد بود که سلطان باید در هرشهری مردی خداترس را مأمور کند و از احوال عامل، قاضی، محتسب و رعایا از خُرد و بزرگ وی را معلوم گرداند. او برخلاف افلاطون که فقط دانشمندان را لایق حاکمیت می‌دانست، علم و دانش را از شرایط لازم می‌داند؛ ولی شرط کافی، عدالت می‌پندارد. او می‌گوید: «خدای تعالی در هر عصر و روزگاری یکی را از میان خلق برگزیده است و او را به هنر فرمانروایی آراسته گردانیده است. سلطان باید چنان قلمرو حکومتی را به نظم بیاراید که مردم بتوانند با اطمینان و احساس امنیت در پی حَرَف و مشاغل خود بروند. هدف حکومت دنیوی پر کردن زمین از عدل و داد است. این عدل می‌بایست با نشاندن هرکس در جای شایسته خود حاصل آید که این نیز در جای خود موجب استواری ارکان دولت است.»

خواجه در روز شنبه دهم رمضان سال ۴۸۵ هجری در سفری به نهاوند به وسیله ابوطاهر ارانی باکارد به قتل رسید. یک ماه پس از آن، ملک شاه سلجوقی به طور مرموزی وفات یافت، که می‌گویند غلامان نظامیه به انتقام خون مخدوم خود (نظام‌الملک)، ملک‌شاه سلجوقی را مسموم کردند.

حکایتی از سیاست‌نامه

اندر مظالم نشستن پادشاه و عدل و سیرت نیکو ورزیدن

چاره نیست پادشاه را از آنک در هفته دو روز به مظالم نشیند و داد از بیدادگر بستاند و انصاف بدهد و سخن رعیت به گوش خویش بشنود بی‌واسطه و چند قصه که مهمتر بود باید که عرض کنند و در هر یکی مثالی دهد، که چون این خبر در مملکت پراگنده شود که خداوند عالم متظلمان و دادخواهان را در هفته دو روز پیش خویش می‌خواند و سخن ایشان می‌شنود همه ظالمان به شکوه اند و دست ظلم کوتاه کنند و هیچ‌کس نیارد بیداد و دست درازی کردن از بیم عقوبت.

چنین خواندم در کتب پیشینیان که بیشتر ملوک عجم دکانی بلند ساختندی و بر پشت

اسب بر آنجا بایستادندی تا متظلمان را که در آن صحرا گرد شده بودندی همه را بدیدندی و داد هر یک بدادندی و سبب این چنان بود که چون پادشاه جایی نشیند که آن جایگاه را درگاه و دربند و دهلیز و پرده باشد صاحب غرضان و ستمگران آن کس را باز دارند و نزد پادشاه نگذارند.

شنیدم که یکی ازملوک به گوش گران‌تر بوده است. چنان اندیشید که کسانی که ترجمانی می‌کنند سخن متظلمان با او راست نگویند و او چون حال نداند چیزی فرماید که موافق آن کار نباشد. فرمود که متظلمان باید که جامه سرخ پوشند و هیچ‌کس دیگر جامه سرخ نپوشد تا من ایشان را بشناسم و این ملک بر پیلی نشست و در صحرا بایستادی و هر که را با جامه سرخ دیدی بفرمودی تا جمله را گرد کردندی. پس به جایی خالی بنشستی و ایشان را پیش او آوردندی تا به آواز بلند حال خویش بگفتندی و او انصاف ایشان می‌دادی.

بخوانیم و بدانیم

۱. خواجه نظام‌الملک از سال ۴۵۵ هجری قمری تا ۴۸۵ هجری وزیر الپ ارسلان سلجوقی و فرزندش سلطان جلال‌الدین ملک‌شاه بود.
۲. او کتاب «سیاست‌نامه» یا «سیرالملوک» را برای جلال‌الدین ملک‌شاه نوشته و در آن راه و رسم سلطنت را به وی نشان داده است.
۳. در کتاب سیاست‌نامه داستان‌هایی درباره نحوه و شرایط به کارگماشتن در دستگاه حکومتی و توصیه آن‌ها به عدل به نحو شایسته‌یی گنجانیده شده است.
۴. او می‌گوید که سلطان باید چنان حوزه حکومتی را به نظم بیاوراید که مردم بتوانند با اطمینان و احساس امنیت در پی حَرَف و مشاغل خود بروند.
۵. خواجه در روز شنبه دهم رمضان سال ۴۸۵ هجری در سفری به نهاوند به وسیله ابوطاهر ارانی باکارد به قتل رسید.

• نمونه‌هایی از مکاتیب عاطفی

تبریک‌نامه: اصطلاحاً به نامه‌یی گفته می‌شود که شادمانی نویسنده را در مورد رویداد شادی بخشی که برای گیرنده نامه پیش آمده است؛ مانند:

دوست عزیز و رفیق شفیقم، بهزاد؛
موفقیت شما را در پایان رساندن تحصیلات عالی و نیل به درجه دکتورا
تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم در مراحل دیگر زندگی نیز همواره موفق
و شادکام باشید و توفیق خدمت به مردم را به نحو احسن پیدا کنید.
دوست دیرینت
مسعود

تسلیت‌نامه: نامه کوتاهی است که به هنگام مرگ کسی به بازمانده‌گان او می‌نویسند. تسلیت‌نامه نیز باید کوتاه و ساده نوشته شده و از تعارفات بیجا و یا درازنویسی در آن اجتناب صورت گیرد؛ مانند:

همکارگرامی جناب آقای محمودی!
با قلبی اندوه‌بار وفات پدر بزرگوارتان را تسلیت عرض می‌کنم و از خداوند بزرگ
خواهانم که به آن دوست عزیز، صبر عطا فرماید تا بتواند این مصیبت جانگداز
را تحمل نماید.

آن که در غم شما شریک است
کریم کیهان

سپاس‌نامه: به نامه‌یی گفته می‌شود که به موجب اجرای کار شایسته از طرف گیرنده نامه، به او داده یا فرستاده می‌شود؛ مانند:

شاگرد عزیز و نازنینم، غزل؛
اشتراک شما در «مسابقات بین‌المللی ادبیات شاگردان مکاتب» منعقدۀ شهر
پاریس کشور فرانسه و به دست آوردن مدال طلا را برای شما و همه اعضای
خانوادۀ تان تبریک گفته و زحمات شما را قابل تقدیر فراوان می‌دانم. از این
که افتخار بزرگی را برای افغانستان، ویژه مکتب ما، به ارمغان آوردید، از شما
صمیمانه اظهار سپاسگزاری می‌کنم و از خداوند متعال می‌خواهم توفیق بیشتری
را در راه خدمت به وطن و مردم افغانستان نصیب‌تان سازد.
معلم مضمون دری شما
ناجیه

کار گروهی و سخنرانی

۱. شاگردان به دو گروه تقسیم شوند. هر یک از گروه‌ها با مشوره هم، نمونه یک نوع متن سپاس‌نامه و تسلیت‌نامه را به عبارات خود بنویسند؛ سپس از هر گروه یک نفرشان نوشته گروه خود را در برابر صنف بخواند.
۲. دو تن از شاگردان مقابل تخته صنف آمده و خلاصه حکایت سیاست‌نامه را به هم‌صنفی‌های خویش بگویند.

املا و نگارش

۱. متنی را که معلم محترم می‌خواند به صورت املا در کتابچه‌های‌تان بنویسید.
۲. در باره این تصویر، با نظر داشت آنچه خواندید، در کتابچه‌های‌تان یک تبریک‌نامه بنویسید.



خود آزمایی



۱. خواجه نظام‌الملک کی بود و چه کتابی را نوشت؟
۲. کتاب «سیاست‌نامه» حاوی چه مطالبی است؟
۳. از نظر خواجه نظام‌الملک، سلطان باید چگونه باشد؟
۴. خواجه در کدام سال و چگونه به قتل رسید؟
۵. پس از مرگ وی، چه واقعه‌یی رخ داد؟

۶. تبریک‌نامه چیست؟
۷. سپاس‌نامه را تعریف کنید.

کارخانه‌گی



۱. خلاصهٔ حکایت «اندر مظالم نشستن پادشاه و عدل و سیرت نیکو ورزیدن» را با شیوهٔ نگارش خودتان بنویسید.

۲. این بیت را به حافظه بسپارید:

سروری در دین ما خدمت‌گریست	عدل فاروقی و فقر حیدریست
در هجوم کارهای ملک و دین	با دل خود یک نفس خلوت‌گزین

علامه اقبال

۳. نظریات شخصی‌تان را در مورد این کتاب، سال تعلیمی که گذشت و طرز برخورد و شیوه‌های تدریس معلم گرامی‌تان در یک ورقه، بدون ذکر نام‌تان نوشته و آن را در روز امتحان به صورت دسته جمعی گردآوری کنید و همه را یکجا به معلم محترم‌تان بسپارید؛ تا در سال آینده امکان تعدیلات لازم در شیوه‌های تدریس معلم گرامی و تغییرات لازم در چاپ‌های بعدی این کتاب در نظر گرفته شود.

واژه‌نامه (لغت‌نامه)

آ

به وجود آوردن، انشاء، ابداع، آفریدن
آواز، بانگ، صوت
دین، کیش، شریعت
افسوس

آفرینش
آوا
آیین
آوخ

الف

بی‌قدری، پستی، کهنه‌گی
دم بریده، ناقص، ناتمام
تبسم کردن، لبخند زدن، شگفتن
زمان پایان ناپذیر، زمانی که آن را انتها نباشد، زمان جاودان، مقابل ازل
خلقت، ایجاد، به وجود آوردن
آلت، وسیله، سامان کار
رسانیدن، آگاه کردن
سخن پوشیده گفتن، پیچیده و غامض کردن سخن
تلف کردن، نابود ساختن، تباه کردن
پرهیز کردن، دوری جستن، خویشتن‌داری
شامل بودن، در بر داشتن، اشتمال
به کسر الف به معنای بردن بار
خاص‌تر، مخصوص‌تر، ویژه‌تر
درک کردن، دریافتن، پی‌بردن، فهمیدن
حرفی را در حرف دیگری داخل کردن؛ مانند: بتر که در اصل بدتر بوده
میل، خواست، قصد، آهنگ
مقام، اعتبار، احترام، اندازه، ارزش
موزیم تاریخی و بزرگ در لنینگراد روسیه
زمانی که آن را ابتدا نباشد، زمان بی‌آغاز و بی‌ابتدا، مقابل ابد.
ظلم، تعدی، جبر
جداکردن، بیرون آوردن، خارج کردن
حاصل گرفتن، حاصل خواستن، نتیجه گرفتن
استواری خواستن، محکم شدن
از جزئی به کلی پی‌بردن، جستجو کردن، کنجکاوی کردن
دلجویی کردن، دلخوشی دادن، به سوی خود متمایل ساختن

ابتدال
ایتر
ابتسام
ابد
ابداع
ابزار
ابلاغ
ابهام
اتلاف
احتراز
احتوا
احمال
أخص
ادراک
ادغام
اراده
ارج
ارمیتاژ
ازل
استبداد
استثنا
استحصال
استحکام
استقرا
استمالت

استناد	چیزی را سند قرار دادن، پشت دادن و تکیه کردن
استنباط	استخراج حقایق، بیرون آوردن چیزی، درک کردن
استکشاف	آشکارساختن، کشف چیزی را خواستن، طلب کشف کردن
اسراف	تلف کردن مال، ولخرجی کردن
اسطوره	افسانه، قصه، حکایت
اصوات	جمع صوت به معنای آواز
اضطراب	پریشان شدن، آشفتگی شدن، مشوش ساختن
اطلاق کنند	روان کنند، در نظر گیرند
اطلاق	استعمال کلمه‌یی به معنای مخصوص، خواه به طریق حقیقت یا مجاز
اعتدال	میانه‌روی، حد وسط
إعراب	حرکت حرف آخر در واژه‌های عربی
اعیان	اشراف، بزرگان، بزرگواران
اغراض	جمع غرض به معنای: قصد، دشمنی، هدف
اغما	بیهوشی، از خود رفته‌گی
افراط	زیاده روی کردن، از حد و اندازه تجاوز کردن
افهام	یاد دادن، داناکردن، فهماندن
افول	غروب کردن، پنهان شدن، ناپدید شدن
اقشار	جمع قشر به معنای طبقه و گروه، پوست
التهاب	ورم، پندیده‌گی
القا	یاد دادن، آموختن، تلقین کردن، افگندن
الهام	القای امری از جانب خداوند در دل انسان، در دل افگندن امری یا مطلبی
الهیات	آنچه مربوط به (اله) باشد، علم الهی
الی الابد	تا جاودان، تا ابد، همیشه
امیال	جمع میل به معنای خواهش، آرزو
انارشی	هرج و مرج، بی‌نظمی، بی‌سروسامانی
انيساط	گشاده رویی، شادی، خوشی، باز شدن
انجم	جمع نجم، ستاره‌گان، اختران
اندوخته	جمع شده، فراهم آمده، ذخیره شده
انسداد	بسته شدن، بند آمدن، بند شدن
انفاق	نفقه دادن، خرچ کردن مال
انقسام	بخش بخش شدن، قسمت شدن، منقسم شدن
انکشاف	آشکار شدن، پدیدار شدن، گشاده شدن، وسعت یافتن
ایراد	خرده‌گیری، وارد کردن، بیان کردن

اكتسابی	آنچه از راه سعی و کوشش به دست آید
اکلیل	تاج، افسر
ایادی	جمع ایدی (جمع الجمع) به معنای دست‌ها، دستان
ایجاز	مختصر کردن، کوتاه کردن
ایفا	بسرآوردن، تمام کردن، حق کسی را تمام دادن
الغیاث	فریاد، دادخواهی
اخضر	سبز
ادبار	بدبختی
ایام	روزها

ب

بازرگان	تاجر، سوداگر
باطن	پنهان، ضمیر، اصل، حقیقت، اندرون
بحار	جمع بحر، دریاها
بحث	کنجکاوی، جستجو، کاوش
بدیهی	روشن، واضح، آشکار و ضروری در نظر عقل
بدیع	تازه، نو، جدید، شگفت
بدیهه	ناگهانی، حاضر جوابی، بدون تفکر سخن گفتن یا شعر سرودن
بذل	سخن دلکش، شوخی، لطیفه
برین	بالا تر، برتر
بسمل	هر جانوری که آن را ذبح کرده و سر بریده باشند، نیم جان
بشکند	بکشد، او را از بین ببرد، به قتل برساند
بشکوهند	بترسند
بصری	منسوب به بصر، چشمی، یا هنرهای بصری
بلیغ	رسا، فصیح، سخن شیوا
بُن	بنیاد، بیخ، ریشه، اساس
بنیاد	بیخ، پایه، اصل، اساس، ریشه
به تن خویش کردن	خود شخصا عهده‌دار شدن
بهل	بخشیدن، گذشت
بوار	نیست شدن، هلاک گشتن، نابود شدن
بومی	محلی، منطوقی
بیشه	نیزار، نیستان، جنگل کوچک
بیضه	تخم مرغ
بخرد	عاقل، هوشیار، خردمند

برازنده	شایسته، لایق، زبینه
برکشید	بلند شد، ارتفاع گرفت
بار	میوه

پ

پدرود	وداع، خداحافظی، ترک کردن
پرتگاه	جایی بلند که احتمال سقوط از آن رود، لغزشگاه
پرتو	روشنی، شعاع، فروغ
پرخاشگری	درشتی و تندى، جنگ و جدال، پیکار
پژوهشگران	محققان، کسانی که کاوش و تحقیق می‌کنند
پویا	رونده، دونده، جاری، بدون توقف
پوینده	جستجو کننده
پود	تاری که در عرض نسج بافته می‌شود

ت

تارک	قسمت اعلای هرچیز، قله، سر، فرق
تازیانه	شلاق، قمچی، آنچه بدان چهارپایان را زند و رانند
تأمل	اندیشه کردن، فکر کردن، دقت کردن در امری
تأویل	بیان کردن، تعبیر کلام، بازگردانیدن، بازگشت کردن از چیزی
تبعید	دور کردن، راندن، کسی را از شهری بیرون راندن
تبلور	بلوری شدن، درخشنده شدن
تتبع	دنبال کردن، در پی چیزی رفتن، جستجو کردن
تجانس	همجنس بودن، از یک جنس بودن، همجنسی
تجلی	جلوه‌گر شدن، هویدا شدن، نمایان شدن
تجهیزات	جمع تجهیز به معنای سامان‌ها، لوازم، ساز و برگ‌ها
تحریر	برانگیختن، ترغیب کردن، تحریک کردن
تحریر	تغییر و تبدیل، برخی از حروف یک کلمه را عوض کردن
تحقق	حقیقت، واقعیت، راستی، به حقیقت پیوستن
تحقیق	رسیدن، به حقیقت پیوستن، پژوهیدن
تحول	دیگرگون شدن، برگشتن از یک حالت به حالت دیگر
تخصص	اختصاص، ویژه‌گی، مخصوص گردانیدن به چیزی
تدوین	گرد آوردن، فراهم کردن، جمع‌آوری کردن، تألیف
ترتیل	نرم خواندن، آهسته خواندن، قرآن را با قرائت درست خواندن
تردد	دو دله شدن، دو دلی، رفت و آمد کردن
تردید	بازگردانیدن، مردد بودن، دو دله بودن

به رغبت درآوردن، خواهان کردن، راغب کردن، متمایل ساختن	ترغیب
گرد آمدن مردم در یکجا و فشار آوردن به هم	تزام
آسان کردن، سهل کردن	تسهیل
مساوی کردن، برابر کردن، یکسان کردن	تسویه
به یکدیگر شبیه شدن، مانند هم بودن، همانندی	تشابه
تمیز، چیزی را از دیگری بازشناختن	تشخیص
لرزیدن، درهم کشیده شدن، لرزش	تشنج
شکل پیدا کردن، صورت پذیرفتن، خوب صورت شدن	تشکل
دسته دسته کردن، صنف بندی، صنف کردن	تصنیف
خودنمایی کردن، خود را به داشتن صفتی وانمود کردن	تظاهر
میزان برابری، باهم برابر شدن	تعادل
بلند شدن، برتر شدن، بلند پایه شدن، ترقی	تعالی
عذر و بهانه	تعذر
عرق کردن، به عرق درآوردن	تعریق
درک کردن، سخن یکدیگر را فهمیدن	تفاهم
کوتاهی کردن در کاری، ضایع کردن	تفریط
یاد دادن، دانا کردن، فهماندن	تفهیم
ترتیب دادن، مرتب کردن، دو چیز را به هم آوردن	تلفیق
پذیرفتن، پذیرش	تلقى
شهرنشین شدن، با اخلاق و آداب شهریان خو گرفتن	تمدن
مسخره کردن، ریشخند زدن	تمسخر
کشمکش موجودات با همدیگر برای حفظ بقای خود	تنازع
پاکیزه کردن، خالص کردن، اصلاح کردن	تنقیح
سختی، فشار، راه تنگ	تنگنا
بی پروایی، گستاخی	تهوّر
باهم، همراه	توأم
یگانه کردن، یکی ساختن	توحید
واضح کردن، آشکار ساختن، شرح دادن	توضیح
وهم داشتن، گمان بردن، خیال و گمان	توهم
دویدن، جستجو، شتاب	تکاپو
به کمال رسیدن، به تدریج کامل شدن	تکامل
متعهد شدن، به عهده گرفتن	تکفل

ج

جبن	ترس، بیم، هراس، جبران کردن، اعاده کردن
جبیره	تخته‌های باریک که شکسته‌بند موضع شکسته استخوان را با آن‌ها می‌بندد
جزر	پایین رفتن آب دریا
جعبات	جمع جعبه به معنای: صندوق، صندوق کوچک، هر چیزی شبیه صندوق
جوانه	شاخه تازه درخت، جوانی، شباب
جوشن	زره، سلاحی که از حلقه‌های آهن سازند.
جور	زحمت، مشقت
جرم	گناه

چ

چاشنی	سخنان لطیف و دلکش، چیزی که به اندازه چشیدن باشد.
چتر	سایه‌بان کوچک، آنچه که چیزهایی را در زیر سایه خود قرار دهد.
چراخور	چراگاه، علفچر.
چله	زه کمان، نخ‌ی که از تارهای باریک تابیده شود، تارکمان.
چوگان	چوب نیزه‌بازی که دسته آن راست و باریک است.

ح

حامی	حمایت کننده، نگاه‌دارنده، پشتیبان
حدود	جمع حد به معنای اندازه
حذر	پرهیز کردن، دوری کردن، بیم و ترس
حربه	آلت جنگ، سلاح
حرفوی	مسلكی، بامهارت
حرم	گرداگردخانه، اندرون سرا، داخل خانه
حزین	اندوه‌گین، غمگین، اندوهناک
حشمت	عظمت، شکوه، جاه و جلال و بزرگواری
حفریات	کندن کاری، کاوش کردن
حمال	کسی که بار بر پشت خود حمل کند، باربر
حمایل	بندهای شمشیر، آنچه به شانه و پهلوی آویزند
حمراء	سرخ
حکمت	علم، دانش، عدل

خ

خاتم	انگشتر، مهر، نگین
خامه	قلم نی
خبرت	آگاهی داشتن به حقیقت، مجرب بودن
خدنگ	نوعی چوب سخت و تیری که از چوب خدنگ ساخته باشند

افسانه‌ها، سخنان بیهوده	خرافات
ماه گرفته‌گی، زمانی که زمین بین خورشید و ماه قرار می‌گیرد	خسوف
فراوانی، حاصل خیزی	خصب
شهر بزرگ، ناحیه، مملکت، کشور	خطه
گشادگی بین دو چیز، رخنه، سوراخ	خلل
خفک کردن، بند آمدن نفس	خناق
جمع خان، امیران، سرلشکران، پادشاهان	خوانین
نام شهر است	خلخ

د

دفتری که در آنجا نامه‌ها، فرامین و دستورات پادشاه و مقامات را می‌نویسند	دارالانشا
بزرگی، عظمت، شان و شکوه	دبدبه
نویسنده، منشی، کاتب	دبیر
مزاج، خوی، عادت، دانستن، عقل، دانش	درایت
گنجانیدن، جا به جا کردن، نوشتن مطلبی در کتاب، رساله و مانند اینها	درج
واحد پول قدیمی، پول نقره‌یی، مسکوک نقره‌یی	درهم
دزدی، چپاول، غارت، تصرف	دستبرد
ترس، بیم، تشویش	دغدغه
روزگار، زمانه، زمان دراز، جهان	دهر
سرگشته‌گی، سراسیمه‌گی، ترس و خوف	دهشت
اتاقکی که در جایی بلند قرار داشته باشد	دکان
راهرو	دهلیز
واحد پول قدیمی، پول طلایی، مسکوک طلایی	دینار

ذ

خوار، پست، زبون، حقیر	ذلیل
آب شدن، گداخته شدن	ذوب

ر

ردیف، قطار	راستا
مهربانی، شفقت، رحم، ترحم	رأفت
سوار	راکب
سوراخ، شکاف، چاک	رنه
رسته، رده، صف، پشت سرهم	ردیف
بزرگ شدن، نمو کردن	رشد
آرام گرفتن، ایستادن، کساد، تنبلی، کاهلی	رکود

زشت، قبیح، سخیف	رکیک
ایما، اشاره، راز نهفته	رمز
مرکب دوندۀ فراخگام و خوش سواری	رهوار
نقل کردن مطلب، خبر یا سخن از کسی	روایت
با ضم حرف {ر}: جان، روان	رُوح
با فتح حرف {ر}: نسیم خوش آیند، بوی خوش	رَوَح
خواب خوش، متضاد کابوس	رویا
منسوب به ریه به معنای شش (همردیف جگر)	ریوی
تحمل رنج و تعب، زحمت و رنج کشیدن	ریاضت
ز	
پاک کردن، پاکیزه ساختن	زدودن
کسانی که کار شان استخراج طلاست	زرکش
پیشوای قوم، حاکم، کسی که ادارهٔ امور کشور را در دست دارد	زمامدار
امان، پناه، مهلت	زنهار
طاقت، توان	زهره
ژ	
گود، عمیق، دور و دراز	ژرف
شوریده، آشفته، درهم، پریشان	ژولیده
س	
سوال کننده، طلب احسان، گدایی	سایل
پیشی گرفتن، تقدم جستن، پیش دستی	سبقت
حکم لازم الاجرا	سجل
بقیۀ حیات را نگاه داشتن، گرسنه گی را بند آوردن	سد رمق
صد سال، یک قرن	سده
پُر، لبریز، لبالب	سرشار
روش، رفتار، سازش	سلوک
عنوان، مقام، رتبه	سمت
مضمون، مایه	سوژه
راندن، حرکت دادن	سوق
ماتم، مصیبت، غم، عزاء، اندوه	سوگ
چرت، فکر	سوداء
خرید و فروش، داد و ستد	سودا
لایق، درخور	سزاوار

سود
سپید دار
نفع، ضد (نقص)
درخت عرعر

ش

شارع عام
شرابین
شرر
شط العرب
شفاهی
شکال
شکوه
شیوه
راه عمومی، راه بزرگ
جمع شریان به معنای رگی که خون را از قلب به انساج می‌رساند
پاره آتش که به هوا بپرد، جرقه
دریاچه‌یی است که کشور ایران را از کشور امارات متحده عربی جدا می‌سازد. آن را به نام خلیج فارس نیز یاد می‌کنند.
سخنی که با لب و زبان گفته شود و نوشته نشود
شغال، حیوانیست مانند روباه
جاه و جلال، حشمت و شوکت
راه، روش، طریق

ص

صاحب غرضان
صدفه
صدمه
صراحت
صلابت
صُور
صوفیه
صولت
صیقل
صبا
کسانی که فکر بدی دارند
اتفاق افتادن، به وقوع پیوستن ناگهانی و بدون دلیل
آسیب، آزار، مصیبت
آشکاری، روشنی، خلوص، بی‌آمیخته‌گی
استواری، محکمی، سختی، مخوف بودن قدرت
جمع صورت به معنای شکل، طریق، روی، چهره
پیروان طریقه تصوف، اهل طریقت
هیبت، قدرت، خشم، غلبه
جلا، درخشش، زدوده‌گی چرک و زنگ
صبحگاهی

ض

ضمیر
ضیاع
ضیغم
باطن انسان، آنچه اندرون دل بگذرد، اندیشه
بی‌فایده، بیهوده، بی‌ثمر، تلف، تباه
شیرقوی، شیر درنده

ط

طراز
طرب
طغیان
طوایف
طوتان خامون
طریقه، نمط، روش
شاد شدن، شادمانی، نشاط
از حد خود درگذشتن، از اندازه تجاوز کردن
جمع طایفه به معنای گروه، جماعت، دسته
آثار باستانی مصر قدیم مربوط عصر فرعون یازدهم از سلسله رامسس دوم

که در سال ۱۹۲۲ م کشف گردیده است

گنبد

طارم

ع

عتیقه	باستانی، قدیم
عدم	نیستی، نابودی، ضد وجود
عدید	شماره، شمرده شدن، زیاد، بسیار، فراوان
عرش	فلک الافلاک، سقف، قصر
عرصه	محوطه، میدان، فضا، ساحه
عرضه	پیشنهاد، نمایش، ارائه
عرف	رسم و رواج، عادت
عزیمت	قصد کردن، آهنگ کردن، دل به کاری نهادن
عقونت	بدبو شدن، گندیده گی، بدبویی
عقوبت	مجازات
عنصر	بیخ، اصل، ریشه
عنف و کره	به زور و به ناخواست
عهد	پیمان، شرط، میثاق
عهده	مسئولیت، ذمه، متقبل شدن
عواطف	جمع عاطفه به معنای شفقت، مهر و علاقه و مهربانی

غ

غلو	زیاده روی در کاری یا در وصف کسی یا چیزی، گزافه گویی
غنا	توانگری، بی نیازی، دولت مندی
غول	جانور ترس آور، بزرگ جثه و بد هیكل
غواص	آب باز

ف

فاقد	آن که چیزی یا کسی از دست او رفته باشد، نادر
فحص	جستجو کردن، کاوش، تفتیش کردن
فرارود	آنسوی دریا، ماوراءالنهر، آنسوی دریای آمو
فرعون	پادشاه مصر قدیم قبل از میلاد
فروع	جمع فرع به معنای شاخه، آنچه از اصل چیزی جدا شود
فضایل	جمع فضیلت به معنای افزونی در علم و معرفت، برتری، فزونی
فقاع	سخت پلید، ناروا، نامشروع، سرخ فام، سرخ رنگ
فقید	گم شده، از دست رفته، وفات یافته
فلاسفه	جمع فیلسوف به معنای حکیم یا دانشمندی که چندین علم را بداند

فرجام
فیروزی

آخر، سرانجام، پایان هر کار
کامیابی، موفقیت

ق

قبضه
قریحه
قصه
قضا
قلمرو
قندیل
قهقرا
قیود
قاقم
قدرم

جای گرفتن شمشیر، کارد، کمان و خنجر
طبع، ذوق و قدرت طبیعی در سرودن و نوشتن شعر و نثر
عرض حال
داوری
منطقه حکومت، ناحیه حکمرانی، حوزه فرمانروایی
چراغ‌دان، شمع‌دان، چراغ‌آویز
بازگشت به عقب، پس پس رفتن
جمع قید به معنای بند، بستن، درجس ماندن
حيوان دارای پوست سفید و نرم
تقدیرم

ک

کانون
کدر
کرامت
کسوف
کفاف
کلام
کلمات قصار
کنایه
کنیشکا
کوتاه دست
کیفر

مرکز، محل اصلی
مدیر، اداره کننده یک اداره
بزرگی ورزیدن، خارق عادت که از ولی و صالحان دیده می‌شود
آفتاب گرفته‌گی، زمانی که ماه میان زمین و خورشید واقع شود
آنچه برای چرخاندن زنده‌گی کافی باشد
قول، گفتار، سخنی که دارای معنای کامل باشد
سخنان کوتاه
سخن پوشیده گفتن، سخنی که معنای آن صریح نباشد
امپراتور بزرگ کوشانی آریایی
کسی که به مال مردم دست درازی نکند
سزا، جزا، مکافات گام قدم، فاصله میان دو پا هنگام راه رفتن

گ

گاوصندوق
گرایش
گرد کردن
گستره
گلایه
گویش
گیومه

صندوق بسیار بزرگ که در برابر حوادث مقاوم باشد
میل، رغبت، خواهش، تمایل
جمع کردن
پهنا، سطح
شکوه و شکایت، گله
لهجه، گفتار، کلام، سخن
یکی از نشانه‌های نگارشی، قوس کلان

ل

لئیم	فرومایه، سفله، ناکس
لخت	لحظه، قسمت کوچکی از زمان
لغز	چیستان، کلام پیچیده، سخن سر بسته
لوث	آلایش، آلوده کردن، آلوده گی

م

مؤکدّ	تأکید کرده شده، محکم و استوار
ما حول	گرداگرد، پیرامون، اطراف
مالش دادن	تنبیه کردن
ماوراء الطبیعه	در پس و در عقب طبیعت، آنسوی طبیعت
ماورای طبیعی	در پس و در عقب طبیعت، دنیایی که برای ما قابل دید نیست
مبادرت	پیشی گرفتن، شتاب کردن، تعجیل
مبالغه	افراط و زیاده روی در مدح کسی یا چیزی
مبتذل	پیش پا افتاده، بی ارزش، خوار و ناپسند
مبرم	محکم، ثابت، قاطع، استوار شده
مبین	بیان کننده، آشکار کننده، واضح و روشن کننده
متبلور	بلور شده، چیزی که شبیه بلور شده باشد، انعکاس یافتن
متعالی	بلند، رفیع، بلند پایه، بلند مرتبت
متقدمین	مردمان زمان گذشته، پیشینیان، گذشته گان
متلاشی	چیزی که اجزای آن از هم گسیخته و پراکنده شده باشد
متمادی	طولانی، دایمی، دراز
متمول	مالدار، ثروتمند
متناسب	هماهنگ، دارای تناسب
مثال	فرمان
مجاب	کسی که در مناظره مغلوب شود، جواب داده شده
مجامله	چرب زبانی، خوشامدگویی
مجدانه	از روی کوشش، با جدیت، از روی سعی و تلاش
مجنوب	جذب شده، شیفته و فریفته
مجرا	جای روان شدن، محل جریان یافتن
مجمل	مختصر، کوتاه، خلاف مفصل
محامد	جمع مَحْمَدَه به معنای کسی را ستودن، ستایش کردن
محاوره	گفتگو کردن، باهم سخن گفتن
مُحتشم	دارنده حشمت و بزرگی و شکوه

محدث	کسی که احادیث پیامبر ﷺ را نقل کند، دانشمند علم حدیث
محسوس	چیزی که وجود و اثر آن احساس شود
محور	جای چرخش، آنچه گرد بگردد، چرخه دولا ب
مخافت	ترسیدن، خوف داشتن، بیمناک شدن
مخرج	جای خارج شدن، محل خروج
مخروب	خراب شده، ویران شده
مخلص	محل رهایی، راه خلاص، راه نجات
مد	بالا رفتن آب دریا
مدار	جای دور زدن و گردش، جایی که چیزی دور می زند
مدارک	جمع مدرک به معنای سند
مداوم	ادامه دهنده، دوام دهنده، همیشه گی
مراثی	جمع مرثیه
مرام	مقصود، آرمان، هدف
مرثیه	شعر یا سخنی که درسوگواری میت و ذکر نیکی های او خوانده می شود
مروت	جوانمردی، مردمی، نرم دلی
مزج	آمیزش، اختلاط، درهم آمیختن
مزمّن	کهنه، دیرینه، آنچه که زمان درازی بران بگذرد
مزیت	افزونی، برتری
مزید	افزون، زیاد، بسیار
مساعی	سعی ها، کوشش ها، تلاش ها
مستعار	عوضی، بدلی، چیزی که به عاریت گرفته شده باشد
مستغنی	بی نیاز، ثروتمند، توانگر
مستلزم	آنچه که چیز دیگری را لازم دارد
مستمند	بینوا، بیچاره، اندوهگین
مستورات	جمع مستوره به معنای پوشیده درپرده، عقیف، پاکدامن، با ستر
مستولی	مسلط شدن، غلبه یافتن
مسحور	سحر زده، جادو شده، فریفته شده
مسلّم	باور کرده، سپرده شده، قبول شده، پذیرفته شده
مسیر	رفتن، روان شدن، جای سیر و گردش
مشاهرت	شهریه، ماهانه
مشایخ	پیران، بزرگان
مشتق	چیزی که از چیز دیگری جدا شده باشد
مُصَرَّحَه	تصریح شده، روشن و آشکار شده

مضموم	حرفی که حرکت ضمه (پیش) دارد
مطابقه	برابر کردن، برابر شدن، متحد شدن
مطایبه	شوخی و مزاح کردن، خوش طبعی کردن
مظالم	مظالم جمع مظلومه به معنای ظلم و ستم که به کسی شده باشد و یا آنچه به ظلم و ستم از کسی گرفته شده باشد.
معتبر	با اعتبار، امین و محل اعتماد
معضل	مشکل، سخت، دشوار، زشت
معقول	پسندیده عقل، آنچه که به وسیله عقل درک شود
معیار	اندازه و پیمانه، مقیاس و آلت سنجش
مغ	مرد روحانی، زردشتی، آتش پرست
مفخرت	چیزی که بدان افتخار کنند، چیزی که بدان نازند
مقتضیات	شایسته‌ها، حاجات، ضرورات
مکسور	حرفی که حرکت کسره (زیر) دارد
مکنیه	کنایه‌دار، کنایه داده شده
ملاطفت	نیکویی و نرمی کردن، مهربانی کردن به کسی
ملکوت	عالم غیب، دنیای آسمانی
ممارست	تمرین کردن، به کاری پرداختن و همیشه به آن مشغول بودن
مناصب	جمع منصب به معنای مقام، رتبه، شغل رسمی
مناظره	مباحثه و مجادله
منتقد	انتقاد کننده، نقد کننده، کسی که کتابی یا نوشته‌یی را بخواند و محاسن و معایب آن را بگوید
منجر	منتهی شونده
منجنيق	آلتی مرکب از فلاخن ماندی بزرگ، که بر سر چوبی قوی جابه‌جا می‌شد و در جنگ‌های قدیم به وسیله آن سنگ و آتش به طرف دشمن پرتاب می‌کردند.
منحصر	انحصار یافته، محدود و محصور
مندرس	کهنه، فرسوده، پاره پاره
منزه	پاک و پاکیزه، پاکدامنی، بی آلایش، دور از بدی و زشتی
منزوی	کسی که از مردم دوری گزیند و در گوشه‌یی بنشیند
منشا	اصل، مبدأ، جای پیدایش، محل نشو و نما
منطبق	مطابق و برابر
منقول	نقل شده، روایت شده
منوط	مربوط، وابسته، بسته شده

مهار	زام، افسار، کنترل کردن
مهلک	هلاک کننده، کشنده، نابودکننده
مهمات	مجموعه لوازم و وسایل نظامی، شامل انواع اسلحه و ابزار جنگ
مهیب	سهمناک، خوفناک، ترساننده
مهیج	هیجان‌انگیز، به هیجان آورنده، بر انگیزنده
موازی	برابر، یکسان، باهم
موانع	جمع مانع، بازدارنده‌ها
موثق	مورد وثوق و اطمینان، عهد و پیمان و استواری
موجد	به وجود آورنده، ایجاد کننده، آفریننده
موقت	آنچه که در مدتی محدود و معین باقی می‌ماند. متضاد دایم، پایدار
موقف	محل، مقام، مسکن
موهبت	بخشش، دهش، آنچه که به کسی ببخشند
میخ	بخاری تیره که نزدیک به زمین پدید آید، مه غلیظ، ابر
ن	
نازک	دقیق
ناظم	نظم دهنده، به نظم آورنده، کسی که کاری را نظم دهد
نامأنوس	ناآشنا، ناشناخته، دور از ذهن
ناوک	تیر، تیر انداز، هرچیز میان خالی
نایل	یابنده، بهره‌مند، به مقصود رسیدن
نبض	جنبیدن رگ، حرکت قلب، ضربان قلب
نحوه	طریقه، روش
نستوه	خسته‌گی ناپذیر، کسی که از کار و کوشش به ستوه نیاید
نشئل جیوگرافیک	انجمن ملی جغرافیایی، جغرافیای مردمی، نام یکی از مؤسسات
نظارت	مراقبت کردن، نگریستن، نظر کردن
نقض	باطل کردن، منهدم کردن، شکستن عهد و پیمان
نکوهش	بدگویی کردن، مذمت، ناستوده
نکوهیده	سرزنش شده، عیب گفته
نگارش	تحریر، نگاشتن، نوشتن
نمط	راه، روش، طریقه
نهاد	ساختمان، بنیاد، باطن
نوامیس	جمع ناموس به معنای شرف، عصمت، عزت
نوسان	جنبیدن و تکان خوردن چیزی در جای خودش
نیاز	حاجت، ضرورت، میل و خواهش

نیایش	دعا، ستایش، پرستش، دعا از روی تضرع
نیل	رسیدن به مقصود، به دست آوردن مراد
نیوشیدن	شنیدن، گوش کردن و پذیرفتن
نگارنده	نقش کننده
ناگزیر	ناچار، بیچاره
نماینده	نشان دهنده
نیاز	حاجت
نیرو	توانایی، قدرت
نگونسار	سرچپه، واژگون

هـ

هجو	بدگویی کردن، برشمردن معایب کسی
هزل	شوخی، مزاح کردن، سخن غیر جدی
هلاهل	گیاهی است سمی که دارای قویترین زهر است
همسان	همانند، شبیه، مانند همدیگر
هوا	هوی: میل، خواهش، هوس
هولناک	پر بیم و ترس، خطرناک، چیزی که از آن بیم و هراس آید
هویدا	آشکار، واضح، روشن
هیولا	صورت، هیکل، حیوان ترسناک
هین	حرف تنبیه به معنای هوشدار، هشیارباش، توجه کن
هیکل	جثه، اندام، قالب آدمی
همان	همچنان
همیمه	هیزم، چوب سوخت

و

وثیقت	آنچه عهد و پیمان را استوار سازد، سند
وجاهت	خوبرویی، زیبایی، مقبولیت عام
وجه	پول یا چیز دیگری که به وسیله آن زنده گی گذرانند
وصمت	نگ، عار، عیب
ولوله	شور و فریاد

ی

یارا	توانایی
یزک	پیشرو سپاه، مقدمه لشکر، در اینجا به معنی اشعه خورشید
ینما	چور و چپاول

فهرست منابع

۱. احمد نژاد، کامل (دکتر)، فنون ادبی، چاپ چهارم، انتشارات پاپا، تهران، ایران، ۱۳۸۲
۲. اخگر، مطهرشاه، آگاهی از خطرات ماین، مهمات منفجرناشده و معلولیت، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی و تألیف کتب درسی، وزارت معارف، کابل، افغانستان، ۱۳۸۷
۴. انصاری، خواجه عبدالله، علی پناه (زیر نظر)، مناجات خواجه عبدالله انصاری، چاپ پنجم، کتابفروشی فروغی
۶. باختری، واصف، پیشینه تاریخی ادب فارسی دری، آریانای برونمرزی، سال هشتم، شماره اول
۸. بلخی، محمد حنیف حنیف، پرتاووس، چاپ دوم، نشر مؤلف، پشاور، پاکستان، ۱۳۸۱
۹. بلخی، مولانا جلال الدین، مثنوی معنوی، چاپ نهم، انتشارات پژوهش، تهران، ایران، ۱۳۸۶
۱۰. بنووال، محمد افضل (دکتر)، فولکلور و پیوند آن با ادبیات (دست نویس)
۱۲. بیدل، میرزا عبدالقادر، کلیات بیدل، جلد اول (غزلیات)، مطبعه وزارت معارف، کابل، ۱۳۴۲
۱۳. پژواک، عبدالرحمان، بانوی بلخ (مجموعه اشعار دری و پشتو)، مؤسسه پژواک، پشاور، ۲۰۰۱
۱۵. حبیب، اسدالله (دکتر)، ادبیات در نیمه اول سده بیستم
۱۷. خانلری، پرویز ناتل (دکتر)، وزن شعر فارسی، چاپ دوم، انتشارات توس، تهران، ایران، ۱۳۶۷
۱۸. خسته، مولوی خال محمد، معاصرین سخنور، چاپ دوم، انجمن نشراتی دانش، پشاور، پاکستان، ۱۳۸۶
۱۹. دانشگر، دکتر محمد، نامه نگاری گام به گام، انتشارات طلایه، چاپ دوم، تهران، ایران، ۱۳۸۴
۲۲. زرین کوب، عبدالحسین (دکتر)، آشنایی بانقد ادبی، چاپ چهارم، انتشارات سخن، تهران، ایران، ۱۳۷۶
۲۳. ژوبل، محمد حیدر، تاریخ ادبیات افغانستان، نشرات فاکولته ادبیات، پوهنتون کابل، افغانستان، ۱۳۳۳
۲۴. سعدی، شیخ مصلح الدین، دکتر خلیل خطیب رهبر (به کوشش)، گلستان، چاپ چهارم، انتشارات صفی علیشاه، تهران، ایران، ۱۳۶۶
۲۵. سلجوقی، صلاح الدین (علامه)، افسانه فردا، شورای ثقافتی جهاد افغانستان، چاپ اول، ۱۳۶۹
۲۶. سلجوقی، صلاح الدین، تجلی خدا در آفاق و انفس، چاپ سوم، بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان، ۱۳۸۵
۲۷. شریعت، محمد جواد (دکتر)، آیین نگارش، چاپ چهارم، انتشارات اساطیر، ۱۳۶۸
۲۸. شمیسا، سیروس (دکتر)، انواع ادبی، چاپ دوم، انتشارات فردوس، تهران، ایران، ۱۳۷۳
۳۲. صمیمی، محمد عبدالحق، روش جدید نامه نویسی، چاپ دوم، مؤسسه انتشارات الازهر، پشاور، پاکستان
۳۴. علوی مقدم، محمد (دکتر) و دکتر رضا اشرف زاده، معانی و بیان، چاپ ششم، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها، تهران، ایران، ۱۳۸۴
۳۶. غبار، میرغلام محمد، افغانستان در مسیر تاریخ، چاپ اول، مطبعه دولتی، کابل، افغانستان، ۱۳۴۶
۳۷. فانی، رازق، دشت آیین و تصویر، کالفرنیا، امریکا، ۱۳۸۳
۵۱. هاله، حبیب الرحمان (پروفیسور)، افکار عامه و تبلیغات، چاپ اول، اتحادیه نویسندگان افغانستان آزاد، پشاور، پاکستان، ۱۳۷۱
۵۲. هزاره، ملا فیض محمد کاتب، سراج التواریخ، ج ۱-۳، مؤسسه تحقیقات و انتشارات بلخ، تهران، ایران، ۱۳۷۳
۵۴. واصفی، میر بهادر، کلیله و دمنه منظوم، چاپ اول، انتشارات واقفی، مشهد، ایران، ۱۳۸۴
۵۵. کشاورز، کریم، هزار سال نثر پارسی، چاپ اول، جلد ۲، سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ایران، ۱۳۴۵
۵۶. کشاورز، کریم، هزار سال نثر پارسی، چاپ اول، جلد ۳، سازمان کتاب‌های جیبی، تهران، ایران، ۱۳۴۵
۵۷. یمین، حسین، رهنمای املائی دری و نقطه گذاری، نشرات دانشکده زبان و ادبیات دانشگاه کابل، (چاپ گستر)